

ماهنامه تحلیلی و پژوهشی سیاست

# هدایت

سال دوازدهم

شماره - ۱۳۶ - ۱۳۵ بهمن و اسفند ۱۳۹۱



حرّ ارجان  
خاک حنّال  
محو کسوف اولاد  
لحم و اللحم ما به  
ما بر سر  
یا معصومین یا صاحبزادگان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ماهنامه

# هدایت

«نشریه تحلیلی سیاسی»

«ویژه هادیان سیاسی»

معاونت سیاسی

نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

بهمن و اسفند ۱۳۹۱

## «هدایت»

### «ماهنامه تملیلی سیاسی»

**صاحب امتیاز:** نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

**مدیر مسؤول:** عبدالله داورزنی

**سر دبیر:** فردین عبداللهی

**مدیر اجرایی:** مهدی احمدی

**مخاطبین:** هادیان سیاسی

**همکاران این شماره:**

۱- حسین عبداللهی فر ۲- علی مرادزاده ۳- بهزاد کاظمی

۴- رسول سنایی راد ۵- علی قاسمی ۶- احد کریم خانی

۷- فتح الله پریشان ۸- رضا صادقی

**شمارگان:** ۱۵/۷۶۰

**نشانی:** تهران - صندوق پستی ۳۶۴ - ۱۷۸۴۵

**تلفن و نمابر نشریه:** ۶ - ۳۳۲۳۹۶۷۳

**پست الکترونیکی هادی (ایمیل):** ssb۱۱۰@yahoo.com E-mail:

**نشانی ما روی شبکه:** [www.hadinews.ir](http://www.hadinews.ir)

**لیتوگرافی، چاپ، صحافی:** مرکز چاپ نمایندگی ولی فقیه در سپاه

### خوانندگان ارجمند:

- ماهنامه هدایت متعلق به هادیان سیاسی می باشد، فلذا بخشی از مقالات نشریه به مطالب ارسالی هادیان سیاسی اختصاص دارد، انتظار می رود هادیان عزیز ما را یاری فرمایند.
- انتقادات و پیشنهادات ارسالی هادیان سیاسی، موجب غنای مطالب این نشریه خواهد شد.
- مقالات و مطالب ارسالی برای نشریه، مسترد نخواهد شد.
- نشریه هدایت در اصلاح، ویرایش، تلخیص و چاپ مطالب آزاد است.
- نقل مطالب با ذکر مأخذ، بلامانع است.

# فهرست مطالب

| صفحه | عنوان |
|------|-------|
|------|-------|

## سفن هدایت

|        |  |
|--------|--|
| ۱..... |  |
|--------|--|

## طلب نور

|        |                                          |
|--------|------------------------------------------|
| ۵..... | انتخابات ۹۲ از منظر مقام معظم رهبری..... |
|--------|------------------------------------------|

## بفش سیاسی

|         |                                                             |
|---------|-------------------------------------------------------------|
| ۱۳..... | * ماهیت ورود بحران سوریه به فاز مذاکره.....                 |
| ۲۵..... | * جریان‌شناسی انتخابات ریاست جمهوری .....                   |
| ۳۹..... | * بازخوانی فتنه‌های سیاسی دهه اخیر.....                     |
| ۵۳..... | * نگاهی مقایسه‌ای به مبانی مشارکت سیاسی در غرب و ایران..... |

**بخش اقتصادی**

۶۳.....\*ضرورت بازخوانی شعار سال، «الزامات و گام‌های تحقق تولید ملی»

**اندیشه سیاسی اسلام**

۷۳.....انتخابات در اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی<sup>(ره)</sup>

**بخش مفاهیم و اصطلاحات**

۹۳.....بخش پرسش و پاسخ

## میدان امتحانی برای مسئولان

برهم زدن فضای آرامش و ایجاد بی‌ثباتی سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، یکی از اهداف دشمنان محسوب می‌گردد که تحقق آن نیازمند همراهی یک جریان تجدیدنظر طلب و پدید آمدن بهانه‌هایی در داخل می‌باشد. همان‌گونه که در سال ۱۳۸۸، فتنه‌گران و ادعای تقلب در انتخابات توانست دشمنان را در بی‌ثبات‌سازی و ایجاد آشوب و بلوا موفق سازد.

اما این بار در برخی بد اخلاقی‌های سیاسی می‌توان علائمی از تولید بهانه به نفع بی‌ثبات‌سازی‌های دشمن را مشاهده کرد که نمونه‌ی آن، بد اخلاقی سیاسی در مجلس شورای اسلامی بود که امام خامنه‌ای با ابراز تأثر از این حادثه‌ی بد و نامناسب استفاده‌ی ابزاری از یک اتهام ثابت نشده را کاری بد، غلط، نامناسب، خلاف شرع، خلاف قانون و خلاف اخلاق، نامیده و آن را رفتاری مغایر با حقوق اساسی معرفی فرمودند، چرا که زندگی در آرامش و امنیت روانی و اخلاقی جزو حقوق اساسی مردم است.



سخت  
هدایت

امام خامنه‌ای که از تبدیل بد اخلاقی‌ها به یک رو سیاسی برای برخی جریان‌های سیاسی ناخرسند و نگران هستند، تاکید فرمودند: (بنده فعلاً نصیحت می‌کنم که این کار شایسته‌ای برای نظام جمهوری اسلامی نیست) از آنجا که این بد اخلاقی در پرسش مبارزه با فساد و حتی دو قطبی‌سازی فقر و غنی دنبال می‌شود، و می‌تواند به فریب توده‌های محروم و ناراضی از فساد منتهی شود، به صراحت اعلام فرمودند: چند سال قبل درباره مبارزه با فساد اقتصادی، نامه‌ای به روسای قوا نوشتم، مکرر می‌گویند، فساد اقتصادی اما این کار به زبان گفتن تمام نمی‌شود، بلکه نیازمند مبارزه عملی است. در عمل چه کار شد؟ در عمل چه کار کردید؟ این مسائل انسان را متأثر می‌کند.

در واقع این باز خواست و یادآوری، اقدامی بازدارنده در برابر مطالبه‌گری و شعارهای مشکوک مبارزه با فساد و استفاده از احساسات مردم برای اختلاف‌افکنی و تردیدآفرینی علیه پایه‌های مشروعیت و سست کردن اقتدار نظام اسلامی است که از سوی برخی چهره‌های موجه و برای به اهداف سیاسی دنبال می‌شود.

دلایلی که این شعارها را مشکوک جلوه می‌دهد عبارتند از:

۱- عدم ارائه مستندات به مراجع ذی‌صلاح قانونی و طرح آن از

تربیه‌های عمومی و تبلیغی؛

۲- خط ترمز تعیین کردن برای برخی اطرافیان و جلوگیری از رسیدگی به

برخی اتهامات مطرح شده علیه آنان؛

۳- عدم حساسیت نسبت به برخی اسناد و اخبار مربوط به فساد اطرافیان

که حتی در پرونده فساد بزرگ اسم آنان به میان آمده و در پرونده بیمه‌ای ایران جزء متهمان به حساب می‌آمده‌اند؛

۴- فشار به قوه قضائیه برای آزاد سازی برخی محکومان و بکارگیری

آنان در پست‌های حساس وجود دوگانگی در رفتار و استفاده‌ی ابزاری و

شعاری از این ابزار و تهدیدات کرد به افشاگری علیه برخی شخصیت‌ها و نهادهای قانونی در آستانه‌ی انتخابات، بجای ارائه‌ی اسناد به مراجع قانونی و صالحه برای رسیدگی، حاکی از وجود اراده‌ای برای ترویج فضای تهمت و افتراء و دو قطبی‌سازی برای نیل به اهداف سیاسی - انتخاباتی است که می‌تواند برای دشمنان مترصد فرصت و شکار یک امتیاز به حساب آید. دشمنانی که منتظر بهانه‌ای برای کلید زدن ناآرامی و بی‌ثبات‌سازی بوده و متخصصان جنگ نرم خود را در موسسات سیاسی - امنیتی و اتاق‌های فکر برای بهره‌برداری از این بهانه و تبدیل آن به سناریوهای جنگ روانی آماده نگه داشته‌اند از سوی دیگر این کنش مغایر با اخلاق و قانون، منجر به واکنش‌هایی از قبیل زیاده روی رئیس مجلس در دفاع از از خود باعث تشدید اختلافات و از بین رفتن فرصت‌های برنامه‌ریزی و خدمت می‌گردد. حال آنکه انتظار رهبری از مسئولان این است که (با صبر، میدان ندادن به احساسات سرکش و ملاحظه مسائل کشور، همه توان و نیروها را برای حل مشکلات مردم متمرکز کنند و حال که دشمن‌های دشمن شدت یافته، آنها هم رفاقت هایشان را شدت دهند.) به عبارت دیگر در شرایطی که دشمن با بکارگیری راهبرد تشدید تحریم و فشار بدنبال تولید شکاف و نارضایتی و ایجاد ناآرامی‌های اجتماعی و یا کاهش شکایات مردم در انتخابات آینده است، هرگونه فرصت‌سوزی و بی‌توجهی به زمینه‌های تلاش و کار برای حل مشکلات و رسیدگی به مسائل مردم نوعی بازی در میدان دشمن و خیانت به حساب می‌آید، حتی اگر با شعار و یا توهم مبارزه با فساد باشد.

بنابراین ماه‌های منتهی به انتخابات، میدان امتحان برخی مدعیان در همراهی با ولایت و پای‌بندی به مصالح نظام و منافع عمومی است که البته به تقوای سیاسی و جمعی آنان گره خورده است. بدیهی است در صورت بی‌تقوایی و بداخلاقی باید بدانند که مردم نیز مانند رهبری، حمایت‌های آنان

در پیوند با مسئولیت‌های آنان و التزام و پای‌بندی به سوگندها و تعهداتی بوده است که در صورت مغایرت، به سرعت مطرود و منفور واقع شده و از حافظه‌ی تاریخی مردم پاک خواهند شد.

## انتخابات ۹۲ از منظر مقام معظم رهبری

یکی از رخداد‌های بی نظیر در قرن اخیر پدیده انقلاب اسلامی در ایران است که علیرغم کینه توزی و دشمنی استکبار جهانی، پس از ۳۴ سال همچنان با صلابت در مسیر تحقق اهداف الهی خود گام بر می‌دارد. انقلابی که با اتکاء بر مکتب انسان ساز اسلام و با رهبری نشأت گرفته از ولایت الهی و پایگاه مردمی توانسته است افق روشنی را در مقابل مستضعفان جهان بگشاید.

وفاداری امت ایران اسلامی در طول سال‌های انقلاب اسلامی و حضور در صحنه‌های مختلف خصوصاً انتخابات حاکمی از بلوغ سیاسی و اجتماعی امتی است که سابقه طولانی از حکومت‌های استبدادی را در تاریخ خود داشته و اکنون به عنوان الگویی برای دیگر ملت‌ها بالاختص ملت‌های مسلمان منطقه الهام بخش ایستادگی و پیروزی در برابر سلطه داخلی و استعمار خارجی است.

امت اسلامی در حالی که سربلند تر از همیشه سالگرد انقلاب اسلامی خود را جشن گرفته، در آستانه آزمایشی دیگر جهت حفظ و تثبیت جمهوریت نظام اسلامی قرار گرفته و این بار علی‌رغم شدیدترین

طلب نور

تهاجمات و تحریم‌های دشمنان داخلی و خارجی، همچون سال‌های گذشته سربلند از این آزمون بیرون خواهد آمد.

انتخابات سال ۹۲ یکی از سرنوشت سازترین انتخابات برای کشور است. چرا که برای اولین بار همزمان دو انتخابات در کشور برگزار می‌شود و مردم نوع چپ‌نش دو نهاد مردمی و انتخابی را با رای مستقیم خود تعیین می‌کنند. از یک‌سو مردم با انتخاب رئیس جمهور فصل جدیدی از اجرا را در دهه چهارم انقلاب تجربه می‌کنند و از سوی دیگر با گزینش نمایندگان خود در شوراها در کف مدیریت کشور نقش‌آفرینی می‌نمایند.

در خصوص اهمیت انتخابات و وظایف مردم و مسئولان مقام معظم رهبری مطالب مهمی را فرمودند که با بازخوانی آن می‌توان راهبردهای انتخابات آینده را دریافت کرد.

## انتظارات

### مشارکت عظیم مردمی

اول اینکه شرکت مردم در انتخابات، یک مشارکت عظیمی باشد؛ این مصون‌کننده است. همه‌ی تلاش دست‌اندرکاران، امروز و فردا و روز انتخابات و در اثنای مقدمات و مؤخرات، باید این باشد: حضور مردم، حضور گسترده‌ای باشد. (بیانات مقام معظم رهبری در خراسان شمالی ۹۱/۷/۲۴)

### گزینش خوب و به صلاح انقلاب و کشور

دیگر اینکه از خدا بخواهیم و خودمان هم چشمان را باز کنیم؛ کاری کنیم که نتیجه‌ی انتخابات، یک گزینش خوب و همراه با صلاح و صرفه‌ی انقلاب و کشور باشد. این معنایش این نیست که اگر ما کسی را نپسندیدیم، با او بداخلاقی کنیم، برخورد تند و سخت و غلط بکنیم؛ نه. آن کسانی که خودشان را صالح میدانند، برای خودشان اهلیت قائلند، وارد میدان شوند. ما

هم که می‌خواهیم انتخاب کنیم، نگاه کنیم، حقیقتاً با معیارهایی که معتقدیم و بین همه‌ی ماها مشترک است، بسنجیم. شاید بشود گفت که بین همه‌ی ایرانی‌ها - معتقدین به انقلاب - این معیارها تقریباً مشترک است. در هر کسی که این معیارها را مشاهده کردیم، کوشش کنیم، تلاش کنیم، کار کنیم - کار سالم - که انتخابات به سمت انتخاب یک چنین کسی برود. (بیانات مقام معظم رهبری در خراسان شمالی ۹۱/۷/۲۴)

### برگزاری آبرومند و افتخار آمیز

انتخابات برای کشور مایه‌ی آبروست، مایه‌ی افتخار است. همه مراقب باشند که انتخابات مایه‌ی بی‌آبرویی برای کشور نشود؛ آن‌طوری که در سال ۸۸ یک عده‌ای سعی کردند انتخابات را مظهر اختلافات وانمود کنند، جنجال سیاسی طبیعی انتخابات را تبدیل کنند به یک فتنه؛ که البته ملت ایران در مقابلش ایستاد و هر وقت هم شبیه آن اتفاق بیفتد، ملت در مقابل آن خواهد ایستاد. (بیانات مقام معظم رهبری در خراسان شمالی ۹۱/۷/۲۴)

### سلامت انتخابات

البته سلامت انتخابات هم مسئله‌ی اساسی و مهمی است. منتها فرض ما بر این است که مسئولین کشور با وجدان اسلامی و الهی وارد می‌شوند و انتخابات ما سالم است. در گذشته هم که در دولت‌های مختلف انتخابات انجام گرفته است - چه انتخابات ریاست جمهوری، چه انتخابات مجلس، چه دیگر انتخاب‌ها - فرض ما بر این بوده است که انتخابات، انتخابات سالمی است. البته مراقبت‌های گوناگون از جهات مختلف لازم است انجام بگیرد. (بیانات مقام معظم رهبری در خراسان شمالی ۹۱/۷/۲۴)

«با هر انتخاباتی، خون تازه‌ای در رگهای کشور تزریق می‌شود؛ روح تازه‌ای در کالبد کشور دمیده می‌شود - این را بدانید - و به خاطر همین هم هست

که در طول این سالهای متمادی، همیشه دشمن خواسته است که یا انتخابات نباشد یا کم‌رنگ باشد.» (بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه)

در هیچ انتخاباتی ما سراغ نداریم که قبل از انتخابات، بوق‌های تبلیغاتی دشمن به کار نیفتاده باشد برای اینکه کاری کنند که انتخابات در ایران کم‌رنگ شود. در همه‌ی انتخابات‌ها، به شکل‌های مختلف، این کار صورت گرفته است. شما هوشمندید، زیرکید؛ خودتان می‌توانید تشخیص بدهید که برای بی‌رونتی کردن انتخابات، بی‌شوق و ذوق کردن مردم به حضور در انتخابات، چه حرف‌هایی زده میشود و چه کارهایی می‌شود. (بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه)

در انتخابات، دو تا مسئله از همه مهم‌تر است: مسئله‌ی اول، حضور مردم، شرکت مردم - که بایستی وسیع و گسترده باشد - مسئله‌ی دوم، قانون‌گرایی در انتخابات، وفاداری به قانون، احترام به رأی مردم. این‌جور نباشد که اگر چنانچه انتخابات بر طبق نظر و میل ما انجام گرفت، این را ما قبول داشته باشیم؛ اگر برخلاف نظر ما بود، «و ان یکن لهم الحقّ یأتوا الیه مذعنین». اگر حق را به ما دادند، آنی که ما می‌خواهیم، سر کار آمد، قانون را قبول داریم؛ اگر آنی که ما می‌خواهیم، سر کار نیامد، می‌زنیم زیر قانون؛ نه قانون را قبول داریم، نه رأی مردم را قبول داریم؛ این نمی‌شود. فتنه‌ی ۸۸ همین جور بود. ادعا کردند که قانون‌گرا هستند، بعد خب مردم به آنها رأی ندادند، اکثریت مردم به کس دیگری رأی دادند؛ اینها بنا کردند دعوا راه انداختن که چرا! کشور را، ملت را مدتی مضطرب کردند، دشمن را خوشحال کردند؛ البته آخرش هم در مقابل مردم دیگر تاب نیاوردند و عقب نشستند. (بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه)

### راهبردها

اولین راهبرد انتخابات آینده این است که فضای سیاسی کشور باید آرام و

عاری از جنجال آفرینی باشد تا مردم بتوانند در محیطی آرام، آزاد و مطمئن منتخب خود را تعیین کنند. لذا مقام معظم رهبری فرمودند: "مسئولان مانع جنجال سیاسی در کشور شوند و قوای کشور مراقب باشند بدخواهان آرامش را برهم نزنند". (بیانات مقام معظم رهبری در خراسان شمالی)

دومین راهبرد اینکه در انتخابات آینده به دلیل ویژگی خاص خود که دو انتخاب همزمان با هم صورت می گیرد به طور طبیعی سطح مشارکت بالا است. اما باید مراقبت کرد مشارکت عمیق، گسترده و فراگیر باشد چرا که در شرایط کنونی که ما در گذار از پیچ تند تاریخی هستیم موضوع ثبات و آرامش و امنیت کشور برای ما حیاتی است. به همین دلیل مقام معظم رهبری فرمودند: "شرکت عظیم مردم در انتخابات مصون کننده است و همه تلاش ها باید به این مسئله مهم متمرکز شود." (بیانات مقام معظم رهبری در خراسان شمالی)

سوم این که شرط برقراری یک انتخابات آزاد، سالم و با مشارکت وسیع، رقابت آزاد و سالم است. لذا باید همه ظرفیت های سیاسی کشور برای برگزاری چنین انتخاباتی به میدان بیایند و گفتمان های معطوف به پیشرفت و خدمت و عدالت برای رقابت سازنده به طور شفاف در جامعه مطرح شود تا قدرت انتخاب مردم را مضاعف نماید.

مقام معظم رهبری فرمودند: "کسانی که خود را صالح و دارای اهلیت می دانند وارد عرصه شوند و مردم هم آنها را با معیارها بسنجند و برای انتخاب فرد مورد نظر خود تلاش کنند." (بیانات مقام معظم رهبری در خراسان شمالی)

انتخابات آینده یک انتخابات چند ضلعی خواهد بود و سلیقه های گوناگون صمیمانه و مشفقانه در کنار یکدیگر ظاهر خواهند شد و قدرت انتخاب مردم را بالا خواهند برد.

چهارمین راهبرد ان شاء الله انتخابات برگزار و فرد منتخب کار خود را آغاز

خواهد کرد. همه باید به نتایج انتخابات و داوری نهادهای نظارتی و امانتداری مجریان ملتزم باشند. امر انتخابات اگر درست عمل شود به گزینشی خوب همراه با صلاح و صرفه انقلاب که مایه آبروی انقلاب خواهد بود خواهیم رسید. مسئله تنظیم دُر رقابت خیلی مهم است. فرض بر این است کسانی که صلاحیت آنها به عنوان رجال مذهبی و سیاسی از سوی شورای نگهبان احراز شده افراد صالحی هستند و مردم از میان صالحین یکی را برخواهند گزید.

باید رفتارها و گفتارها را کنترل کرد که رقابت به سمت فضای "آشتی ناپذیری" میل نکند. مقام معظم رهبری روی این نکته تاکید دارند که مردم در انتخابات جای دوست و دشمن را خوب تشخیص دهند و اشتباه نکنند. لذا در نقد برخی رفتارها و گفتارها فرمودند: "برخی رقیب انتخاباتی خود را شیطان اکبر به حساب می آورند در حالی که شیطان اکبر آمریکا و صهیونیسم است نه رقیب جناحی و انتخاباتی!" چنین دیدگاهی انتخابات را از فضای سالم، آزاد و رقابتی دور می کند و ممکن است به سطح مشارکت آسیب زند. البته ممکن است یک جریان یا یک رجل سیاسی و مذهبی در لباس دوست در پازل دشمن عمل کند کما اینکه در انتخابات سال ۸۸ شاهد بودیم.

به همین دلیل مقام معظم رهبری در این حالت فرمودند: "این فرد را باید نصیحت کرد و اگر نصیحت موثر واقع نشد باید با او "حد" و "مرز" و "خط فاصل" تعریف کرد. اما در هر صورت ایشان فرمودند:

"در هیچ حال نباید دوست را به جای دشمن گرفت". (بیانات مقام معظم رهبری در خراسان شمالی)

و دست آخر این که آمریکا و رژیم صهیونیستی از تحریم ها ناامید هستند و قطعاً روی انتخابات ایران متمرکز می شوند. آنها برای انتخابات آینده ایران، هم در مورد انتخابات شوراها و هم انتخابات ریاست جمهوری برنامه دارند. اولین راهبرد آنها باز تولید فتنه سال ۸۸ از طریق نفوذ در ستادهای انتخاباتی

است. گاهی با ۱۰ واسطه در یک ستاد ممکن است به یک نامزد انتخاباتی خط فکری و انحرافی بدهند. آنها فکر می‌کنند این توانایی را دارند که با سوزن‌بانی نوع رقابت‌ها و ادبیات گفتگو و نقد، اردو‌کشی خیابانی و سپس درگیری‌ها را تدارک ببینند.

شورای نگهبان باید در احراز صلاحیت نامزدها دقت کافی داشته باشد. نباید ملت و نهادهای داوری از یک سوراخ چند بار گزیده شوند. از طرف دیگر اگر احتمال بروز شرارت‌های سیاسی می‌رود مردم باید آماده باشند. مقام معظم رهبری با اطمینان فرمودند: "ملت ایران در مقابل فتنه ۸۸ ایستاد و هر وقت هم مشابه آن اتفاق بیفتد خواهد ایستاد." برای ورود در این عرصه باید با سلاح تقوا و اطاعت از ولایت فقیه با بصیرت خط درگیری را تشخیص دهیم. لذا بخش مهمی از روشن‌گری مقام معظم رهبری در تعیین راهبردهای انتخابات آینده تکیه روی عنصر "بصیرت" بود. سازماندهی، ایمان و عمل به تکلیف و پا به رکاب بودن از مختصات بصیرت است. این مختصات به ما کمک می‌کند در تشخیص خط و نقطه درگیری با دشمن در انتخابات آینده همانند انتخابات سال ۸۸ اشتباه نکنیم.





## ماهیت ورود بحران سوریه به فاز مذاکره

احمد کریم خانی



### مقدمه:

طی ماه‌های گذشته و پس از ناکامی گروه‌های مسلح تروریستی مورد حمایت غرب (آمریکا - فرانسه - انگلیس) و برخی رژیم‌های مرتجع عربی (عربستان - قطر) به همراه ترکیه و رژیم صهیونیستی در ساقط کردن حکومت سوریه، بحران این کشور که قریب به دو سال از آن می‌گذرد، وارد فاز جدیدی شده است. در چنین شرایطی طرح ۶ ماده‌ای جمهوری اسلامی ایران برای حل بحران سوریه، راه کار ۳ مرحله‌ای بشار اسد برای برون رفت از بحران، انتخاب "معاذ الخطیب" به عنوان رهبر ائتلاف مخالفان سوریه و ابراز تمایل وی برای گفت و گو با حکومت سوریه همزمان با حمله رژیم صهیونیستی به یک مرکز نظامی سوریه و پررنگ شدن خط "مذاکره" برای پایان یافتن بحران این کشور از سوی طرفین داخلی و خارجی درگیر از مهمترین نکات قابل ذکر در این خصوص است. حال سؤال این است که طرح‌ها و راهکارهای مذکور تا چه حد قابلیت اجرایی پیدا کرده و یا اینکه در آینده پیدا خواهد کرد و به عبارت دیگر آیا محور عربی - غربی و گروه‌های مسلح تروریستی در سوریه تن

سیاسی

به یک راه حل سیاسی برای پایان خشونت‌ها خواهند داد؟

### ابعاد طرح ۶ ماده‌ای جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران که از آغاز شروع نا آرامی‌ها در سوریه همواره بر ایجاد اصلاحات در این کشور و پایان دادن گروه‌های مسلح به اقدامات تروریستی تاکید کرده است، تلاش‌های گسترده‌ای نیز برای ایجاد تفاهم میان دولت و معارضان واقعی این کشور انجام داده است. برگزاری نشست تهران با حضور بیش از ۱۰۰ نفر از معارضان و مقامات دولتی سوریه در آن تنها بخشی از این تلاش‌ها بوده است. اواخر آذرماه نیز طرح ۶ ماده‌ای جمهوری اسلامی ایران برای حل بحران سوریه ارائه و منتشر شد که مورد استقبال معارضان غیرمسلح سوری و دولت این کشور قرار گرفت، کشورهای چین و روسیه که به طور جدی مخالف حمایت‌های غرب از گروه‌های مسلح- بخوانید تروریست‌ها- در سوریه هستند نیز، موافقت خود را با کلیات طرح جمهوری اسلامی ایران برای پایان یافتن بحران سوریه اعلام کرده‌اند. بر این اساس طرح ۶ ماده‌ای ایران شامل بندهای ذیل است:

۱- توقف فوری هرگونه اعمال خشونت‌آمیز و مسلحانه تحت نظارت سازمان ملل متحد. در این مرحله دولت و کلیه گروه‌های مسلح مخالف باید بی درنگ به تحرکات نظامی خود به‌ویژه در مناطق مسکونی پایان دهند و به منظور تثبیت اوضاع و برگشت آرامش، با نماینده سازمان ملل و کمیته تحت نظر وی همکاری نمایند.

۲- پس از توقف درگیری‌ها باید بلافاصله ارائه کمک‌های انسان دوستانه به مردم سوریه در تمام نقاط آسیب دیده با جدیت و بدون تبعیض آغاز گردد. برای تضمین این مهم ضروری است تحریم‌های اقتصادی سوریه برداشته شود و زمینه بازگشت کلیه آوارگان به محل اقامت شان فراهم گردد.

۳- همزمان با برقراری آرامش، گفت وگوهای ملی فراگیر با حضور

نمایندگان طیف‌ها و گرایش‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و دولت‌سوریه به منظور تشکیل یک کمیته آشتی ملی با فوریت دنبال شود. این گفتگوها باید زمینه تشکیل یک دولت انتقالی را که مورد اجماع باشد، فراهم سازد. وظیفه اصلی این دولت، برگزاری انتخابات آزاد و رقابتی برای تشکیل پارلمان جدید، تشکیل مجلس مؤسسان جهت تدوین قانون اساسی و برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در موعد مقرر آن خواهد بود.

۴- همه افرادی که صرفاً بدلیل فعالیت‌های سیاسی مسالمت‌آمیز بازداشت شده‌اند، از هر گروه و فرقه‌ای که باشند، باید از سوی دولت و گروه‌های معارض، سریعاً آزاد شوند. به جرائم افرادی که مرتکب جنایت شده‌اند باید در دادگاه‌های صالحه بطور عادلانه رسیدگی شود.

۵- روند اطلاع‌رسانی نادرست از تحولات سوریه باید هر چه سریع‌تر متوقف گردد. همه رسانه‌ها و ارباب جرائد باید در فضایی امن، امکان تهیه و ارسال خبر از شرایط میدانی سوریه را داشته باشند و بتوانند دیدگاه‌های همه مردم این کشور را بدور از غرض‌ورزی‌ها و برخوردهای تبعیض‌آمیز به اطلاع افکار عمومی برسانند.

۶- تشکیل کمیته برآورد خسارت و بازسازی، با توجه به خسارات وارده به زیرساخت‌های کشور سوریه، وظیفه این کمیته ایجاد سازوکارهای مناسب برای جذب و هدایت کمک‌های خارجی، تعیین اولویت‌ها برای بازسازی و تعیین چگونگی مشارکت سازمان‌ها و کشورهای دوست در فرآیند بازسازی خواهد بود.

اندکی تأمل در مفاد طرح فوق‌الذکر، موارد و ویژگی‌های زیر از مختصات طرح ایران محسوب می‌شود:

الف) جامعیت که برای نمونه در موارد زیر مورد اشاره واقع شده است:  
- جامعیت و شمول از توقف نبرد و آغاز آتش بس تا برگزاری انتخابات و حتی آغاز بازسازی پس از شکل‌گیری ثبات؛

- توقف خشونت‌ها چه از سمت دولت و چه از سوی گروه‌های مسلح داخلی؛

- توجه به همه ی گروه‌های مخالف غیرمسلح داخلی از همه ی طیف‌ها و گرایش‌ها در روند مذاکرات؛

- توجه به بازگشت همه ی آوارگان؛

- ارسال کمک‌های بشردوستانه به همه ی مردم سوریه؛

- آزادی همه افرادی که صرفاً به دلیل فعالیت‌های سیاسی مسالمت آمیز بازداشت شده‌اند؛

- توجه به همه رسانه‌ها و ارباب جراید برای امکان تهیه و ارسال خبر.

ب) دفاع منصفانه از نظام حاکم.

ج) صلح تحت قوانین و نظارت سازمان ملل.

د) دعوت به «گفت و گوی ملی فراگیر» بین موافقین و مخالفین و تلاش

برای ایجاد فضایی آرام در جهت حل مشکلات و خواسته‌های مخالفین و ایجاد فضایی که بستر مناسبی برای اجرای اصلاحات فراهم خواهد کرد؛ نکته ای که دولت بشار اسد از آن استقبال کرده است. در همین ارتباط، ولید المعلم، وزیر امور خارجه ی سوریه، در گفت و گو با تلویزیون رسمی سوریه گفت: «سوریه آماده ی گفت و گو طبق چارچوب‌ها و پایه‌های وطنی است.»

ه) تأکید بر نفی دخالت خارجی: با دقت در موارد مطرح شده در طرح ایران و از سوی دیگر، مجموعه ی تلاش‌های صورت گرفته توسط دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی، این نکته کاملاً مشخص خواهد شد که ایران همواره با هرگونه دخالت نیروهای خارجی، اعم از منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، که قصد دخالت در امور داخلی سوریه را داشته باشند، مخالف است؛ امری که به دفعات توسط مقامات مصر، روسیه، چین، عراق و... نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

ز) توجه به نقش و جایگاه مردم که در موارد زیر قابل اشاره است:

- توقف هر گونه اعمال خشونت آمیز و مسلحانه در مناطق مسکونی؛
- ارسال کمک‌های بشردوستانه بدون تبعیض؛
- بازگشت آوارگان؛
- آزادی همه افرادی که صرفاً به دلیل فعالیت‌های سیاسی مسالمت‌آمیز بازداشت شده‌اند، از هر گروه و فرقه‌ای که باشند، از سوی دولت و گروه‌های معارض.

### «طرح راهبردی» اسد درباره آینده سوریه

- این طرح که چندی پیش توسط بشار اسد، رئیس جمهور سوریه در اجتماع دانشجویان دانشگاه دمشق ارائه شد، شامل موارد ذیل است:
- برقراری آتش‌بس بین طرف‌های درگیر؛
- حضور و استقرار ناظران بین‌المللی در سوریه جهت نظارت و اشراف بر اجرای آتش‌بس؛
- تشکیل مجلس موسسان اصلاح قانون اساسی سوریه؛
- تشکیل دولت وحدت ملی؛
- برگزاری انتخابات پارلمانی آزاد و سالم با نظارت بین‌المللی.

### چرایی حمله صهیونیست‌ها به سوریه

از ابتدای شکل‌گیری جریان مقاومت در منطقه، رژیم صهیونیستی برنامه‌هایی برای شکستن خط مقاومت داشته و دمشق را در زمره دشمنان خود نگاه داشته است. با آغاز بحران در سوریه به عنوان محور مقاومت در منطقه، رژیم غاصب صهیونیستی با تلاشی گسترده و همکاری کشورهای دشمن ملت و دولت سوریه همه ظرفیت‌ها و توانایی خود را بکار گرفته تا بتواند با ضربه زدن به اماکن حیاتی و دولت بشار اسد، فروپاشی ارتش این کشور را به نظاره بنشیند. تل‌آویو در راستای اجرای این استراتژی با حمله

نظامی به مراکز فرماندهی، پژوهشی، کارخانه‌های اسلحه‌سازی به دنبال آن بوده است که از نقش سوریه در حمایت از جریان مقاومت و دفاع از حقوق مشروع موجود خود در منطقه بکاهد هر چند که تاکنون موفق نبوده است. با ادامه بحران در سوریه از جانب کشورهای ثالث، رژیم صهیونیستی فرصت را برای انتقام از مواضع سوریه در قبال حمایت از جریان مقاومت مناسب دید و با حمایت‌های سیاسی و نظامی پنهان، تلاش فراوانی را در ادامه حیات تروریست‌ها در سوریه به کار بست. البته صهیونیست‌ها برای این سیاست پنهانی خود دلایلی داشته و سعی می‌کردند که به صورت علنی خود را در این درگیری‌ها دخیل نکنند. اما طی هفته‌های گذشته اسرائیلی‌ها تلاش زیادی کرده‌اند تا بتوانند به صورت مستقیم خود را وارد بحران سوریه کنند. در چند هفته گذشته تجاوز هواپیماهای جنگنده رژیم صهیونیستی به یک مرکز تحقیقات نظامی سوریه در منطقه جمرایا در شمال شرق دمشق صورت گرفت و پس از آن یگان‌های ترکیه در مرز سوریه، ارتش لبنان و اردن و همچنین نیروهای هوایی آمریکا که در پایگاه هوایی «اینسرلیک» ترکیه مستقر هستند به حالت آماده باش درآمده است. با نگاهی ساده به این مساله می‌توان دریافت که تحولات سوریه وارد مرحله جدیدی شده است اما هدف نهایی رژیم اشغالگر قدس از این حمله تنها نابودی یک مرکز تحقیقاتی نخواهد بود.

پس از اعلام رسمی حمله اسرائیل به سوریه و محکوم نمودن این تهاجم از سوی برخی کشورها، مقامات رژیم صهیونیستی و رسانه‌های گروهی این رژیم سکوت مطلق را همچون سال ۲۰۰۷ در پیش گرفتند. این حمله نظامی در موقعیت حساس کنونی و اوضاع ناآرام به یک مرکز نظامی در دمشق از سوی رژیم صهیونیستی، پرده دیگری از اهداف تل آویو در حذف دولت اسد از جبهه مقاومت و تضعیف ارتش این کشور در مقابله با زیاده خواهی معارضان و خواست نامعقول کشورهای حامی آنان برداشت.

رژیم اسرائیل با این اقدام مداخله جویانه در صدد است که ضمن تداوم ناآرامی و برهم زدن تمرکز ارتش سوریه که این روزها موفقیت‌های چشمگیری در مقابله با معارضین سوری و تروریست‌ها داشته، جبهه نظامی دیگری را در بیرون از مرزها برای ارتش سوریه بگشاید. از سوی دیگر این تهاجم نظامی و نقض آشکار قوانین بین‌المللی حاکی از ناتوانی رژیم صهیونیستی در حل مشکلات داخلی و نوعی فرار به جلوست. اقدام اخیر اسرائیل غاصب در حمله نظامی به یک موقعیت نظامی در دمشق را می‌توان از منظر تحولات چند ماهه و خصوصاً نتایج انتخابات اخیر مجلس رژیم صهیونیستی از سویی و موفقیت‌های اخیر دولت و ارتش سوریه در مهار بحران تحمیلی از سوی برخی کشورهای عربی منطقه، ترکیه و غرب مورد ارزیابی قرارداد که در ادامه به آنها می‌پردازیم:

۱- رژیم اشغالگر و تزلزل سیاسی پس از انتخابات مجلس (کنست): در نیمه دوم اکتبر ۲۰۱۲ پس از آن که دولت ائتلافی نتانیاو بعد از سه سال نتوانست بر اختلافات داخلی - به‌ویژه بر سر تصویب بودجه در موعد مقرر - چیره شود، انتخابات زودهنگام از سوی دولت اعلام و کنست (پارلمان اسرائیل) نیز با تصویب پیشنهاد نتانیاو با برگزاری انتخابات در ۲۲ ژانویه ۲۰۱۳ موافقت کرد و منحل شد. اعلام نتایج انتخابات ۲۰۱۳ عقب‌نشینی احزابی نظیر لیکود از مؤسسان و رهبران رژیم صهیونیستی را به همراه داشت چرا که مشخص شد دولت ائتلافی نتانیاو در کنست یک چهارم کرسی‌هایی که در اختیار داشت را از دست داده است و حزب حاکم را مجبور کرده تا با احزاب کوچکتر ائتلاف نمایند.

بلوک تندروی بنیامین نتانیاو، یعنی ائتلاف «لیکود خانه ما» - دو حزب لیکود به رهبری نتانیاو و اسرائیل خانه ما به رهبری لیبرمن، وزیر خارجه افراطی رژیم صهیونیستی - که امیدوار به کسب ۴۸ کرسی انتخاباتی بود - تنها موفق به کسب ۳۱ کرسی انتخاباتی شد. عواملی همچون افزایش

مهاجرت معکوس، رشد بی سابقه نرخ بیکاری و تورم کاهش قدرت خرید یهودیان ساکن اراضی اشغالی، شکست ارتش رژیم صهیونیستی در جنگ ۸ روزه غزه و هزینه ۳ میلیارد دلاری نتانیاها برای ایجاد سپر آهنین و عدم اطمینان رای دهندگان به سیاست‌های رهبران این رژیم باعث شد جناح راست یک چهارم کرسی‌های خود را از دست بدهد و پیروزی در انتخابات اخیر کنست با آرای شکننده را با طعم تلخی بپذیرد.

این پیروزی به حدی شکننده بود که یارون ازراهی، تحلیلگر سیاسی اسرائیلی در اظهار نظری پیروزی نتانیاها را یک برد بدتر از باخت خواند. به عقیده از راهی، دولت آینده اسرائیل فقط حدود ۱۸ ماه دوام می‌آورد. با وجود این شرایط پیش بینی می‌شود در آینده نزدیک نتانیاها نخست وزیر راست‌گرای اسرائیل با مخالفت احزاب چپ با سیاست‌های اقتصادی و نظامی روبرو شود و شکاف میان احزاب ۳۴ گانه اسرائیل و قدرت یافتن احزاب دیگر در مقابل حزب لیکود به «بحرانی» عمیق در عرصه رهبری سیاسی رژیم صهیونیستی منجر شود. بر این اساس نتانیاها می‌کوشد با استراتژی فرار به جلو و جلوگیری از ادامه مخالفت‌های عمومی به سیاست‌های اقتصادی وی و همچنین جلوگیری از افزایش بیشتر گروه‌ها و احزاب مخالف دولت ائتلافی، مقابله با دولت سوریه و جریان مقاومت را به عنوان مهم‌ترین وظیفه و هدف اصلی رژیم صهیونیستی نشان دهد تا بتواند از بار سنگین مشکلات داخلی اقتصادی و سیاسی این رژیم تا حدودی شانه خالی کند.

۲- موفقیت‌های دولت سوریه در حل بحران و نگرانی رژیم صهیونیستی: اما نکات مهم دیگری که در بررسی علل تهاجم اخیر اسرائیل به دمشق بایستی مورد توجه قرار گیرد تحلیل وضعیت میدانی چند ماهه اخیر سوریه و موفقیت‌های نظامی دمشق در رویارویی و ضربه زدن به تروریست‌ها و برگزاری نشست‌های بین المللی با محور حل بحران در سوریه از طریق گفت‌وگو است. موضوعاتی که هر یک به راحتی می‌توانند توجیه کننده این

تهاجم غیر انسانی و عاملی مهم در تحریک رژیم اسرائیل به تهاجم هوایی به دمشق باشند.

بررسی میدانی اوضاع در سوریه نشان از آن دارد که زنجیره‌های معارضین سوری در حومه دمشق و حلب در یکی دو ماهه گذشته از هم گسسته و آنان در این میدان اوضاع شکننده‌ای را تجربه می‌کنند. اوضاع امنیتی این شهرها نسبت به ۴ ماه گذشته چرخشی اساسی به نفع دولت سوریه داشته و ابتکار عمل در اختیار ارتش این کشور قرار گرفته است. تحمیل وضعیت موجود از سوی ارتش سوریه به معارضین و تروریست‌ها باعث شده تا مخالفین داخلی و بین‌المللی دولت اسد نیز حرکت‌های نظامی برای سقوط دولت سوریه را محکوم به شکست قلمداد کنند و بر مذاکره با دولت سوریه تمایل نشان دهند. به گونه‌ای که پس از پیروزی ارتش سوریه در مقابله با تروریست‌های مسلح در مناطق مختلف، معاذ الخطیب، رئیس ائتلاف موسوم به مخالفان سوریه، برای مذاکره با نمایندگان دولت سوریه در راستای آینده قدرت در این کشور اعلام آمادگی کرد. این تمایل برای مذاکره پس از مدتها نشان داد که خسارت‌های و شکست‌های پی در پی تروریست‌ها در جبهه‌های مختلف، شاهدی بر این مدعاست که معارضان سوری علیرغم حمایت‌های بین‌المللی چاره‌ای جز مذاکره با دولت اسد را نخواهند داشت.

به هر نحو شکست راهبردی نظامی غرب در سوریه، شرایط میدانی و تسلط ارتش سوریه بر اوضاع داخلی، مقاومت ملت، دولت و ارتش سوریه در مقابل زیاده‌خواهی‌های تروریست‌ها و تمایل معارضین بر راهکارهای سیاسی و موافقت با مذاکره دو جانبه در راستای برون رفت از بحران و وضع موجود، امروز به موازنه قدرت نظامی ارتش سوریه و تروریست‌های وابسته و عقب‌نشینی آنها در چند هفته گذشته منجر شده و این تحولات بی شک با اهداف و خواست صهیونیست‌ها در تعارض کامل است و طبیعی می‌نماید که تل آویو از وضعیت کنونی به شدت نگران باشد.

## ماهیت رویکرد معارضة به گفت و گو با حکومت سوریه

نقطه عطف در بحث مذاکره برای حل بحران سوریه، مواضع "معاذ الخطیب" رهبر ائتلاف مخالفان در جریان کنفرانس امنیتی مونیخ است که آمادگی خود را برای مذاکره با نمایندگان دولت سوریه اعلام کرد؛ به طوری که مواضع وی مورد استقبال وزرای خارجه ایران و روسیه حاضر در کنفرانس امنیتی مونیخ قرار گرفت و در این چهارچوب ملاقات‌هایی میان الخطیب با آقای صالحی و لاوروف انجام شد.

پس از این ملاقات‌ها و اعلام آمادگی دولت سوریه برای مذاکره با مخالفان بدون هیچ‌گونه پیش شرطی، گمانه زنی‌ها در مورد چشم‌انداز تحولات سوریه به حوزه‌های سیاسی کشیده شده و این در حالیست که منابع خبری از تلاش مشترک اخضر ابراهیمی نماینده سازمان ملل در امور سوریه و نبیل العربی دبیر کل اتحادیه عرب برای آماده‌سازی بستر گفت‌وگوها میان فاروق الشرع معاون رئیس جمهور سوریه و معاذ الخطیب خبر داده‌اند. پیش از این نیز جان کری وزیر خارجه جدید آمریکا در ابتدای مسئولیت دیپلماتیک خود وعده داد که ابتکار عمل دیپلماتیک را برای توقف خشونت‌ها در سوریه ارائه خواهد داد.

بدون تردید تمایل مواضع مخالفان حکومت اسد به گزینه مذاکره را اگر چه باید به دلیل افزایش ناکامی‌های آنان در صحنه‌های دیگر از جمله امنیتی و نظامی دانست، اما این امر را نباید ناشی از اعتقاد اصولی مخالفان به مصالحه سیاسی دانست. به همین دلیل کارشناسان معتقدند سرمایه‌گذاری مخالفان سوریه در حوزه سیاست و مذاکره و بررسی ابعاد و چگونگی آن موضوع جدیدی است که به نظر می‌رسد از این پس باید در معادلات سوریه با دقت بیشتری مورد توجه قرار گیرند. در این راستا، توجه به گزاره‌های زیر نیز حائز اهمیت است:

۱- کارشناسان موضع معاذ الخطیب را به منزله نظر مورد اجماع همه

مخالفان خارجی حکومت سوریه نمی‌دانند؛ به طوری که اخیراً "هشام مروه" یکی از اعضا کمیته قضایی ائتلاف ملی مخالفان سوریه در مصاحبه‌ای اعلام کرده است که طرح تشکیل دولت موقت در سوریه متشکل از چهره‌های مخالف و حکومت سوریه به زودی از سوی ائتلاف ملی مخالفان ارائه خواهد شد.

۲- در شرایطی که گزینه مذاکره به عنوان یک اولویت مهم برای مخالفان سوریه مطرح است، گروه‌های تروریستی هنوز در داخل به انجام حملات و اقدامات ناامنی خود ادامه می‌دهند.

۳- برخی منابع خبری از مخالفت کشورهایمانند قطر و عربستان مبنی بر مخالفت با راهکارهای دیپلماتیک گزارش می‌دهند.

۴- در حالی که آمریکا سعی کرده است در حوزه سیاسی این‌گونه نشان دهد که از مداخله مستقیم و یا حمایت از مخالفان مسلح خودداری خواهد کرد، اما گزارش‌های اطلاعاتی منتشر شده حاکی از تداوم حمایت‌های مادی و تسلیحاتی آمریکا از گروه‌های تروریستی دارد.

بنابراین به نظر می‌رسد استقبال از گزینه مذاکره از سوی مخالفان یک اقدام تاکتیکی برای سرپوش گذاشتن بر مجموعه‌ای از مشکلات اساسی است که طرف‌های مخالف داخلی و خارجی حکومت اسد در شرایط کنونی با آن مواجه‌اند؛ به خصوص این که آشکار شدن ماهیت واقعی معارضان سوری از جمله گروه‌های تروریستی که با حمایت کشورهای خارجی وارد سوریه شده‌اند و از طرف دیگر، اختلافات عمیق و گسترده‌ای که بین گروه‌های مختلف تروریستی وجود دارد، مخالفان منطقه‌ای و بین‌المللی سوریه را به شدت نسبت به معارضان سوریه دلسرد کرده است.

### جمع‌بندی:

بحران سوریه از زمان شروع تا کنون در سه سطح بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی دنبال می‌شود. در سطح بین‌المللی شاهد تقابل آمریکا، انگلیس و فرانسه با چین و روسیه، در سطح منطقه‌ای تقابل قطر، عربستان و ترکیه با

جمهوری اسلامی ایران و در داخل نیز شاهد تقابل دولت و معارضین به همراه بیش از ده هزار خارجی (سلفی تند رو، تکفیری و وهابی) هستیم. حل بحران سوریه زمانی اتفاق می افتد که همگونی در این سه سطح اتفاق افتد و راهکار براندازی حکومت که از سوی آمریکا و متحدانش دنبال می شود به کنار گذاشته شود.

اگر آمریکا مواضع خود را تغییر داده و به دنبال راه حل مسالمت آمیز در سوریه باشد در این صورت به ترکیه، عربستان و قطر فشار می آورد که از ورود سلاح جلوگیری کنند در نهایت می توان شاهد تاثیرگذاری سطح به سطح بود و در نهایت معارضین که در سوریه حضور دارند و طرفدار آمریکا هستند می پذیرند که باید راه حل مسالمت آمیز در سوریه در پیش گرفته شود بر همین اساس باید یک همگونی از بالا به پایین به وجود آید. ترکیه، عربستان و قطر تنها اجراکنندگان طرح های آمریکا هستند زیرا این کشورها در حالی که یک فتنه به فلسطین نمی دهند اکنون به ارزش بیش از ده میلیارد دلار اسلحه به سوریه می فرستند مهم این است که آمریکا تصمیم گیری کند اگر آمریکا بر راه حل سیاسی تاکید کند در این صورت شرایط جدیدی در سوریه بوجود می آید که فرصت اجرای راه حل های سیاسی بوجود می آید.

به عبارت دیگر اگر آمریکایی ها تصمیم بگیرند که تدارکات به تروریست ها قطع شود طبعاً کمک های قطر، عربستان و ترکیه نیز به آنها قطع خواهد شد و این مسئله می تواند به آرامش نسبی در سوریه برای انجام گفت و گو میان دولت و معارضین کمک کند. اما واقعیت این است که آمریکایی ها با حمایت از القاعده و تجهیز کردن آنها در سوریه به دنبال افزایش تلفات در این کشور هستند؛ چرا که هر اندازه که القاعده و ارتش سوریه از همدیگر تلفات بگیرند نهایتاً به نفع آمریکا خواهد بود و این وضعیت برای آمریکایی ها از هر دو وضعیت روی کار آمدن القاعده در سوریه و یا فائق آمدن دولت بشار اسد بر بحران کنونی و ایجاد ثبات در این کشور بهتر است.

## جریان‌شناسی انتخابات ریاست جمهوری

حسین عبداللہی فر

### اشاره:

حضور میلیونی ملت بصیر ایران در راهپیمایی ۲۲ بهمن خط بطلانی بر تحلیل‌های غلطی بود که این حضور را به علت فشارهای اقتصادی غرب غیرممکن تصور می‌کرد و مویدی بود بر پیش‌بینی رهبر فرزانه انقلاب اسلامی که چند روز قبل از آن با قاطعیت فرمودند دشمنان نظام اسلامی جواب مردم ایران را خواهند شنید.

بر همین اساس می‌توان از هم‌اکنون حماسه ملت بزرگ ایران را در خردادی دیگر به انتظار نشست و خطاب به همه مخالفان انقلاب اسلامی گفت توطئه‌های آنها برای انتخابات آینده نقش بر آب است. چنانچه مقام معظم رهبری پنج ماه پیش از انتخابات ۲۴ خرداد ۹۲ فرمودند: «بنده مطمئنم که ملت ایران بسیار بصیرتر و باهوش‌تر از این است که با یک چنین ترفندهای خصمانه‌ی دشمنان یا عوامل دشمنان فریب بخورد؛ نه، ان شاء الله انتخابات به اذن الله، به حول و قوه‌ی الهی، به فضل پروردگار، انتخابات خوب و پرشوری خواهد شد.»

این حماسه به برکت بصیرتی رخ خواهد داد که از لوازم آن آگاهی بر نقش و برنامه‌های هر یک از جریان‌ات سیاسی در انتخابات است. لذا در این نوشتار تلاش شده است تا تحت عنوان جریان‌شناسی انتخابات ۹۲ آخرین وضعیت حاکم بر هر یک از جریان‌های بازیگر در انتخابات شامل جریان اصلاحات، جریان حامیان هاشمی، جریان حامیان دولت، جریان اصولگرایی به اختصار مورد اشاره قرار گیرد:

## الف) اصلاح طلبان

وضعیت حاکم بر جریان اصلاحات را باید تحت تاثیر انتخابات مجلس نهم مورد ارزیابی قرار داد چرا که اصلاحاتیون در این انتخابات دریافتند پشت کردن و قهرشان با صندوق‌های رای وعدم حضورشان تاثیر بر مشارکت مردم در انتخابات نداشته و ادامه این روند به حذف آنها در افکار عمومی خواهد انجامید لذا خود را ناگزیر به ورود در عرصه رقابت می‌دانند.

مانع بزرگ اصلاح طلبان برای بازگشت، گذشته آنها در دوره حضور در قدرت و مهمتر از آن دوره پس از قدرت و کارنامه رقابت با اصولگراها در دوره دهم ریاست جمهوری است که به فتنه ۸۸ منجر شد. آنها بر سر دو راهی تقبیح عملکرد گذشته و دفاع از آن مانده‌اند. اگر تخطئه کنند دچار ریزش شدید می‌شوند و شاید به انشعاب بزرگی برسند و اگر تبرئه کنند از سوی نظام و مردم مورد استقبال قرار نخواهند گرفت.

از همین رو اصلاح طلبان افراطی به همراه اپوزیسیون داخل و خارج کشور به آندسته از اصلاح طلبانی که قصد دارند در انتخابات حضور فعال داشته باشند، فشار وارد می‌کنند تا از این اقدام اجتناب کنند. با این وجود می‌توان گفت اصلاح طلبان در انتخابات آتی حضور خواهند داشت تا به نوعی رقابت میان اسلام خواهان حداکثری و حداقلی ادامه یابد.

جریان اصلاحات؛ که با سه وضعیت روبرو هستند.

الف) ائتلاف حداکثری جهت دستیابی به یک نامزد رادیکال؛

ب) ائتلاف حداقلی به منظور معرفی یک نامزد معتدل؛

ج) مشارکت بدون معرفی نامزد و تاکید بر انتخابات شوراها.

راهبرد اصلاح طلبان برای هر یک از وضعیت‌های فوق عبارت است از:

۱- رادیکالیزه کردن وضعیت با طرح مطالبات افراطی از نظام؛

۲- بازگشت آرام به قدرت و مطالبه گری تدریجی از نظام؛

۳- بازگشت به قدرت از طریق کرسی شوراها و اسلامی شهر و روستا.

اصلاح طلبان برای رسیدن به این راهبرد خود تاکتیک هایی طراحی کرده اند که برخی از آنها از هم اکنون هویدا شده، عبارتند از:

- ۱- دامن زدن به بحث انتخابات و رقابت های سیاسی بشکل زود هنگام؛
- ۲- دامن زدن به موضوعات اختلافی میان قوا و پر رنگ کردن آنها؛
- ۳- تعمیم اشکالات وارده به دولت به همه اصولگرایان و حتی نظام؛
- ۴- معرفی تفکر اصولگرایی به عنوان عامل بروز نابسامانی های اقتصادی به جای تحریم ها؛
- ۵- بهره برداری حداکثری از نابسامانی های اقتصادی جهت ناکار آمد جلوه دادن نظام؛
- ۶- طرح بحث وحدت ملی جهت کاهش فضای امنیتی و بازگرداندن دوستان خطا کار خود به صحنه؛
- ۷- فشار به نظام و ایجاد فضای روانی علیه شورای نگهبان با طرح نام افراد افراطی؛
- ۸- اعلام پایان اصولگرایی به صرف ناکار آمدی بخشی از راه کارهای دولت در زمینه معیشت؛
- ۹- القاء اشتباه کردن نظام یا بخش هایی از نظام در حمایت از دولت احمدی نژاد؛
- ۱۰- القاء کذب بودن فتنه و وجود واقعیتی بنام تقلب؛
- ۱۱- تلاش برای احیای فضای دو قطبی مثل دوم خرداد ۷۶؛
- ۱۲- فشار روانی به نامزدهای معتدل جهت عدم ورودی که به نفع نظام باشد.

### رفتارهای انتخاباتی:

اگرچه قهر اصلاح طلبان با صندوق های رأی که در انتخابات مجلس نهم روی داد آنها را مجاب ساخته تا دیگر مرتکب چنین خطایی نشوند اما همچنان شاهد موضع گیری های متناقض و رفتارهای متضاد در این جبهه

هستیم که علت آنرا باید در گستردگی طیف‌های درون آن و فاصله بین دو سر هر طیف جستجو کرد. از این رو ضروری است طیف شناسی دقیقی از جریان اصلاحات صورت داده تا بتوان رفتارهای انتخاباتی آنها را تحلیل کرد:

### یک) طیف افراطیون و فتنه گران

افراطیون اصلاح طلب که سابقه فتنه‌گری آنها در سال ۸۸ روشن می‌باشد در انتخابات آینده به دو شاخه اصلی تقسیم می‌شوند؛ ۱- شاخه تحریمی‌ها که عمدتاً در خارج از کشور بسر می‌برند و معتقدند به هیچ وجه نباید مجدداً در عرصه رقابت‌های سیاسی نظام ورود پیدا کرد. این طیف بر این باور است که اولاً اصلاح طلبان با سابقه فتنه‌گری هرگز مورد اقبال مردم قرار نخواهند گرفت و ثانیاً اگر رأی بیاورند نمی‌توانند نظام را از درون براندازی کنند چنانچه در زمانی که هم قوه مجریه و هم مقننه را داشتند نتوانستند، لذا براندازی نظام فقط از بیرون ممکن است.

بر همین اساس تحریمی‌ها از فرصت طرح انتخابات آزاد جهت فشار به نظام اسلامی و کمک به نظام سلطه که موضوع استاندارد سازی انتخابات در ایران را مطرح می‌کند، بهره جسته و در این رابطه با سایر گروههای سلطنت طلب و مارکسیست تشکیل جلسه داده و هماهنگ شده‌اند.

۲- طرفداران مشارکت بدون هزینه؛ عده‌ای دیگر از فتنه گران بر این باورند که تحریم هیچ سودی برای آنها نداشته و بر مشارکت مردم هم اثر معکوس دارد لذا مشارکت در انتخابات در اشکال حضور فعال، نیمه فعال یا حداقلی را پیشنهاد کرده اما می‌گویند در این مسیر نباید هیچ گونه هزینه‌ای پرداخت کرد.

این نظر در مقابل نظر برخی از اصلاح طلبان مطرح می‌شود که می‌گویند برای بازگشت به قدرت باید فتنه ۸۸ را محکوم کنیم. اینها اما اصرار دارند که محکوم کردن گذشته یعنی پذیرش فتنه‌گری توسط اصلاح طلبان که گام بعدی آن توبه است و اگر توبه کنیم بخش زیادی از هواداران افراطی خود را از دست می‌دهیم چرا که در واقع می‌پذیریم که اشتباه کرده‌ایم در حالیکه

تاکنون گفته‌ایم که اشتباهی رخ نداده است و این تناقضات سبب ریزش اصلاح‌طلبان می‌شود.

از چهره‌های شاخص شاخه خارج از کشور می‌توان به عطاءالله مهاجرانی، محسن کدیور، اکبر گنجی و محسن سازگار و ... و در شاخه دوم به عبدالله نوری و سعید حجاریان اشاره کرد.

### دو) طیف میانه‌رو اصلاح طلب؛

این طیف نیز به دو شاخه قابل تقسیم می‌باشد:

۱- **شرکای فتنه؛** شامل کسانی که ضمن داشتن سابقه در فتنه ۸۸، حاضر به پذیرش خطای خود بوده و معتقدند ورودشان به قدرت منوط به روشن شدن چراغ سبزی در نظام است و برای آنکه نظام چراغ سبزی را نشان دهد لازم است شروط آن را در محکوم کردن فتنه ۸۸ بپذیرفت. لذا این دسته از طیف میانه رو که خاتمی در رأس آنها قرار دارد مایل به اعلام توبه خود می‌باشد اما علت عملی نشدن آن را باید به فشارهای اطرافیان وی جستجو کرد که می‌گویند اگر او چنین کاری کرد اما چراغ سبزی روشن نشد در واقع وارد بازی باخت - باخت شده و لذا توبه پیش شرطی دارد که آن چراغ سبز نظام است.

از این طیف اگرچه هنوز فرد خاصی به عنوان کاندیدای اصلی مطرح نشده اما فشارها برای نامزد شدن خاتمی ادامه داشته و او نیز از پذیرش چنین پیشنهادی واهمه دارد. نگرانی خاتمی اگرچه بیشتر به تردید در رأی آوری باز می‌گردد و او همچنان از اینکه اصلاح طلبان به باخت‌های خود ادامه دهند بیمناک است اما دغدغه دیگر وی به دوره پس از پیروزی باز می‌گردد که او را به یاد کابوس‌های وحشتناک دوره اصلاحات می‌اندازد. زمانی که خاتمی تحت فشار افراطیون تحکیم وحدت، مشارکت و سازمان مجاهدین قرار داشت و نمی‌دانست چه کار باید کرد. البته دو موضوع دیگر را نیز باید به نگرانی‌های خاتمی افزود که یکی مربوط به نحوه عبور از فیلتر شورای نگهبان است و دیگری بهره گرفتن گروه‌های رقیب به‌ویژه اصولگراها است که با ورود وی

مجدداً به یاد مسائل تلخ ضد دینی و ضد فرهنگی دوره خاتمی خواهند افتاد. امری که خود به خود موجب همگرایی هرچه بیشتر اصولگراها و به میدان آوردن هواداران آنها خواهد شد و این چیزی نیست که خاتمی با دست خود ایجاد کند.

**۲- ساکتین فتنه؛** ساکتین فتنه ۸۸ اگرچه دامنه وسیعی دارد اما در میان اصلاح طلبان به افرادی اطلاق می‌شود که سران اصلاحات سکوت آنها را در راستای همراهی با نظام تلقی کرده و در واقع آنها را از خود نمی‌دانند. از این‌رو ساکتین فتنه در جریان اصلاحات یک امتیاز مثبت قلمداد شده و این در حالیست که همین سکوت در جبهه اصولگرایی امتیازی منفی به حساب می‌آید.

از این دسته چهره شاخصی که پا به میدان رقابت‌های سیاسی گذاشته محمدرضا عارف می‌باشد. کسی که در ابتدا با انگیزه زیادی اعلام موجودیت کرد و به دفاع از هویت خویش به عنوان چهره‌ای اصلاح طلب و همسو با نظام اسلامی پرداخت اما فشارها روی وی تا حدودی موثر واقع شده و در حال حاضر خود را به نوعی همسو با سایر اصلاح طلبان می‌داند. این موضوع را اگرچه نباید به مفهوم نیامدن عارف ارزیابی کرد اما آنچه بر تصمیم وی تاثیرگذار می‌باشد ورود چهره‌های شاخص از این جریان خواهد بود، لذا آمدن عارف در کنار خاتمی بسیار بعید به نظر می‌رسد ضمن آنکه نباید از نظر دور داشت که به احتمال زیاد وی از نامزد اصلی اصلاحاتی‌ها که تاکنون علنی نشده، باخبر گردیده و عدم حضور خود را منوط به اعلام نامزدی چهره‌های شاخص تر از خود نموده است.

لذا عارف را می‌توان یکی از گزینه‌های کاندیداتوری انتخابات آینده به شمار آورد مشروط بر آنکه اصلاح طلبان موفق به آوردن چهره‌های پشت پرده خود نظیر؛ محقق داماد یا افرادی از این دست نشوند. کسانی که از نگاه اصلاح طلبان می‌توانند نقش خاتمی در سال ۷۶ را برای دوم خردادی‌ها بازی کند.

موضوع دیگری که بر بازی اصلاح طلبان سنگینی می‌کند رفتارهای

انتخاباتی سایر جریانها بویژه جریان حامیان دولت و حامیان هاشمی است که الزاماً باید مورد توجه اصلاحاتیون قرار گیرد. چرا که اگر هاشمی خود وارد میدان شود قطعاً بر تصمیمات نامزدهای اصلاح طلب تاثیر گذار بوده و آنها را ناگزیر به همراهی با وی خواهد نمود چنانچه ورود نامزد اصلی جریان حامیان دولت می‌تواند بر رفتار هر دوی این جریان (هم اصلاحات و هم هاشمی) اثرگذار بوده و احتمالاً به همسویی با خود یا لاقلاً بازی در چارچوب پازل آنها وادار سازد.

### ب) جریان حامیان هاشمی

این جریان با هدف «دستیابی به مدیریت سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشور» وارد میدان رقابت‌های سیاسی شده و راهبرد خود را استفاده از ظرفیت اصلاح طلبان و اصولگرایان با استفاده از گفتمان وحدت ملی قرار داده است.

تاکتیک‌های این جریان برای راهبرد فوق عبارتند از؛  
۱- معرفی مدیران ۱۶ سال گذشته به عنوان افراطیون اصلاحات و اصولگرا؛

۲- معرفی خود عنوان جریانی معتدل و اعتدال‌گرا؛

۳- بحران نمایی و سیاه نمایی در اوضاع سیاسی و اقتصادی کشور؛

۴- معرفی خود به عنوان ناجی و نجات بخش؛

۵- دوقطبی سازی بر سر عباراتی چون وحدت ملی، انتخابات آزاد.

**رفتارهای انتخاباتی؛** رفتار انتخاباتی این جریان به دلیل فقدان طیف بندی تقریباً همسو و هماهنگ مشاهده شده و تناقضات موجود نیز احتمالاً با برنامه ریزی دنبال می‌گردد. لذا آنچه تحت عناوین آمدن و نیامدن شخص آقای هاشمی مطرح می‌باشد که هر از گاهی مطرح و سپس فروکش می‌کند را باید کاملاً حساب شده و منطبق بر فرمول‌هایی تحلیل کرد که کشف این فرمول‌ها ساده به نظر نمی‌رسد.

از زمانی که روزنامه آرمان با تمام توان جهت طرح هاشمی به عنوان نامزد

انتخاباتی پا به میدان گذاشت تا زمانی که هاشمی در دیدار با تحریریه این روزنامه به رغم همه تکذیب‌ها، سیاست تنها را درست ارزیابی کرد فاصله زیادی نبود اما همین تأیید سبب شد تا هر از گاهی مجدداً یک جریان یا گروهی به این بحث دامن بزنند. آخرین مورد این بازی را جماعتی تحت عنوان دیدار اعضای رسانه با هاشمی رقم زدند که وی با بیان اینکه اگر بدانم کسی نیست که کشور را اداره کند قطعاً می‌آیم، همه گمانه زنی در خصوص ورود وی را به هم زد.

همه کسانی که پس از دیدار علی مطهری با هاشمی تقریباً به شکل قطعی از عدم حضور وی سخن می‌گفتند ناگهان با سوال جدیدی مواجه شدند و آن اینکه چرا هاشمی در آن دیدار به استناد وضعیت روحی و جسمی خود از نیامدن سخن گفته و در این دیدار به استناد اینکه خود را در خدمت کشور می‌داند از آمدن سخن می‌گوید.

سوالی که پاسخ آن را باید در مخاطبان جلسه جستجو کرد. چرا که هاشمی هر دو جلسه یکی بوده اما آنجا یک نفر سیاسی آن هم با قصد مشورت جهت طرح نامزدی خود پرسش‌گر بود نه که هاشمی برای تشویق وی به آمدن از نیامدن خود سخت رانده است اما اینجا اصحاب رسانه هستند که نماینده افکار عمومی بوده و می‌توانند بستر ساز این ورود باشند. لذا شاید بهترین پاسخ سوال فوق این باشد که هاشمی به دنبال فرصت است. اگر شرایط برای وی مهیا باشد او می‌آید. اما تردیدهای هاشمی برای آمدن بیش از انگیزه‌های وی برای آمدن می‌باشد که مهمترین آنها به همین مهیا بودن شرایط باز می‌گردد، چرا که هاشمی کمتر از هر کس دیگر در این کشور توان تحمل یک شکست دیگر را دارد و او هرگز نمی‌خواهد این ماجرا تکرار شود.

لذا یک سوال اساسی این است که چرا هاشمی با وقوف بر اینکه عده‌ای برای آمدنش دعا می‌کنند تا دو قطبی‌های گذشته را احیاء کنند، دم از آمدن می‌زند؟ پاسخ این سوال را باید در تلاش وی و حامیانش برای مدیریت هم‌زمان هر دو جریان اصلاح طلب و اصولگرا یافت. مقصود اصلی هاشمی

رساندن همه بازیگران انتخابات به لحاظ کردن او هستند اگر همه جریان‌ات و گروه‌ها بدانند که برای آوردن نامزد اصلی خود باید با وی مشورت کنند و در نهایت او نیز نظر خویش را ارائه نماید تا رئیس جمهور آینده از هر جناح که باشد، ملاحظات او و اطرافیانش را داشته باشد، هاشمی نیازی به طرح خود نخواهد داشت اما در شرایطی که چنین اتفاقی نمی‌افتد هاشمی به خود حق می‌دهد برای نقش آفرینی از هیچ تلاشی فروگذار نکند. لذا اگر بتوان همچنان با قاطعیت از عدم ورود هاشمی سخن گفت، نمی‌توان از تلاش او جهت بازکردن فضا برای افراد مورد نظرش چشم‌پوشی کرد.

در میان افراد مورد نظر هاشمی می‌توان به نجفی و جهانگیری و پیش از آن دو «ناطق نوری و حسن روحانی» اشاره شده که از نظر تحلیل‌گران سیاسی هر دو نفر اول بنا به دلایلی در ردیف‌های بعدی قرار گرفته و اصرارهای وی برای آوردن ناطق نوری هم موثر واقع نشده است. لذا در حال حاضر قوی‌ترین گزینه هاشمی را فردی روحانی به نام روحانی شکل داده که از نظر آن دو شرایط حداقلی جهت ورود به عرصه رقابت‌های آتی را دارند.

برخی از شرایط مدنظر آنها عبارتند از: ۱- توانایی عبور از فیلتر شورای نگهبان؛ ۲- برخورداری از چهره‌ای فراجناحی و عدم وابستگی به اصولگراها و اصلاح‌طلبان؛ ۳- توانایی جذب آراء چهره‌های معتدل هر دو جناح؛ ۴- برخورداری از چهره‌ای شناخته شده در سطح بین‌المللی؛ ۵- داشتن سابقه‌ی میانه‌روی در سیاست خارجی.

با این وجود هیچ گزینه‌ای را نمی‌توان در این جریان قطعی دانست. چنانچه نه می‌توان روی نیامدن آقای هاشمی حساب کرد و نه روی آمدن روحانی. چرا که هاشمی هم به گزینه نهایی اصلاحات توجه دارد که اگر فردی با قابلیت‌های تکرار دوم خرداد ۷۶ پا به میدان بگذارد از حمایت او سرباز نخواهد زد و هم نیم‌نگاهی به تلاش‌های یک جریان جهت کشاندن انتخابات به دور دوم دارد که نمی‌توان بدون توجه به نتیجه نهایی انتخابات برنامه ریزی کرد. از این رو برخی از تحلیل‌گران، سخنان اخیر هاشمی در خصوص آمدنش را بی‌ارتباط با برنامه‌های انتخاباتی جریان حامیان دولت

نمی‌دانند.

موضوع مهم دیگر در این جریان تلاش برای «دوقطبی‌سازی» است. گفتمان این جریان برای دوقطبی سازی به مواردی چون «وحدت ملی و انتخابات آزاد» منحصر می‌شود که از نگاه طراحان آن با این شعار هم می‌توان اقبال برخی اصولگراها را جلب کرد و هم اصلاح طلبان که برای خروج از وضعیت فعلی به این گفتمان به عنوان یک راه خروج می‌نگرند. لذا وحدت ملی با هدف مدیریت هم‌زمان اصلاح طلبان و اصولگرایان دنبال می‌گردد.

### ج) جریان حامیان دولت

راهبرد این جریان را می‌توان ادامه حضور در قوه مجریه با استفاده از همه فرصت‌ها با هدف بقاء در قدرت به هر قیمت ذکر کرد. مهمترین تاکتیک‌های این جریان عبارتند از:

- ۱- فرافکنی مشکلات و مسایل موجود به دیگر گروه‌ها؛
- ۲- ناکارآمد جلوه دادن اصولگرایان؛
- ۳- اختلاف افکنی در قوای سه گانه و سایر رقبا؛
- ۴- تلاش برای تطهیر چهره خود از انحراف؛
- ۵- ایجاد فضای دوقطبی با اولویت احیای دوقطبی هاشمی و منتسب کردن همه رقبا به آن.

**رفتارهای انتخاباتی:** ورود دولت به عرصه رقابت‌های انتخاباتی اگرچه ممنوعیت قانونی دارد اما آنچه کاملاً مشهود است رفتارهای انتخاباتی دولت می‌باشد که تحت عنوان جریان حامیان دولت یا باند انحراف می‌توان مورد بررسی قرار داد.

از جمله بارزترین این رفتارها می‌توان به حکم انتساب مشایی به عنوان دبیر جنبش عدم تعهد و میتینگ‌های انتخاباتی دولتی‌ها در مراسماتی چون بازگشت رئیس جمهور از مصر و انتخاب شعار انتخاباتی «زنده باد بهار» اشاره کرد.

گزینه اول این جریان با شعار «خدمت‌تر از رجایی، مظلوم‌تر از بهشتی» به

مشایی تعلق دارد که بر خلاف ابهاماتی که بر سر تایید صلاحیت وی وجود دارد اما دولتی‌ها معتقدند اهرم‌های لازم جهت عبور دادن وی از شورای نگهبان را در اختیار داشته و باور عمیق دارند که مشایی در صورت ورود به عرصه رقابت‌ها، از فرصت تبلیغاتی خود در سخنرانی‌ها و مناظره از ادبیاتی بهره خواهد گرفت که همه مخالفان خود را به تعجب وادارد. لذا از نظر این جریان مشایی را باید از هم اکنون رئیس جمهور آینده دانست و هیچ کس حق ندارد عمر دولت فعلی را با پایان دولت دهم، خاتمه یافته تلقی کند.

گزینه‌های بعدی دولت را چهره‌هایی مثل الهام، نیکزاد، صالحی و ... می‌دانند که هر کدام دارای نقاط قوت و ضعفی از نظر هواداران هستند اما آنچه از شواهد و قرائن بر می‌آید این جریان حساب ویژه‌ای برای امثال الهام باز نموده که ضمن برخورداری از امتیاز اخذ تایید صلاحیت در شورای نگهبان، همچنین می‌تواند بخشی از اصولگرایان به‌ویژه طیف جبهه پایداری را با خود همراه سازد. لذا بسیاری از کارشناسان تکذیب الهام از کاندیداتوری را قطعی ندانسته و بر این باورند که از نظر دولت هر فردی که از سوی این جریان به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری معرفی گردد، حداقل رأی جهت رفتن به دور دوم را به دلیل پایگاه اجتماعی دولت در شهرهای کوچک و روستاها داشته و در دور دوم نیز اصلاح طلبان؛ در صورت ورود یک اصولگرا و اصولگرایان در صورت ورود یک اصلاح طلب به کمک نامزد دولت خواهند آمد و در نتیجه برنده نهایی نامزد دولت خواهد بود.

#### د) اردوگاه اصولگرایان

اصولگرایان هدف انتخاباتی خود را «استمرار تفکر اصولگرایی در عرصه مدیریتی کشور» تعریف کرده و راهبرد رسیدن به آن را «افزایش وزن اجتماعی با همگرایی و وحدت» می‌دانند.

تاکتیک‌های این جریان در موارد زیر خلاصه می‌شود:

۱- تلاش برای همگرایی و ائتلاف؛

۲- تسلط بر فضای رسانه‌ای؛

۳- خنثی سازی تحرکات گروه‌های رقیب؛

۴- مدیریت اختلافات درونی؛

۵- عبور از چالش‌های فعلی.

### رفتارهای انتخاباتی: رفتار انتخاباتی اصولگراها از نگاه جریان شناسی

بشدت تحت تاثیر انتخابات مجلس نهم قرار دارد. بروز جبهه پایداری با توجه به وضعیت امروز آن که به دو طیف راست و چپ تقسیم شده بر سر دو راهی استقلال و حمایت از دولت بسر می‌برد، عدم موفقیت فراکسیون اصولگرایان در کسب کرسی ریاست مجلس، ناتوانی جمعیت ایشارگران در کسب کرسیهای خود در مجلس، اصرار جبهه ایستادگی بر ورود مستقل، تشدید اختلافات بر سر کاندیداتوری لاریجانی و متکی و .. و اخیراً هم اختلافاتی که در جبهه پیروان خط امام و رهبری ایجاد شده با این نگاه حضور متکثر اصولگرایان اجتناب ناپذیر به نظر می‌رسد.

از همین رو، اصولگرایان از لحاظ تعدد کاندیدا و طیف‌های داخلی نسبت به سایر جریانها از گستردگی بیشتری برخوردار می‌باشند که بخشی از آن به حجم بالای نیروهای درون این جبهه مربوط بوده و بخش دیگر آن به خاصیت جریان‌های حاکم باز می‌گردد. لذا اصولگرایان را باید بزرگترین و مهمترین جریان تاثیرگذار بر انتخابات دانست که شناخت رفتار انتخاباتی آن نیازمند طیف بندی دقیق و صحیح آن است.

یک طیف بندی از آخرین وضعیت اصولگراها بر سر حرکت ائتلافی سه گانه عبارت است از:

### ۱- طیف وحدت گرا یا ائتلاف سه گانه؛ این طیف در حال حاضر

مطرح‌ترین طیف اصولگرایی می‌باشد که با محوریت بزرگانی چون آیت الله مهدوی کنی اقدام به حرکت سنجیده و معقولی در راستای همگرایی و وحدت نموده است. ائتلاف ۱+۲ اگر چه توسط خود نامزدها و نه در قالب توافقات حزبی شکل گرفته اما در نوع خود یکی از مهمترین و موثرترین اقدام انتخاباتی به حساب آمده که تقریباً همه طیف‌ها و جریانات سیاسی را تحت تاثیر خود قرار داده است. از همین رو، می‌توان با قاطعیت بیتشری از نامزد

نهایی این طیف به عنوان یکی از گزینه‌های احتمالی ریاست جمهوری یاد کرد. چه آنکه حدادعادل یا ولایتی یا قالیباف باشد. از محاسن این اقدام می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- گذشت دو نفر به نفع یک نفر در راستای یک هدف مشخص فی نفسه ارزش تلقی می‌شود.

۲- هر حرکت و اقدام وحدت‌گرایانه مطابق شرع و عقل، مورد اقبال عمومی واقع می‌شود.

۳- وجود یک فرمول و مکانیزم مشخص جهت رسیدن به یک نامزد واحد، امکان دفاع از فرد نهایی را برای هواداران ساده‌تر و معقولانه‌تر می‌سازد.

۴- در صورتی که اصولگرایان با این فرمول به گزینه نهایی برسند احتمال استفاده از ظرفیت درون اردوگاه بیش از پیش متصور بوده و متقابلاً سایرین نیز خود را موظف به حمایت و همراهی از نامزد نهایی می‌دانند.

۵- از دیگر محاسن این روش، دستیابی به نامزدی با تیم مشخص می‌باشد که سبب خروج از وضعیت فرد محور به تیم محور و بدنبال آن برنامه محوری می‌گردد.

**۲- طیف مخالفان وحدت؛ مخالفان ائتلاف ۱+۲ شامل گروه‌هایی چون؛** جبهه پایداری، جبهه ایستادگی می‌باشد که هر کدام بدلیل داشتن نامزد جداگانه به حمایت از ائتلاف نپرداخته‌اند.

لازم به ذکر است که جبهه پایداری خود دارای چند نامزد احتمالی بوده در حالیکه در جبهه ایستادگی وفاق اکثریت بر محسن رضایی است. در خصوص جبهه پایداری چهار نامزد مطرح شده که یکی از آنها مربوط به شاخه تهران (غلامحسین الهام) و سه نفر دیگر شامل آقایان مرتضی آقاهیرانی، باقری لنگرانی و سعید جلیلی می‌گردد. اگرچه در مورد هر یک از چهره‌های فوق تردیدهایی برای آمدن مطرح شده اما رویکرد این جبهه طرح گزینه‌ای احتمالاً جدید است.

مخالف دیگر جبهه ایستادگی است که بنا به تشخیص خود زمان اصولگرایی و اصلاح‌طلبی را پایان یافته تلقی کرد و نامزد خود (محسن

رضایی) را شایسته‌ترین فرد برای ریاست جمهوری آینده کشور معرفی می‌کند.

**۳- طیف منتقدان وحدت؛** این طیف شامل رهیویان، رهروان، جبهه پیروان و ... می‌باشد که معتقدند چتر ائتلاف باید گسترده‌تر از سه نفر مطرح گردد که قاعدتاً منع عقلانی نداشته و ندارد لکن باید توجه داشت که این ائتلاف نامزد محور و نه حزب محور بوده و افراد بعدی لاجرم باید خود را با سه گانه موجود همراه ساخته که البته بایستی از وزن لازم نیز برخوردار باشد. لذا در حال حاضر نسبت به آن انتقاد داشته اما به نظر می‌رسد در نهایت به حمایت از آن پردازند.

## بازخوانی فتنه‌های سیاسی دهه اخیر

بهزاد کاظمی

خطر فتنه و نفاق در جریان های فکری اصیل و انقلابی، امری است که پیشینه‌ای به قدمت تاریخ بشر دارد. وقتی دشمنان چنین انقلابی از مواجهه مستقیم و رو در رو نتیجه‌ای نمی‌گیرند به فکر می‌افتند که در پناه چهره‌های سست عنصر و منافق به هسته انقلاب نفوذ کنند و انقلاب را از درون تهی سازند.

دشمنان انقلاب اسلامی نیز از روزهای اوج‌گیری قیام مردم و به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران از هیچ تلاشی برای مقابله با ملت ایران چه در بعد داخلی و چه در بعد خارجی فروگذار نکردند. اما نظام جمهوری اسلامی ایران با اتکا به خدواند متعال و راهبری نیروی عظیم مردمی به دست ولی فقیه (چه در زمان امام خمینی و چه در زمان امام خامنه‌ای)، این گردنه‌ها را یک به یک به سلامت طی کرده و توانسته در دهه چهارم عمر خود صادر کننده تفکر اسلام ناب محمدی<sup>(ص)</sup> و الگوی تمام عیار بیداری اسلامی باشد. بازخوانی فتنه‌های سیاسی برضد انقلاب اسلامی در دهه ۱۳۸۰ ه.ش. محور این نوشتار است که به صورت مختصر به برخی از آنها می‌پردازیم.

### چرایی فتنه در برابر انقلاب اسلامی؟

انقلاب اسلامی ایران به لحاظ ماهیت اسلامی، استکبارستیزی و عدالت طلبی خود همواره در معرض توطئه‌ها و فتنه‌هایی قرار داشته و دارد زیرا پیروزی انقلاب اسلامی و به تبع آن تأسیس نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران مساوی بود با از بین رفتن مطامع و منافع رنگارنگ بیگانگان، بویژه آمریکا در ایران و منطقه مهم و راهبردی غرب آسیا که آمریکایی‌ها نقش ژاندارمی و حفاظت از منافع منطقه‌ای خودشان را به ایران سپرده بودند.

همین امر انگیزه کافی را در اختیار غرب می گذاشت که اقداماتی را به منظور ایجاد فتنه ها، توطئه ها و طراحی های براندازانه برای ساقط کردن نظام نوپای جمهوری اسلامی صورت دهد. از حمله مستقیم نظامی و طراحی کودتاهای مختلف گرفته تا تجزیه طلبی های نقاط مختلف ایران، از تحریک صدام معدوم برای هجوم وحشیانه و همه جانبه به سرزمین ایران تا تجهیز و تحریک ضد انقلابیون و منافقین به ترور و آشوب های خیابانی و تداوم این فتنه گری ها در فازهای دیگری چون تحریم های اقتصادی و صنعتی تا گشودن جبهه تهاجم فرهنگی و جنگ نرم و فتنه ۸۸، نمونه هایی از اقدامات دشمنان برای به زیر کشیدن انقلاب و نظام بوده است.

### اهداف فتنه گری ها

هدف تمام این فتنه ها و توطئه ها علیه انقلاب اسلامی ایران در نهایت یکی است و آن «تغییر ساختار و براندازی نظام جمهوری اسلامی» که به عنوان هدف غایی و حداکثری، مورد نظر استکبار می باشد؛ و در صورت ناتوانی، پیگیری هدف حداقلی، یعنی «تغییر رفتار نظام اسلامی ایران» به گونه ای که منافع و به ویژه ابهت ابرقدرتی آمریکا را زیر سؤال نبرد در دستور کار آنها قرار دارد.

### طراحان اصلی فتنه ها

در همه فتنه ها و توطئه ها علیه جمهوری اسلامی ایران دو لایه برای طراحی و اجرا وجود دارد؛ غالباً برنامه ریزی، طراحی و اتاق فکر دشمنی با نظام، با فتنه گران خارجی و در رأس آنها آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی بوده که در برخی موارد چون برنامه هسته ای ایران توانسته اند با تطمیع ها و تهدیدها، دیگر کشورهای غربی و اروپایی و کشورهای ضعیف جهان را با خود همراه کنند.

### لایه اجرایی فتنه‌ها

این عناصر معمولاً از افراد و گروه‌های واداده داخلی انتخاب می‌شوند. آنها عموماً چند ویژگی مهم دارند:

اولاً دارای سابقه انقلابی و مبارزاتی هستند و توانایی جلب نظر و توجه مردم را به همین دلیل دارند، ثانیاً با وجود تظاهر به انقلابی‌گری، به لحاظ شخصیتی، افرادی واداده و دلباخته غرب و فرهنگ غربی هستند و کعبه آمال خود را در ناکجا آبادهای بشری و غربی جستجو می‌کنند، ثالثاً اشخاصی سست ایمان و بی اعتقاد به حکومت اسلامی هستند و به راحتی در بزنگاه‌ها مسیر خود را به سمت غرب کج می‌کنند.

### مهار فتنه‌ها

آنچه بیش از هر عامل دیگر در مهار توطئه‌ها و خنثی سازی فتنه‌ها و شناخت ابعاد و زوایای پنهان فتنه مشاهده می‌شود؛ مدیریت ولایی و رهبری الهی امام خمینی<sup>(ره)</sup> و امام خامنه‌ای است.

شناخت تغییر جهت فکری برخی افراطی‌های دوم خرداد و معرفی آنها به جامعه و صبر و مقاومت در برابر زیاده خواهی و ظلم‌های آنها تا مرز تنویر چهره آنها برای افکار عمومی در فتنه عمیق ۸۸ جز از رهبری حکیم و بصیر چون امام خامنه‌ای ساخته نبود.

از همین روی است که فتنه گران همواره نوک تیز پیکان حملات خود را به سمت جایگاه ولایت فقیه و شخص رهبری نظام گرفته‌اند و تلاش می‌کنند با تخریب این جایگاه مقابل تشخیص درست و عملکرد صحیح آن بایستند.

### بررسی اجمالی فتنه‌های سیاسی در دهه هشتاد

#### پرونده متهمان نظرسنجی

ارتباط مخفیانه و غیرمجاز با مؤسسات و عوامل بیگانه جمع آوری و فروش اطلاعات، ارتباط غیرمجاز با عناصر بیگانه، ارتباط و همکاری مخفیانه

با بنیاد «زاگی» و مؤسسه اطلاعاتی «گالوپ» که این مؤسسه آمریکایی پوششی برای سرویس اطلاعاتی آمریکا - سیا - می باشد، از جمله اتهامات متهمان نظرسنجی بود .

دوازدهم آذرماه ۱۳۸۱، حسینعلی قاضیان - مدیرعامل مؤسسه آینده - متهم ردیف اول پرونده، عباس عبدی عضو هیأت مدیره مؤسسه آینده و علیرضا علوی تبار (متهمان ردیف دوم و سوم) به اتهام ارسال و فروش اطلاعات محاکمه شدند.

اسناد فراوانی درخصوص اقدامات خلاف قانون این مؤسسه کشف و به دنبال آن گرانپایه دستگیر شد. درباررسی از منزل قاضیان در ۸/۸/۸۱ انجام شد و به دنبال کشف سندی دال بر همکاری عباس عبدی عضو هیأت مدیره مؤسسه آینده، از چگونگی ارسال اطلاعات به یکی از مؤسسات منطقه آمریکا و مدارکی دیگر از مؤسسه آینده به دست آمد.

عبدی (که خود از دانشجویان تسخیرکننده لانه جاسوسی بود) سال ۱۳۷۸ به دعوت سازمان آموزشی و تربیتی سازمان ملل (یونسکو) به پاریس رفت و در جریان سفر خود با «باری روزن» آخرین وابسته فرهنگی سفارت آمریکا در تهران که از گروگان های لانه جاسوسی بود، دیدار کرد. روزنامه لوموند در این باره نوشت:

«آشتی گروگان و گروگانگیر؛ باید اصلاحات سیاسی ایران را باور کرد»  
عبدی خواستار مذاکره با آمریکا شده بود. نتایج سه نظر سنجی توسط این موسسه و دو موسسه دیگر (پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی و موسسه ملی سنجش افکار عمومی) در مطبوعات منتشر گشت که حاکی از موافقت ۷۵٪ مردم ایران با مذاکره میان ایران و آمریکا بود. مقام معظم رهبری مذاکره با آمریکا را خیانت نامیده و پس از انتشار نظرسنجی ها آن را ساخته دشمن نامید.

این موسسه متهم به تبلیغ علیه نظام از طریق نظرسنجی جعلی و

جاسوسی برای آمریکا و کشورهای غربی شد. بهروز گرانیپایه، علیرضا علوی تبار و حسینعلی قاضیان دیگر مدیران این موسسه نیز در کنار عباس عبدی بازداشت و محاکمه شدند.

تنش آفرینی مجلس ششم (۷ خرداد ۱۳۷۹ - ۷ خرداد ۱۳۸۳)

### تلاش برای اصلاح مجدد قانون مطبوعات

ضعف قانون مصوبه سال ۶۴ منجر به سوءاستفاده برخی روزنامه نگاران وابسته و جریحه دار شدن مقدسات مردم در نظام اسلامی، همچنین لکه دار شدن ارکان نظام اسلامی، هتاک‌های منافقین و مطرودین ملت به ارزش‌های اسلامی و هجوم شدید سازمان‌دهی شده از سوی بیگانگان به اندیشه‌های اصیل اسلامی ملت شده بود.

مجلس پنجم در اواخر فعالیت خود با توجه به سوء استفاده مطبوعات زنجیره‌ای از آزادی بیان قانون مطبوعات را اصلاح کرد تا قوه قضائیه بتواند برخورد مناسبی با سوء استفاده آنها که نگرانی مقام معظم رهبری و مردم مؤمن را نیز در پی داشت، انجام دهد.

در چنین شرایطی مجلس ششم اصلاح قانون مطبوعات و بازگرداندن آن به وضعیت قبل را به عنوان یکی از اولین اقدامات در دستور کار خود قرار داد. این طرح که (در مرداد ۷۹) از سوی افراطیون مجلس ششم برای جلوگیری از برخورد قضایی با مطبوعات زنجیره‌ای تهیه شده بود تا مطبوعات تندرو مانع خاصی برای شبهه افکنی و تضعیف باورها و ارزش‌های اسلامی نداشته باشند با حکم حکومتی رهبر معظم انقلاب از دستور کار مجلس خارج شد.

مقام معظم رهبری، طی نامه‌ای خطاب به نمایندگان مجلس، باقی ماندن قانون قبلی و ملغی شدن مصوبه مجلس پنجم که جلوی مواردی از این دست را می‌گرفت، به مصلحت ندانستند. هیئت رئیسه مجلس نیز، رسیدگی به این طرح را از دستور خود خارج کرد.

## اختلاف در مورد حقوقدانان شورای نگهبان

بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی، تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام و قانون اساسی، بر عهده شورای نگهبان است. اعضای این شورا دوازده نفر هستند که شش نفر از آنها باید از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز بوده و از طرف رهبری انتخاب شوند و شش نفر دیگر باید حقوقدان در رشته های مختلف حقوقی باشند که از میان افراد معرفی شده توسط رئیس قوه قضائیه به مجلس، با رأی نمایندگان انتخاب شوند.

همچنین مطابق اصل ۱۲۰ قانون اساسی، رئیس جمهور باید پس از انتخاب مردم و تنفیذ رهبری، در مجلس شورای اسلامی در جلسه ای که با حضور رئیس قوه قضائیه و اعضای شورای نگهبان تشکیل می شود، سوگند یاد کرده و سوگندنامه را امضاء کند.

در سال ۱۳۸۰ ه.ش. در آستانه تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای خاتمی و سوگند وی در مجلس شورای اسلامی، مدت عضویت سه نفر از حقوقدانان شورای نگهبان به پایان رسید. رئیس قوه قضائیه، شش نفر از حقوقدانان را به مجلس معرفی کرد تا نمایندگان مجلس از میان آنها سه نفر را انتخاب کنند. اما نمایندگان جبهه دوم خرداد در یک اقدام غیر معمول و غیر عرفی که تا آن روز در عملکرد مجلس سابقه نداشت، تنها به یک نفر از آنها رأی دادند و از رئیس قوه قضائیه خواستند که حقوقدانان جدیدی را معرفی کند.

آیت الله هاشمی شاهرودی نیز به رغم وجود صراحت و تأکید قانون بر این خواست نمایندگان و برای حفظ وحدت و انسجام تفاهم و حل مشکل و جلوگیری از ایجاد وقفه در روند تصویب و تأیید قوانین و سوگند ریاست جمهوری، افراد جدیدی را معرفی کرد که با کارشکنی اکثریت نمایندگان طرفدار جناح دوم خرداد، نتوانستند

رأی لازم را کسب کنند. بدین شکل، نظام و کشور دچار مشکل و بحران جدیدی در این زمینه شد.

سرانجام این بحران نیز با تدبیر و درایت مقام معظم رهبری حل شد. بدینسان که ایشان طی نامه‌ای از مجمع تشخیص مصلحت نظام خواستند که راه حلی برای مشکل پیداکنند. مجمع پس از برگزاری جلسه‌ای طولانی و بررسی کارشناسانه موضوع، بدین نتیجه رسید که اگر حقوقدانان معرفی شده در مرحله اول نتوانند اکثریت مطلق آرای نمایندگان را به دست آورند، دوباره در مورد همان افراد رأی‌گیری به عمل آید و کسانی که اکثریت نسبی آرا را کسب کنند انتخاب می‌شوند. این راه حل مورد تأیید رهبری نیز قرار گرفت و با اجرای آن، بحران حل و فصل شد.

### سوء استفاده از مصونیت نمایندگان

بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نمایندگان مجلس شورای اسلامی در ایفای وظایف نمایندگی، در اظهارنظر و رأی خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آرایی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند، تعقیب یا توقیف کرد.

بنابر این، نمایندگان در اظهار نظر و رأی خود در مجلس آزادند، نه این که به آنها اجازه داده شده به دیگران اعم از مسؤولان و مردم عادی اهانت، هتک حرمت و توهین کنند.

سه نماینده مجلس ششم (آقایان حسین لقمانیان و محمد دادفر و خانم فاطمه حقیقت‌جو) در اظهاراتی وهن‌آلود، جمعی از مسئولین رسمی کشور را مورد اهانت و هتاک قرار داده بودند. خبر دستگیری حسین لقمانیان، مجلس را در روز پنجم دی ماه ۱۳۸۰ به تشنج کشاند. چندروز بعد فاطمه حقیقت‌جو و محمد دادفر نیز بازداشت شدند. به موجب احکام قطعی صادره، فاطمه

حقیقت جو نماینده مردم تهران به هفده ماه حبس تعزیری، محمد دادفر به هفت ماه حبس تعزیری و حسین لقمانیان نماینده مردم همدان نیز جمعاً به ۱۰ ماه حبس تعزیری محکوم شدند .

محکومیت این نمایندگان بهانه‌ای برای ایجاد آشوبی گسترده در بدنه نظام سیاسی و اجتماعی کشور از سوی افراطیون شد. نمایندگان فراکسیون اکثریت مجلس ششم، پس از قطعی شدن حکم محمد دادفر (در بیستم آذر ۱۳۸۰)، با تجمع و تشکیل جلسات ویژه در مجلس تمام تلاش خود را برای رادیکالیزه کردن اعتراضات خود به کار گرفتند. واکنش اصلاح طلبان در مواجهه با اقدام قوه قضائیه به حدی افراطی و تند خویانه بود که حتی برخی از افراد همگرا را نیز به واکنش واداشت .

قدرت الله علیخانی، نماینده مردم بوئین زهرا و آوج که خود از اعضای فراکسیون جبهه دوم خرداد بود، با انتقاد از رفتار افراطی اصلاح طلبان تصریح کرد: «مطابق اسنادی که در اختیار دارم، جناح افراطی مدعی مشارکت، به بهانه هایی مثل محکومیت یک نماینده مجلس درصدد ایجاد بحران در مدیریت عالی کشور است» (روزنامه کیهان، ۲۰ آذر ۱۳۸۰)

بکار بستن شیوه‌های غیر معقول، نظیر به تعطیلی کشاندن مجلس، تهدید به استعفا و تحصن از دیگر اقدامات این گروه، برای مرعوب ساختن دستگاه قضایی کشور بود. هیئت رئیسه مجلس نیز با مقاومت در برابر احکام صادره از سوی دادگاه بر دامنه این اعتراضات می افزود.

به دنبال صدور این احکام، نمایندگان طرفدار جناح دوم خرداد بر خلاف شعار قانون‌گرایی، شروع به جو سازی و حمله به قوه قضائیه کردند. پس از آن آقای خاتمی طی نامه‌ای به رئیس قوه قضائیه درباره مصونیت سیاسی نمایندگان مجلس و عدم لزوم تعقیب قضایی آنها تذکر رعایت قانون اساسی داد که با انتشار این نامه، دوباره جو سیاسی جامعه دچار بحران شد. آیت الله هاشمی شاهرودی، در جواب نامه آقای خاتمی تأکید کرد

که معانی اجرای قانون اساسی و نظارت بر اجرای قانون اساسی که اولی از وظایف رئیس جمهور و دومی از وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه است، فرق دارد. ضمن این که متذکر شد قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات ریاست جمهوری که در سال ۱۳۶۵ ه.ش. تصویب شده است، به دلیل اصلاح اصل ۱۱۳ قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ ه.ش. قابل استناد نمی باشد.

اختلافات و نامه نگاری ها بین سه قوه ادامه پیدا کرد و نزدیک بود کشور دچار بحران جدید شود که سرانجام رئیس قوه قضائیه برای جلوگیری از سوء استفاده بیگانگان و دشمنان انقلاب، از رهبر معظم انقلاب تقاضا کرد که نماینده زندانی همدان (لقمانیان) مورد عفو قرار گیرد. ایشان نیز ضمن موافقت با این پیشنهاد، هم حمایت خود را از قانونمندی نشان دادند و هم مشکل جدید را حل نمودند.

### وادادگی در بحث هسته‌ای

طرح مطالب ضد امنیتی و اتهام های ناروا به ارکان نظام، تعلیق فعالیت های هسته ای و پذیرش پروتکل الحاقی و هم نوایی با دشمنان در مسائل امنیتی و نظام، از اقدامات سؤال برانگیز مجلس ششم بود که مورد انتقاد روزنامه های دوم خردادی نیز قرار گرفت.

احمد شیرزاد، نماینده مجلس ششم در جریان نطقی گفت: ۱۹ سال به دنیا درباره فن آوری هسته ای دروغ گفته ایم و اکنون دم خروس بیرون افتاده است!

آقای شیرزاد بعدها پس از ترور شهید علی محمدی، ترور این دانشمند هسته ای را قتل سیاسی خواند و ضمن ابراز تردید در نقش آمریکا و اسرائیل در این ترور مدعی شد سخن گفتن از دخالت سیا و موساد در این ترور صرفاً مربوط به تبلیغات رسمی نظام است .

## مصوبه پیوستن به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان

پیوستن به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان به عنوان اقدامی خطرناک و انحرافی، کارنامه مجلس ششم را سیاه تر کرد. در اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۱، زمانی که تلاش موافقان برای طرح مجدد موضوع در صحن علنی مجلس ادامه داشت فتوای مکتوب چهار تن از مراجع عظام، آیات عظام تبریزی، مکارم شیرازی، فاضل لنکرانی و صافی گلپایگانی، شرایط جدیدی پدید آورد و موضوع به مدت یک سال از دستور کار مجلس خارج شد.

مراجع عظام قید "در چارچوب شرع" را صوری و موارد تعارض کنوانسیون با شرع را غیرقابل اغماض دانسته و الحاق به این معاهده را زمینه وابستگی فرهنگی شمردند.

الحاق ایران به این کنوانسیون، در تاریخ ۸۲/۵/۱ در کمال ناباوری مراجع تقلید، علما، محققان، اندیشمندان و مردم مسلمان ایران، در مجلس ششم به تصویب رسید که البته از سوی شورای نگهبان رد شد.

معاهده مذکور - که در صدد نفی تمامی تمایزات میان زن و مرد در عرصه آموزش، فرهنگ، اقتصاد و حقوق است - نه تنها در کلیت خود با ارزشهای دینی همخوانی ندارد و با ده ها حکم از احکام شرع مقدس اسلام در تضاد است؛ بلکه ماده اول آن با ده ها مورد از قوانین داخلی جمهوری اسلامی ایران در تعارض می باشد.

## تحصن و استعفای برخی از نمایندگان

در آستانه انتخابات مجلس هفتم که در ۹ اسفند ۱۳۸۲ برگزار می شد، شورای نگهبان با اعمال وظیفه قانونی «نظارت استصوابی» جمعی از کاندیداهای را به دلیل نداشتن التزام عملی به اسلام یا اثبات نشدن التزام آنان، رد صلاحیت کرد.

در میان رد صلاحیت شدگان، عده کثیری از نمایندگان مجلس ششم

نیز قرار داشتند. حدود ۱۳۹ نماینده (در ماه‌های دی و بهمن ۱۳۸۲) در اعتراض به رد صلاحیت‌ها در مجلس شورای اسلامی دست به تحصن زدند، انتخابات را تحریم کردند و مجلس را به تعطیلی کشاندند. نهایتاً، با بی اثر ماندن اعتراضات و برگزاری انتخابات مجلس هفتم، عده‌ای از آنان استعفا دادند.

این حرکت ساختارشکنانه برای آن بود تا بتواند حس همگرایی با متحصنین را در افشار مختلفی که به زعم آنها سطح مطالباتشان فراتر از اعتراضات رسمی بود، برانگیزاند.

بدین ترتیب براساس برنامه‌ریزی صورت گرفته، عناصر وابسته به جریان رادیکال در خارج از مجلس به همراه فعالان اپوزیسیون داخل، بویژه گروه‌های نهضت آزادی و ملی-مذهبی‌ها، از یک سو با رفت و آمد روزانه به مجلس و حضور و سخنرانی در جمع نمایندگان متحصن، با آنها همراهی و هم‌نوایی می‌کردند و از سوی دیگر با برگزاری جلسات و نشست‌هایی، تلاش می‌کردند تا زبانه‌های تحصن را به بیرون از مجلس کشانده و اقدام نمایندگان رادیکال را تبدیل به یک حرکت اجتماعی و فراگیر کنند. حرکتی که در پایان قابلیت تبدیل شدن به ابزار فشار عمومی برای تحقق اهداف رادیکال‌ها و عقب‌نشینی نظام و شورای نگهبان در برابر آنها را داشته باشد.

بی‌اعتنایی جامعه به تجدید نظرطلبان و ناآگاهی افراطیون از ظرفیت اجتماعی خود و از همه مهم‌تر قاطعیت رهبر معظم انقلاب اسلامی، این پروژه را نیز با شکست مواجه کرد.

مقام معظم رهبری، ۳ سال بعد از افتتاح مجلس هفتم در دیدار با نمایندگان، دیدگاه خود را پیرامون این مسائل، چنین بیان داشتند:

"شرایطی که قبل از پدید آمدن این مجلس به وسیله‌ی بعضی اشخاصی که از روی غفلت، کارهایی انجام می‌دادند به وجود آمده بود - رفتن به سمت تحریم انتخابات، رفتن به سمت استعفای نمایندگان، اعتصاب در مجلس، مقابله مجلس - چیزهای بد و عجیبی بود و صدای عمومی مجلس، با خیلی

از مبانی و اصول نظام مغایرت داشت. در یک چنین فضایی، این مجلس رویداد

## حوادث فتنه ۱۳۸۸

بی‌شک ریشه فتنه ۱۳۸۸ پس از انتخابات ریاست جمهوری دهم در تداوم طمع دشمن به شکستن رابطه میان امت اسلامی و ولی فقیه بود. آنانکه با نفوذ درون حاکمیت نقش برجسته‌ای در فتنه تیرماه ۱۳۷۸ داشتند، این بار با مدیریتی دقیق تر و با محاسباتی جزئی نگارانه تر به میدان آمده بودند. این بار نیز تدبیر ولی فقیه سبب گردید عمق فتنه آشکار شود.

دشمن که پس از ارتحال ملکوتی امام خمینی<sup>(۵)</sup> به برنامه‌ریزی برای شکاف میان امت و رهبری کمرهمت بسته بود، این بار اما با نیرنگ‌های متفاوتی وارد شد. به جای شعارهای سکولار، شعارهای انقلابی سردادند، الله اکبر گفتند و... فتنه ۸۸ فتنه پیچیده‌تری بود؛ فتنه‌ای با شعارهای حق که از آن اراده باطل شده بود. اما با هلهله شادی در عاشورای حسینی مشخص گردید که فتنه‌گران همان‌ها هستند و این بار نیز غبار فتنه نشست جز با سیل خروشان مردمی که چراغ بصیرت در دست داشتند.

هشت ماه فتنه‌گری و خیانت مطابق نسخه و دستورالعمل رسماً اعلام شده مثلث آمریکا، انگلیس و اسرائیل صورت گرفت. سران فتنه، آشکارا به حمایت از نسخه دیکته شده مثلث یاد شده، نه فقط توقف برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، بلکه مقابله با مبانی و ارکان اسلام، انقلاب، امام<sup>(۶)</sup> و نظام اسلامی را دنبال می‌کردند از جمله:

تشکیل «کمیته صیانت از آراء» بعد از ملاقات پنهان با جرج سوروس و انتخاب یک نماد رنگین بعد از توصیه «مایکل لدین»، برنامه ریزی برای آشوب‌های خیابانی قبل از انتخابات، اعلام پیروزی در حالی که هنوز رأی‌گیری تمام نشده بود، ادعای تقلب بلافاصله پس از اعلام اولین نتیجه

رأی گیری، درخواست ابطال انتخابات- فرمول جرج سوروس و جین شارپ- درخواست رفراندوم- با توصیه قبلاً اعلام شده مایکل لدین- خودداری از پیگیری ادعای تقلب از مجاری تعریف شده قانونی، درخواست حضور ناظران و بازرسان بین المللی- توصیه وزارت خارجه اسرائیل و بخشی از فرمول جرج سوروس برای کودتاهای مخملی- شایعه پراکنی و اصرار بر آن بعد از افشای دروغ بودن شایعات، شعار به نفع اسرائیل در روز قدس و تکرار بی کم و کاست شعار «نه غزه، نه لبنان جانم فدای ایران!» که از سوی وزارت خارجه اسرائیل- در سایت رسمی این مرکز صهیونیستی- توصیه شده بود.

شعار به نفع آمریکا در روز جهانی مبارزه با استکبار، ائتلاف و همکاری آشکار با منافقین، مارکسیست ها، بهایی ها، سلطنت طلب ها، کومله، پژاک، اهانت به ساحت مقدس حضرت امام حسین (ع) در روز عاشورا و حمایت آشکار از اهانت کنندگان با عنوان «مردمان خداجوی»!!، نفی وجود مبارک حضرت صاحب الزمان «عج»- توصیه بیت العدل بهایی ها از اسرائیل-.

در این میان تعدادی از مقام های غربی از جمله مقامات آمریکا و انگلیس به حمایت خود از آشوبگران اعتراف کردند. هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه آمریکا در این مورد کاملاً صراحت به خرج داد. وی با اشاره به ناآرامی های تهران پس از انتخابات ریاست جمهوری صریحاً اعتراف کرد که «دولت آمریکا در پس پرده تلاش زیادی برای حمایت از معارضان و اغتشاشگران در ایران به کار بسته است».

«جرج بوش» رئیس جمهور سابق آمریکا در روز ۸/۸/۲۲ که برای افتتاح «بنیاد بوش» به دانشگاه دالاس در تگزاس رفته بود، اصلاح طلبان ایران را خط مقدم آمریکا خواند و افزود: آنها با چالش های فراوانی روبرو هستند و چشم امیدشان به ماست.

به دنبال هتک حرمت آشوب طلبان و اغتشاشگران در عاشورای ۸۸ به مقدسات و ارزش های اسلامی، بار دیگر آمریکا، انگلیس، رژیم صهیونیستی و

گروهک منافقین از اقدامات وقیحانه فتنه گران حمایت کردند.

### ترور دانشمند هسته‌ای ایران

طی دو سال از دی ماه ۸۸ تا دی ماه ۹۰ تعداد ۵ دانشمند هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران ترور شده‌اند که چهار دانشمند به درجه رفیع شهادت نائل شدند.

استکبار جهانی که قدرت علمی ایران به ویژه در عرصه فعالیت صلح آمیز هسته‌ای را تاب نمی‌آورد هر از گاهی محققى را به شهادت مى‌رساند تا به خیال خام خود با رعب آفرینی، سد راه پیشرفت ایران اسلامی شود و ملت ایران را به چشم پوشی از حق مسلم خود وادار کند.

### حلقه انحرافی و نفوذ آن در دولت نهم و دهم

نقطه آغاز شکل‌گیری حلقه انحرافی از دولت نهم بود و از همان زمان به دنبال «یارگیری»، «تیم‌سازی»، «شبکه‌سازی» و «ایجاد گفتمانی مستقل از گفتمان حاکم بر دولت خدمتگزار» بودند که با مواضعی چون «دوستی ما با ملت اسرائیل»، «پایان دوران اسلام‌گرایی» و «اباحه‌گری در عرصه فرهنگی» آغاز شد و در ادامه با نظرات متعارض و متناقض درباره حجاب و ادغام سازمان حج با گردشگری، ارائه نظریه مکتب ایرانی، زیر سوال بردن مدیریت انبیا، خود نمایی بیشتری کردند تا از این طریق خود را به عنوان یک ضلع جدید در عرصه سیاسی مطرح کنند.

متأسفانه با تحریک این طیف در اوایل سال ۹۰ ماجرای برکناری وزیر اطلاعات از سوی رییس جمهور پیش آمد و به رغم حکم حکومتی رهبری، برای بازگشت وزیر اطلاعات بر سر کار خود در این امر تعلل شد و مسأله غیبت یازده روزه رییس جمهور در محل کار رخ داد. اگرچه با تدبیر رهبری و هوشمندی مجموعه دولت این مسأله نهایتاً با تفاهم به پایان رسید اما رسانه‌های بیگانه توانستند به مضمون سازی علیه نظام دست بزنند.

## نگاهی مقایسه‌ای به مبانی مشارکت سیاسی در غرب و ایران

فتح الله پریشان

تاریخ حیات انسان تاریخ همکاری و ستیز است. زمانی که نخستین بار انسان دریافت که می‌تواند با تجمیع توان خود با دیگری بر آن دیگری فائق آید مشارکت زاده شد. از انباشت تجربه تاریخی بشر مشارکت در مفهوم امروزی خود متبلور شد. امروزه مشارکت سیاسی، ترکیب وصفی است که دخالت مردم در امور سیاسی، یعنی حکومت‌داری را معنا می‌کند. مشارکت سیاسی به معنای کوشش سازمان یافته‌ی مردم درباره حکومت و سیاست است، یعنی مردم در انتخاب رهبران سیاسی جامعه و سیاست‌گذاری‌ها فعالانه حضور داشته و خود را نسبت به حکومت و سیاست‌های آن، بیگانه احساس نمی‌کنند. در واقع، بزرگ‌ترین نماد مشارکت سیاسی و روشن‌ترین نمود دخالت مردم در امور سیاسی، شرکت آنان در انتخابات است و هر چه میزان مشارکت مردم در گزینش زمام‌داران و یا نمایندگان بیش‌تر باشد، حکومت از مقبولیت، استحکام اجتماعی و ثبات سیاسی بیشتری برخوردار خواهد بود؛ پس دموکراسی و حاکمیت مردم، از طریق حضور و مشارکت آنان در صحنه‌های انتخابات و تعیین سرنوشت جمعی تبلور می‌یابد. حال با توجه به اهمیت مقوله مشارکت سیاسی و در شرایطی که ملت ایران اسلامی در آستانه انتخاباتی دیگر قرار دارد، این سوال مطرح است که مشارکت سیاسی در تفکر غربی و اسلامی، از چه اشتراکات و افتراقاتی برخوردار است؟

### مفهوم‌شناسی و پیشینه مشارکت سیاسی

به لحاظ بررسی تاریخی اگر بخواهیم مقوله مشارکت سیاسی را تبارشناسی نماییم - مانند هر مقوله دیگری در علوم انسانی و اجتماعی - خاستگاه آن با مفهوم ویژه امروزی‌اش به تفکر غربی است. البته این امر به

دلیل ویژگی دانش‌های انسانی در غرب است که آنها در بسیاری از زمینه‌ها توانستند با ابداع روش‌شناسی، علوم را دسته‌بندی نموده و مبدا پیدایش آن علم را به خود و به زمان همان دسته‌بندی منسوب نمایند. در حالی که در بسیاری از علوم، دیگران از جمله مسلمانان جلوتر از آنها بودند و بنا بر اذعان امثال ویل دورانت در تاریخ تمدن، غرب در بسیاری از دانش‌ها و داشته‌های کنونی بر سر سفره مسلمانان نشسته است. در هر صورت، بحث مشارکت سیاسی و جامعه مدنی نیز از قرن شانزدهم میلادی و به دنبال فروپاشی نظام سیاسی کلیسا و ورود نظریه قرارداد اجتماعی به مباحث سیاسی و تأکید متفکران عصر روشنگری بر دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود، وارد ادبیات سیاسی مغرب زمین شد؛ و بر پایه آموزه‌های عصر روشنگری و نظریه قرارداد اجتماعی مشارکت سیاسی به معنای درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی با اجتماعی شدن سیاست رابطه نزدیکی پیدا کرد.

قبل از تعریف اصطلاح مشارکت سیاسی، ضروری است ابتدا معنای کاربردی واژه مشارکت مورد توجه واقع شود. فرهنگ انگلیسی آکسفورد مشارکت (participation) را به عنوان «عمل یا واقعیت شرکت کردن، بخشی از چیزی را داشتن یا تشکیل دادن» دانسته است. موسسه تحقیقاتی ملل متحد برای توسعه اجتماعی مشارکت را «کوشش‌های سازمان یافته برای افزایش کنترل بر منابع و نهادهای نظم دهنده در شرایط اجتماعی معین از سوی برخی از گروه‌ها و جنبش‌هایی که تا کنون از حیطه اعمال چنین کنترلی محروم و مستثنی بوده‌اند» تعریف می‌کند. مشارکت به معنای همکاری، شرکت داشتن یا حضور داشتن است؛ یعنی صرفاً حضور یک فرد در اجتماعی که برای بحث و تصمیم‌گیری درباره مسئله‌ای تشکیل شده است، می‌تواند به عنوان مشارکت داشتن تلقی شود.

اما آنچه در این نوشتار مورد توجه نگارنده می‌باشد عنصر اساسی در

مشارکت اجتماعی و سیاسی، یعنی آگاهی و رغبت است. به طوری که برخی آن را تقبل آگاهانه انجام بخشی از امور در شکل همکاری از روی رغبت به قصد بهبود و بهسازی زندگی اجتماعی می‌دانند. مشارکت سیاسی در پی فرایند اجتماعی شدن انسان‌ها و دخالت در امور مدیریت سیاسی کشورها وارد ادبیات سیاسی نظریه‌پردازان دنیای سیاست شد. بر این مبنا مشارکت سیاسی، عبارت است از آن دسته فعالیت‌های ارادی و اختیاری که اعضای یک جامعه در پرتو آن در سیاستگذاری‌های عمومی - به طور مستقیم یا غیرمستقیم - شرکت کرده، به انتخاب حاکمان و سیاستمداران می‌پردازند. مشارکت سیاسی دارای دو تقسیم بندی یا نوع است:

۱. مشارکت مستقیم؛ دخالت در تعیین سرنوشت و انتخاب و نظارت بر نظام سیاسی حاکم بر خود به صورت رأی دادن در چارچوب احزاب فراگیر را می‌توان مشارکت سیاسی مستقیم نامید، همچون انتخابات مجلس و ریاست جمهوری در ایران؛

۲. مشارکت غیرمستقیم؛ اما مشارکت سیاسی غیرمستقیم، راهکاری برای دخالت مردم در امور سیاسی است به طوری که در این سیستم سیاسی، فعالیت‌های حزبی اولویت اول را داراست. در این سیستم، نظام سیاسی و دولت حاکم بر آن، برآمده از رای مستقیم و انتخاب رهبر سیاسی کشور به وسیله مجلس می‌باشد، مانند انتخاب رئیس جمهور در آمریکا و چین. در آمریکا به عنوان نظام سیاسی دو حزبی، مشارکت سیاسی در قالب دو حزب نمود می‌یابد و در چین فعالیت در حزب کمونیست و انتخاب دبیر کل حزب به عنوان رهبر سیاسی از دیگر مصادیق مشارکت سیاسی است.

### ضرورت مشارکت سیاسی

در مورد ضرورت مشارکت سیاسی نیز می‌توان به دو نکته اشاره کرد؛  
 (۱) **تکلیف عقلی:** انسان بالطبع اجتماعی است و زندگی اجتماعی هم براساس روابط انسان‌ها بایکدیگر امکان پذیر می‌گردد و در این فرآیند، فرد و

جامعه بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. در نتیجه، بر افراد جامعه لازم است نقش خود را در این تأثیر گذاری و تأثیرپذیری، به درستی ایفا کنند. مسائل سیاسی و امور مربوطه به حکومت که از اهم مسائل هر جامعه است، افراد بایستی با مشارکت فعال خویش در سرنوشت خود و جامعه، دخالت کرده و در سیاست گذاری ها، تصمیمات و چگونگی اداره امور کشور تأثیر گذار باشند چرا که اگر در تعیین سرنوشت خود مشارکت نداشته باشند بر اساس سنت‌های موجود در عالم خلقت، دیگران با سلطه بر آن ها، برای آن ها تصمیم گیری خواهند کرد و هر طوری که بخواهند با سیاست گذاری و تنظیم اداره ی امور، آن ها را به دنبال خود می‌کشند و چه بسا که آن ها را به ورطه ی هلاکت بیندازند. پس مشارکت سیاسی برای حیات فکری و زندگی با عزت، امری لازم و ضروری است.

**(۲) تحقق بخشیدن به حاکمیت مردم:** مشارکت سیاسی به منظور اعمال حق حاکمیت مردم در تعیین سرنوشت خود، امری لازم و ضروری است. اگر مردم شهر برای تعیین سرنوشت خود و اداره ی امور شهر، در صحنه حاضر نباشند و بار مسؤولیت را به گردن دیگری بیندازند، حق حاکمیتشان در تعیین سرنوشت مخدوش و از بین می‌رود. بنابر این مردم برای اداره امور سیاسی و اجتماعی خود راهی جز مشارکت و حضور در صحنه‌های سیاسی جامعه خود ندارند.

### نگاهی مقایسه‌ای به مشارکت سیاسی در اسلام و غرب

بسیاری از مطالبی که در سطور بالا در مورد مشارکت مبتنی بر فلسفه سیاسی غرب گفته شد، تا آنجا که با استدلال عقلی و سیاست‌ورزی خردمندانه است، طبعاً مورد استنباط عقلایی در بین اندیشمندان مسلمان نیز می‌باشد. در واقع در ساحت عمل سیاسی و از آنجا عقل بشر امروز با گذار از راه‌های مختلف و آزمودن آنها، به دموکراسی و اثرگذاری رای مردم در حکومت رسیده است، اسلام نیز آن را به عنوان شکل حکومت با تمام سازو

کار اجرایی آن می‌پذیرد، اما از حیث محتوا، دستورات اسلامی را مطمع نظر قرار می‌دهد. الگوی جمهوری اسلامی یا مردمسالاری دینی به همین مطلب اشاره دارد. اما تفاوت عمده بین اسلام و غرب در این باب به مبانی فکری اسلام و گفتمان غرب برمی‌گردد. در حوزه اندیشه‌ورزی اسلامی، مقوله دیگری وجود دارد که غربی‌ها از چند قرن پیش خود را از آن به زعم خود رهانیده‌اند و آن چیزی نیست جز اندیشه ورزی دینی در ساحت مسائل اجتماعی به ویژه قدرت سیاسی. متفکران غربی با مشاهده نارسایی‌های دین مسیحیت و پلشتی‌های رفتاری اربابان کلیسا، به جای آن که خواستار اصلاح آنها باشند، با پاک کردن صورت مسئله به کلی خود را از اصول و داریست‌های دین رها کردند و با فروکاستن از نقش اجتماعی دین، آن را تا حد وسیله‌ای برای ارتباط روحی بین خدا و بشر تنزل دادند و در پرتو سکولاریسم، اداره امور جامعه را به دست عقل غیر مهذب و برداشت‌های خردورزانه خود بنیاد و عرفی خطاپذیر سپردند. از این منظر علاوه بر نکات عقلانی کلی که در خصوص مشارکت سیاسی و ضرورت آن برای دخالت بشر در سرنوشت سیاسی و اجتماعی‌اش که به عنوان نقاط اشتراکی بین مشارکت سیاسی در اسلام و غرب می‌توان به آنها اشاره کرد، در سایر موارد و به ویژه نگاه گفتمانی و بنیانی به اندیشه‌های اسلامی و غربی و گاه در حوزه عمل سیاسی تفاوت‌های بنیادینی بین مقوله مشارکت سیاسی در این دو پارادایم (اسلام و غرب) ملاحظه می‌شود که می‌توان به برخی از آنها به صورت ذیل اشاره کرد:

۱- تفاوت هستی‌شناسانه؛ هرگونه واکاوی تفاوت فکری و گفتمانی غرب و اسلام، بدون توجه به تفاوت نگاه انتولوژیکی بین آن دو ناقص و عقیم خواهد بود. اسلام به لحاظ نوع نگاه به هستی و جهان بینی با غرب نه تنها متفاوت بلکه در تضاد ایدئولوژیکی قرار دارد. به تبع این دیدگاه در حوزه‌های دیگر نیز بین آنها اختلاف نظر اساسی وجود دارد. مشارکت سیاسی و امر حکومت نیز از این قاعده مستثنی نیست. انسان در غرب بر اساس حقوق

طبیعی حق حکومت و مشارکت پیدا می‌کند اما حق و آزادی تعیین سرنوشت در اسلام، شرط تحقق هدف خلقت است. زیرا بدون تردید، هدف اصلی خلقت هستی، هدفی اخلاقی یعنی خدا گونه شدن انسان است و این امر در صورتی ملاک شرافت و کرامت انسان خواهد بود که در عین اختیار و آزادی اراده او صورت پذیرد، در غیر این صورت اصولاً مسؤولیت و ثواب و عقاب معنا ندارد. بر این اساس، انسان حق دخالت در سرنوشت خود را پیدا می‌کند. شاید بر همین اساس است که امام خمینی قدس سره می‌فرماید: «از حقوق اولیه هر ملتی است که باید سرنوشت و تعیین شکل و نوع حکومت خود را در دست داشته باشد.»

۲- **تفاوت انسان‌شناسانه؛ غرب و اسلام** از دو منظر متفاوت به اسلام به عنوان موضوع اصلی خلقت و حکومت می‌نگرند؛ غرب با محوریت دادن به انسان از رنسانس به بعد، با حذف خدا از زندگی اجتماعی بشر، عقل خودبنیاد بریده از وحی را جایگزین آن کرد. در حالی که اسلام حکومت را از منظری وحیانی و عقلانی می‌نگرد و معتقد است که عقل انسان تنها باید در چارچوب دین امور را به پیش برد تا مفسد جبران ناپذیری برای فرصت یکباره حیات انسانی در این دنیا پیش نیاید. عمر انسان اجازه آزمون و خطا در امور مهم را نمی‌دهد.

۳- **نوع نگاه به حکومت؛ حکومت در غرب خود هدف است در حالی که در اسلام ابزاری است برای سعادت انسان.** لذا مطابق قول امام خمینی (ره) سیاست اسلامی دست انسان و جامعه را می‌گیرد و هدایت می‌کند و به همین دلیل است که سیاست اسلامی عین دیانت و جزیی از آن محسوب می‌شود.

۴- **رهیافت حق‌مدارانه در برابر تکلیف‌گرایی؛ مشارکت در غرب حق مردم است و بیش از هر چیز نیازمند اقدام آگاهانه آنهاست.** مشارکت امری تحمیلی یا دعوتی نیست بلکه نوعی توان بخشی به گروه‌های ضعیف توأم با مشکلات خود نقش داشته باشند، چنین مشکلاتی نه فرمایشی است و نه

وضع کردنی بلکه باید آن را به دست آورد، یعنی امتیازی نیست که حکومت به اتباع خویش می‌دهد. بلکه حقی است که باید از آن استفاده کند. اسلام در این مقوله هم به حق مردم قائل است و هم به تکلیف و وظایف برای مردم در قبال حکومت معتقد است. مردم تکلیف دارند در امر سیاسی خود دخالت و بهترین گزینه و نامزد را برای سپردن امانت قدرت سیاسی و حفظ و تقویت حکومت اسلامی انتخاب کنند.

#### ۵- نوع نگاه به حکومت (ابزار یا هدف بودن حکومت و مشارکت)؛

حکومت در غرب خود هدف است در حالی که در اسلام ابزاری است برای سعادت انسان. لذا مطابق قول امام خمینی<sup>(۵)</sup> سیاست اسلامی دست انسان و جامعه را می‌گیرد و هدایت می‌کند و به همین دلیل است که سیاست اسلامی عین دیانت و جزئی از آن محسوب می‌شود. در حالی که بطور کلی در تبیین مشارکت سیاسی در غرب دو نظریه ابزاری و تکاملی وجود دارد:

#### ۵/۱- نظریه ابزاری؛ در این نظریه مشارکت را وسیله‌ای برای یک هدف،

یعنی برای دفاع یا پیشبرد یک فرد یا گروهی از افراد در برابر جباریت و استبداد در نظر می‌گیرند. بنابراین نظریه پردازان ابزارگرا استدلال می‌کنند که افراد بهترین داور منافع خودشان هستند، حکومتی که مردم در آن مشارکت داشته باشند کارآمدتر است. افرادی که از تصمیمات تأثیر می‌پذیرند حق دارند در گرفتن تصمیمات مشارکت داشته باشند و مشروعیت حکومت بر مشارکت استوار است. وارثان نهایی نظریه ابزاری فایده گرایان و کثرت گرایان هستند. البته اسلام هم به مشارکت و اساسا خود حکومت نگاه ابزاری دارد، اما مسلما این نگاه خیلی فراتر از دیدگاه دو گروه گفته شده است، یعنی مشارکت سیاسی و اصولا حکومت در اسلام ابزاری هستند برای فراهم‌سازی زمینه‌های سعادت و هدایت انسان.

#### ۵/۲- نظریه تکاملی؛ طرفداران این نظریه استدلال می‌کنند که شهروند

آرمانی، یک شهروند مشارکت کننده است و بنابراین مشارکت، اعمال

مسئولیت اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. مشارکت یک تجربه یادگیری است که شهروندان را نه تنها آگاه از حقوق خود بلکه آگاه از وظایف و مسئولیت‌هایش پرورش می‌دهد. چنین دیدگاهی در نوشته‌های ارسطو، جان استوارت میل، دوتوکویل و روسو یافت می‌شود و نیز بخش مهمی در اندیشه‌های محافظه کارانه و سوسیالیستی است.

۶- نوع نگاه به مردم؛ ژان پل سارتر در مورد انتخابات به عنوان یکی از بارزترین مظاهر مشارکت سیاسی چنین می‌گوید: «یک نظام انتخاباتی به هر صورتی که باشد عبارت است از مجموعه افراد انتخاب کننده‌ای که مثل یک خمیر بی‌شکل در معرض فشار عوامل خارجی قرار دارند. فهرست اسامی انتخاب شدگان به همان اندازه معرف اراده ملت است که انگار فهرست صفحات موسیقی فروش رفته، نمودار ذوق و سلیقه خریداران می‌باشد.» در واقع عنصر مشارکت کننده در تعریف پژوهشگران غربی از مشارکت سیاسی بسیار کمرنگ است. آنچه که امروز در جوامع به اصطلاح دموکراتیک غربی به نام مشارکت سیاسی اتفاق می‌افتد، موید همین مطلب است. در اکثر اوقات نقش مردم در برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌های عمومی در حاشیه قرار می‌گیرد. این در حالی است که اسلام ضمن قائل شدن نقش اصلی به مردم در تحقق قدرت سیاسی و حکومت، عملیاتی‌سازی آن را تنها به دست مردم می‌داند. به گونه‌ای که اگر آن نباشد حتی معصوم علیه السلام نیز که حکومتش مشروع است خانه‌نشین می‌شود. حضرت علی (علیه السلام) خطاب به مردم مصر می‌فرماید: «ای مردم مصر، نگوئید ما سرپرستی چون مالک و امامی چون علی داریم؛ اگر در صحنه حاضر نباشید، شکست می‌خورید. ما در حال نبرد و جنگ با باطل هستیم؛ جامعه‌ای که در خواب باشد، دشمن بیدارش او را رها نمی‌کند». در واقع مطابق فرهنگ اسلام، مشارکت مردم، ضامن بقای نظام اسلامی است. امام خمینی قدس سره در این باره می‌فرماید: «کاری بکنید که مردم محبت به شما بکنند، پشتیبان شما باشند.

اگر مردم پشتیبان یک حکومتی باشند، این حکومت سقوط ندارد. اگر یک ملت پشتیبان یک رژیمی باشد آن رژیم از بین نخواهد رفت.»

البته در دنیای امروز، تئوری دموکراتیک نوین نسبت به تئوریهای پیشین در بی توجهی به نقش مردم بسیار صریحتر و پخته تر است. در این تئوری صاحبان نفوذ مسئول تصمیم گیری برای سایر مردم هستند و وظیفه دارند توده‌های نا آگاه را کنترل کنند. بر اساس این تئوری نوین، توده‌های نا آگاه تنها می‌توانند تماشاچی باشند و حق دخالت در سیاست را نخواهند داشت و اینکه صاحبان نفوذ هر از گاهی در انظار عمومی ظاهر می‌شوند و تصمیم خود را که در جایی دیگر قطعی شده است به تایید و تصویب ظاهری مردم می‌رسانند و یا انتخابات‌های دروغین برپا می‌نمایند که در آنها تنها برگزیدگان طبقه ممتاز جامعه حق انتخاب شدن دارند صرفا راهی برای کسب مشروعیت و استمرار حکومت بر توده‌های نا آگاه است. این در حالی است که نگاه اسلام به نقش مردم واقع‌بینانه‌تر می‌نماید؛ زیرا اسلام با تفکیک قائل شدن بین مشروعیت به معنای حقانیت حکومت بر مردم و مقبولیت، اولی را از آن خداوند و در سلسله طولی؛ پیامبر، امامان معصوم و در عصر غیبت از آن فقیه آگاه به قوانین اسلام می‌داند و تحقق عملی قدرت و حکومت سیاسی را منوط به حمایت مردم می‌شمارد. اما غرب با پنهان کردن بی اعتقادی عملی خود به نقش مردم اگرچه به دروغ مردم را عامل مشروعیت حکومت می‌داند ولی در عمل این باندهای قدرت، رسانه و ثروت است که حاکمان علی‌الاطلاق بر گرده مردم هستند و تمایلات آنها را با هزاران ترفند و فریب رسانه‌ای در راستای تمایلات خود شکل می‌دهند.

در عرصه عمل سیاسی نیز امروزه مشاهده می‌شود که در بسیاری از کشورهای پیشرفته که ادعای پرچمداری دموکراسی در جهان را یدک می‌کشند، میزان مشارکت مردم در انتخابات با وجود سابقه‌ی طولانی آن‌ها در برگزاری آن، چندان چشم‌گیر نیست. در سال‌های اخیر این میزان

مشارکت در کشورهای غربی به دلیل بحران‌های سیاسی و اقتصادی و نارضایتی مردم از سیستم لیبرال دموکراسی کم‌تر نیز شده است. به عنوان مثال، نظام ایالات متحده که به عنوان سمبل نظام‌های لیبرال دموکراسی در دنیا شناخته می‌شود، همیشه شاهد مشارکت اندک مردم در انتخابات بوده است. در یک قرن اخیر در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، همیشه نیمی از جمعیت ایالات متحده شرکت نکرده‌اند. درصد مشارکت مردم برای انتخاب اعضای کنگره نیز همیشه بین ۳۰ تا ۴۰ درصد در نوسان بوده است.

میزان مشارکت مردم در انتخابات پارلمانی فرانسه نیز بین ۴۰ تا ۶۰ درصد می‌باشد. مشارکت مردم در انتخابات در بعضی از دوره‌ها به زیر ۵۰ درصد نیز رسیده است. یا میزان مشارکت مردم در انتخابات پارلمان کانادا نیز همیشه حدود نیمی از مردم بوده است و نیمی از جمعیت کانادا در هر ۶ دوره‌ی اخیر انتخابات شرکت نداشته‌اند. زیرا اصولاً انتخابات در نظام‌های سرمایه‌داری میدان مسابقه برای کسب قدرت و ثروت بیش‌تر می‌باشد و هدف وسیله را توجیه می‌کند چرا که از هر وسیله‌ای برای رسیدن به قدرت بهره می‌گیرد. همیشه نظام‌های غربی مانور دموکراسی و مردم‌سالاری انجام می‌دهند ولی از جریان یافتن فکر و ایده‌های مردم در سطوح بالای تصمیم‌گیری خبری نیست. این در حالی است که انتخابات‌های ایران اسلامی همواره توانسته است نه تنها از حیث کمی از کشورهای پیشرفته غربی بیشتر باشد بلکه در برخی مقاطع چون انتخابات دوره قبل ریاست جمهوری توانست با ۸۵ درصد مشارکت حد نصاب جدیدی از دموکراسی را به ثبت برساند. این امر نشان دهنده حمایت و علاقه قلبی مردم به نظام اسلامی است و در انتخابات اتی نیز به فضل الهی و به دلیل نگاه تکلیف‌مدارانه مردم جمهوری اسلامی ایران تکرار خواهد شد.

## «ضرورت بازخوانی شعار سال» الزامات و گام‌های تحقق تولید ملی



رهبر معظم انقلاب در ابتدای سال جاری، این سال را به نام سال «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی» نامیده‌اند. شاید بتوان طرح یک شعار و نامیدن یک سال را به نامی خاص، نشانه‌ای از عزم و اراده رهبری معظم انقلاب برای هدفمند نمودن حرکت و سوگیری مجموعه نظام و همچنین هدفمند نمایاندن به ناظران بیرونی تلقی نمود.

اما قطعاً باید این نام‌گذاری را نشان از تعیین شاه کلیدهایی به منظور بازگشایی برخی از مشکلات اساسی و زیربنایی کشور دانست که متأسفانه در طی سال‌های قبل بسیاری از مدیران اجرایی و مسوولین نظام، نام‌گذاری سال را صرفاً یک اقدام نمادین و نه یک حرکت استراتژیک تلقی می‌نمودند. مروری بر اقدامات متداولی که در واکنش به این موضوع انجام گرفته مبین این حقیقت تلخ است.

البته امسال شاهد آن بودیم که معظم‌له نه فقط وظیفه تشریح دلایل و اهمیت نام‌گذاری سال را به عهده گرفتند بلکه راه‌کارهای اجرایی شدن و موانع تحقق آن را نیز در قالب طرح مسأله و الزامات سیستمی به روشنی بیان فرمودند.

### کلید واژه‌ها: تولید ملی، سرمایه ایرانی، پیشرفت، راهبرد

اما آنچه که بیش از همه اهمیت دارد و نام و شعار امسال را قدری با قبل متفاوت ساخته است، نحوه طرح آن است.

به طوری که این تفاوت هم در مقدمه چینی و طرح مسأله و هم به هنگام تشریح ابعاد آن کاملاً به چشم می‌خورد. ایشان به هنگام طرح مسأله و در تبیین دلایل این نام‌گذاری سه محور اساسی را مورد توجه قرار داده‌اند:

الف) به ارایه‌ی تصویری از وضع موجود و مطلوب حوزه‌های مختلف حاکمیتی در کشور پرداختند و با اتکا به دلایل مختلف و برشمردن ضعف‌ها و قوت‌ها، حوزه‌ی اقتصاد را همچون سال گذشته نسبت به سایر حوزه‌ها بیشتر نیازمند توجه دانستند.

ب) به بررسی تهدیدها و فرصت‌های مختلفی که در پیش روی اقتصاد ایران قرار دارد پرداختند.

ج) بر این موضوع تأکید کردند که طرح این شعار پس از بررسی‌های متعدد کارشناسی و مشورت‌های فراوان با متخصصان حوزه‌های مختلف صورت گرفته است.

در واقع آنچه که معظم‌له در ضرورت و اهمیت این سال فرمودند عبارت است از:

- ✓ اهمیت عرصه‌ی اقتصاد به عنوان عرصه‌ی فعلی مبارزه‌ی ما با غرب
- ✓ اثرات مثبت رونق تولید ملی بر رفع کمبود اشتغال و تورم
- ✓ یأس و ناامیدی دشمنان از توطئه‌چینی علیه جمهوری اسلامی.

### اضلاع سه‌گانه پیشرفت

شرط موفقیت و عملی شدن این شعار یعنی حمایت از تولید داخلی تلاش هم‌زمان سه رکن اصلی و ذی اثر یعنی دولت، مردم و بازار (بخش خصوصی) بوده که در ادبیات توسعه اقتصادی از آن‌ها به عنوان اضلاع سه‌گانه‌ی مثلث توسعه یاد می‌شود.

ناگفته نماند که طرح نظریه اضلاع سه گانه نیز در واقع پاسخی به مسایل قدیمی و ریشه دار علم اقتصاد است. از دیر باز درباره جایگاه دولت میان علمای اقتصاد بحث های زیادی در جریان بوده است که روی دیگر این سکه نقش بخش خصوصی و اساساً نظام بازار می باشد. همچنین در اقتصاد سیاسی بحث های فراوانی پیرامون چگونگی ایفای نقش مردم در توسعه ای اقتصادی صورت گرفته است. آنچه مسلم است تا زمانی که حدود و ثغور اضلاع سه گانه مشخص نگردد نظام اقتصادی سامان نمی یابد.

معظمه برای هر یک از سه بخش مردم، تولیدکنندگان و دولت وظایفی را بر شمرده اند؛

#### وظیفه ی دولت: پشتیبانی از تولیدات داخلی است،

به همین جهت ایشان در بیاناتشان ضمن تاکید بر نقش موثر دولت، این نکته را نیز به صراحت عنوان کردند که وظیفه ی اصلی دولت حمایت و تأمین زیر ساخت ها برای بخش های صنعت و کشاورزی است و در واقع با این بیان نسبت به دولتی شدن بیشتر اقتصاد به بهانه حمایت از تولید هشدار دادند. روی دیگر این موضوع حضور بخش خصوصی توانمند و فراگیر است که مطابق بیانات ایشان ایفاگر نقش اصلی در امر تولید می باشد. در حقیقت نیز تنها بخش خصوصی است که می تواند با انگیزه بالای اقتصادی و انجام محاسبات دقیق و بهره گیری از دانش روز، منابع را به شکل صحیح ترکیب نموده و محصولی درخور سلیقه بازار تولید نماید.

سهم سرمایه داران و کارگران: تقویت چرخه ی تولید و اتقان در کار تولید نقش مردم: مصرف تولیدات داخلی و فریضه دانستن این امر

#### دلایل اهمیت حمایت از تولید ملی:

۱. اهمیت حیاتی مسئله تولید و بهره وری داخلی
۲. تحریم های اقتصادی کشور
۳. ظرفیت های کلان اقتصادی معطل مانده و تعطیل شده در بخش های مختلف صنعتی و کشاورزی

۴. برخی سیاست گذاری های نامناسب
۵. وجود ظرفیت های متعدد بالقوه جهت بهره برداری ذخایر خدادادی از قبیل سوخته های فسیلی؛ ذخایر معدنی مختلف و بسیار متنوع؛
۶. نیروی انسانی کارآزموده
۷. ایجاد پروسه حمایت از صنایع مختلف با هدف رفع نیازهای داخلی
۸. ایجاد اشتغال واقعی و پایدار و به خصوص صیانت از اشتغال موجود

### الزامات سال تولید ملی

لازمه تحقق فرمایشات مقام معظم رهبری که نشان دهنده اهمیت حیاتی حمایت از تولید ملی است می تواند براساس شاخص های زیر باشد:

۱. تحقق روح خودباوری
۲. فرهنگ سازی
۳. تجدید نظر در قوانین
۴. کاهش بوروکراسی
۵. افزایش رقابت در بازار
۶. افزایش نظارتها
۷. حمایت از کالاها و صنایع داخلی و حفظ اشتغال
۸. افزایش میزان بهره‌وری و تولید
۹. ایجاد روحیه منتهی به تعهد شغلی
۱۰. اجرای درست اصل ۴۴
۱۱. جلوگیری از واگذاریهای خارج از ضابطه
۱۲. برخورد قاطعانه با رانت های غیر قانونی قدرت
۱۳. بکارگیری شیوه های نوین در بخش های صنعتی و کشاورزی
۱۴. هدفمند نمودن پرداخت تسهیلات

### سهم سرمایه انسانی در تولید ملی

برای گذار از مرحله عقب ماندگی و ورود به مرحله توسعه یافتگی، می بایست سهم منابع اصلی تولید ثروت را به سمت منابع انسانی و دانش

بنیان بهبود داد.

### عوامل و منابع تولید ثروت:

۱. منابع انسانی (علم و دانش نیروهای متخصص و ماهر)

۲. منابع طبیعی

۳. امکانات فیزیکی

بررسی های کلی گویای آن است که به رغم تمام تلاش های صورت گرفته از سوی کشورهای در حال توسعه، در مجموع سهم سرمایه های انسانی و اجتماعی در تولید ملی کشورهایی مانند کشور ما بسیار اندک است، بگونه ای که مجموع ۶۳ کشور صادر کننده مواد خام (عمدتا جهان سومی) با برخورداری از ۳۶٪ منابع انسانی، ۲۰٪ امکانات فیزیکی و ۴۴٪ از منابع طبیعی، فقط ۶/۴٪ از تولید ثروت جهانی و ۱۰۰ کشور در حال توسعه از جمله ایران نیز با ۵۶٪ منابع انسانی، ۱۶٪ امکانات فیزیکی و ۲۸٪ از منابع طبیعی حدود ۹/۱۵٪ از تولید ثروت جهانی را به خود اختصاص داده اند و متقابلا ۲۹ کشور صنعتی (توسعه یافته) با ۶۷٪ منابع انسانی، ۱۶٪ امکانات فیزیکی و ۱۷٪ منابع طبیعی، بیش از ۶/۷۹٪ تولید ثروت جهانی را از آن خود ساخته اند و این نکته خود بیانگر عمق فاجعه می باشد.

نتایج این بررسی ها نشان می دهد که کشورهای صنعتی علی رغم برخورداری از کمترین میزان منابع طبیعی و عمدتا با اتکاء به منابع انسانی متخصص و در اختیار گرفتن امکانات فیزیکی و ابزار نوین و از طریق تولید علم و فن آوری نوین توانسته اند، بیشترین درآمد را عاید خود نمایند.

### دلایل سهم پایین منابع انسانی در تولید

بدیهی است ریشه این مسائل را می توان در عوامل ذیل جست و جو کرد:

۱. درگیر بودن کشور در جنگی تحمیلی،

۲. توطئه ها و دسیسه های مستمر بیگانگان و تاثیر منفی آن در روند توسعه،

۳. غفلت برخی مسئولین سابق برای اقدام به موقع نسبت به انجام پاره ای از اقدامات بنیادی و زیربنایی،

۴. گرفتار شدن بخش قابل توجهی از افراد اثرگذار جامعه در کشمکش‌های سیاسی و مسائل حاشیه‌ای،
  ۵. ضعف در تدوین استراتژی‌ها و هدف گذاری های سازمانی،
  ۶. به روز نبودن سیستم ها و روشها
- و مهمتر از همه فراموش شدن نقشی که هریک از ما می توانیم در این زمینه برعهده داشته باشیم.

### آسیبها و چالش‌های رقابت‌پذیری تولید ملی

- ✓ کیفیت پایین تولید ملی در مقایسه با رقبای خارجی
- ✓ ناهماهنگی در سیاست مالی دولت و سیاست پولی بانک مرکزی
- ✓ بی توجهی به تاثیر تحولات جهانی در اقتصاد داخلی و تولید ملی
- ✓ وضع قوانین مختلف بدون در نظر گرفتن شرایط و ویژگیهای بخش تولید و وجود قوانین متناقض در این زمینه
- ✓ خصوصی سازی بر اساس نسخه های اقتصاد سرمایه داری
- ✓ بی اعتمادی به بازارها و تولیدات داخلی

### بایسته های سیستمی حمایت از تولید داخلی

با توجه به ساختار اقتصادی کشور و نقش دولت در آن و در اختیار داشتن ابزارهای مهم کنترلی و تاثیرگذاری عملکرد آن در برنامه ریزی کلان کشور، می توان انتظار داشت دولت با بهره‌گیری از ابزارهای در اختیار و سیاستگذاری حمایت از تولید ملی نسبت به حل مشکلات اقتصادی قدم‌های مؤثر و کارآمدی را بردارد.

۱. توجه به اقتصاد دانا محور
۲. هدفمند سازی واردات
۳. توزیع عادلانه درآمدها
۴. لزوم گفتمان سازی درباره حمایت از کار ایرانی
۵. ایجاد نظام بهره‌گیری از نیروی کار ماهر و تکنولوژی روز

۶. ثبات در مقررات اقتصادی و حذف مقررات زائد و پیچیده
۷. قطع رانت و رانت‌خواری.

### اقدامات کاربردی

- ۱- تشکیل کمیته ملی بهره‌وری با هدف افزایش بهره‌وری
- ۲- حمایت از بخش صنعت و کشاورزی با اختصاص یارانه و سیاستهای تشویقی در جهت کاهش هزینه‌های تولیدی و حفظ اشتغال و سرمایه‌گذاری و امکان رقابت در بازار
- ۳- تجدید نظر در قوانین مرتبط با تولید و سرمایه‌گذاری و کاهش بوروکراسی در روند سرمایه‌گذاری
- ۴- افزایش تعرفه گمرگی جهت اقلام و کالاهایی که نمونه مشابه داخلی دارند
- ۵- تقبل هزینه‌های طرحهای تحقیقاتی مختلف توسط بخش‌های دولتی؛
- ۶- تشکیل کمیته ملی حمایت از اختراعات؛ اکتشافات و نوآوری‌ها؛
- ۷- جلوگیری قاطعانه دستگاههای مسئول از تولید اقلام نامطلوب
- ۸- اعمال سیاستهای اقتصادی در بخش صادرات با پذیرش بخشی از هزینه صادرات اقلام تولیدی
- ۹- اعمال سیاستهای و راهکارهای عملی برای عملیاتی شدن اختراعات
- ۱۰- تشکیل کمیته‌های بررسی مشکلات صنایع در کلیه استانها
- ۱۱- اجرای درست اصل ۴۴ با نظارت مجلس و سازمان بازرسی و نهادهای مسئول
- ۱۲- جلوگیری از واگذاری‌های خارج از ضابطه و برخورد قاطعانه دستگاه قضا با افراد سودجو و متصل به رانت‌های غیر قانونی قدرت.
- ۱۳- بکارگیری شیوه‌های نوین در بخش‌های صنعتی و کشاورزی جهت افزایش میزان بهره‌وری و تولید
- ۱۴- اجرای دوره‌های آموزشی در زمینه‌های مختلف علمی؛ تکنولوژیک؛ نانو با هدف گسترش بازار کار مشاغل جدید

## گام های حمایت از تولید ملی

۱. تعیین تولید محوری به عنوان شاقول سیاست گذاری های اقتصادی کشور
۲. فهم درست از ماهیت مشکلات واحدهای تولیدی و واقع بینانه و هدفمند نمودن مناسبات بین بانک ها و واحدهای تولیدی
۳. بهبود مستمر فضای کسب و کار و اجرای کامل و دقیق این قانون
۴. معرفی تولید کنندگان به عنوان پیشتازان عزت و استقلال جامعه در فرهنگ عمومی جامعه به عنوان ارزش
۵. تنظیم و منطقی کردن مجوز مقررات سرمایه گذاران بخش تولید
۶. افزایش توان مالی تولید کنندگان و پیمانکاران از طریق پرداخت بدهی های دستگاه های دولتی به تولید کنندگان
۷. اولویت رفع موانع پیش روی واحدهای تولیدی جهت بهره برداری از حداکثر ظرفیت تولید
۸. تعریف نظام تعرفه ای یا زمینه های مربوط به قیمت گذاری
۹. ایجاد فضای پرنشاط و تعاملی بین دولت و بخش خصوصی
۱۰. بهره گیری از فناوری و ماشین آلات مناسب مورد نیاز تولید کننده برای بهبود تولید
۱۱. حرکت در مسیر روان سازی و چابک سازی تولید در مناسبات و سیاست ها و فضای کسب و کار
۱۲. کمک به تولید کنندگان برای بازاریابی داخلی
۱۳. دسترسی تولید کنندگان به بازارهای خارجی
۱۴. حفظ شرایط رقابتی در بازار
۱۵. تداوم جهت گیری جهش صادراتی

## سخن آخر

علی رغم تمام تلاش ها و اقدامات صورت گرفته نمی توان، تلاش های صورت گرفته در راستای تحقق این مهم را در عرصه تولید در جهت آرمانها و

اهداف مورد نظر ارزیابی نمود، چرا که دستیابی به مرحله‌ای از دانش که بتوانیم در مواجهه با تحریم‌ها و در رقابت با بازارهای بین‌المللی، در حد رفع وابستگی در تامین نیازهای اساسی، بخش عمده آنها را خود تولید کنیم، فاصله زیادی داریم. کافی است سهم دانشمندان و نخبگان ایرانی از اختراع، ابداع و یا حتی تولید داخلی امکانات پیرامون خود را مورد بررسی قرار دهیم. هنوز بسیاری از نیازهای اساسی ما وارداتی و بخشی، حاصل فعالیتهای تولیدی ما به شکل مواد اولیه خام و بدون فرآوری و در نظر گرفتن ارزش افزوده آن، می‌شود.

در شرایط کنونی، که اقتصاد داخلی، با تحریم‌ها و محدودیت‌هایی که از سوی کشورهای غربی اعمال می‌شود و اجرای طرح‌های اقتصادی مانند طرح قانون هدفمند کردن یارانه‌ها و نظیر آن قرار دارد، بهترین راه برای حفظ و بالا بردن اقتدار اقتصادی و در نتیجه سیاسی، چه در سطح داخلی و بین‌المللی، توجه همه جانبه به تحقق و حمایت از تولید ملی است.

اگر چه در این نوشتار به صورت مجمل و کوتاه سعی شد فرصت‌ها، الزامات و گامهای تحقق شعار سال به صورت مختصر بررسی شود. اما برای آنکه این نامگذاری مقام رهبری در حد شعار نماند، نیازمند ارائه راه‌کارهای علمی و اقتصادی از سوی دولت و سازمانهای اقتصادی مرتبط با کشور است. همچنین توجه به تمامی بخش‌های اقتصاد هنگام اجرای یک طرح و در نظر گرفتن تمام جوانب آن برای در امان ماندن از آسیب‌های احتمالی ضروری است..

هم چنان که مقام معظم رهبری تاکید فرمودند:

«در تحقق شعار تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی همه مسئولند» و بخصوص در ارتباط با فرهنگ سازی، نیاز به عزمی ملی احساس می‌شود تا بتدریج مصرف کالای خارجی نه تنها از وضعیت موجود یعنی نوعی تفاخر، دگرگون شود بلکه باید آثار این اقدام تشریح گردد تا جز در مواردی که جنس مشابه داخلی وجود ندارد مصرف کالای خارجی به یک ضدارزش تبدیل شود.

در گسترش فرهنگ حمایت از کالای داخلی، طبعاً رسانه ها و خصوصاً رسانه ملی، رسالتی سنگین دارند و به موازات آن باید سیاست‌های روشنی در عدم تبلیغ کالاهای خارجی اعمال کنند. همچنین انتظار می رود وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دیگر دستگاه های ذیربط از جمله شهرداری ها، در حمایت از تولیدات داخلی و عدم تبلیغ کالاهای خارجی، اصولی شفاف تعیین کنند و چهره زیبای شهرهای کشور را با تبلیغات کالاهای بیگانه نیالایند.

البته ضروری است تا در راستای سیاست‌های سند چشم انداز باید روحیه کار و تولید و نیز افتخار به ایرانی بودن را به عنوان یک راهبرد بدان توجه نمود؛ بدین ترتیب ضرورت ایجاد می کند که نهادهای آموزشی کشور بایستی تولید ملی را به عنوان سرفصل تربیت اقتصادی نسل آینده در برنامه ریزی های خود قرار دهد.

### منابع:

۱. تولید ایرانی بستر ساز تمدن مهدوی/ محمد ابراهیم سینایی/ مرکز اسناد انقلاب اسلامی
۲. جنبشی برای حراست از تولید ملی/ مسعود رضایی
۳. آسیب های رقابت پذیری تولید ملی/ دکتر پدرام سلطانی/ دنیای اقتصاد



## انتخابات در اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی (ره)

علی مرادزاده

### مقدمه:

انتخابات یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران است که ترجمان جمهوریت نظام به‌شمار می‌رود، جمهوری اسلامی الگوی نوینی از نظام‌های سیاسی است که توسط امام خمینی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ پایه‌گذاری شده این الگو به عبارت دیگر مردم سالاری مبتنی بر اسلام قلمداد می‌گردد، ساختار حکومت براساس آراء مردم شکل می‌گیرد و جمهوریت از اصول تغییرناپذیر قانون اساسی به‌شمار می‌رود و ماهیت و محتوای آن براسلام و قرآن استوار می‌باشد. امام خمینی در حیات سیاسی خویش پس از انقلاب اسلامی همواره بر برگزاری انتخابات به موقع، حضور و مشارکت همگانی در عرصه تعیین سرنوشت، مراقبت از نفوذ و مداخله و تأثیرگذاری دشمن در فرایند انتخابات و انتخاب اصلح تأکید داشته و در وصیت نامه سیاسی الهی خویش مردم، نخبگان و مسئولان را به اهتمام ویژه در این خصوص فرا خوانده‌اند. در این نوشتار کوتاه تلاش می‌شود برخی از ابعاد این مهم

مورد بررسی قرار گیرد.

### نقش و جایگاه انتخابات

انتخابات از مهمترین سازوکارهای تنظیم رابطه مردم با نظام سیاسی (دولت - ملت) است، انتخابات از ابعاد کلیدی مردم سالاری اسلامی و دموکراسی واقعی بشمار می رود، در واقع نوعی کسب مشروعیت مداوم است. علاوه بر آن پیوسته سنجش درجه اعتماد مردم به دولتمردان نیز محسوب می شود. تکاپوی سیاسی در میان طیف های گوناگون جامعه و شور و نشاطی که در سطح جریان ها و محافل سیاسی پدید می آید در کنار تحرک نامزدهای انتخابات و نیز پویایی مطبوعات و رسانه ها هر یک به نوبه ی خود شادابی و سرزندگی را در جامعه پدید می آورد بنابراین می توان گفت انتخابات خون تازه ای در کالبد نظام سیاسی و نظام اجتماعی تزریق می کند و تجدید حیات دولت و ملت را در پی دارد.

### ابعاد رابطه حکومت و مردم

نوع رابطه حکومت و مردم و سازوکار تحقق آن و نیز آسیب ها و تهدیدهای این رابطه نیاز بحث و کنکاش گسترده است تا بتوان مدل ها و نظریه ها و مکتب های سیاسی گوناگون را پیرامون آن به تصویر کشید و در یک بررسی تطبیقی الگوی مطلوب را استخراج نمود. در مجموع سه عامل حکومت، مردم، نوع رابطه، در این خصوص محور بحث قرار می گیرد. این رابطه ابعاد مختلفی دارد که مهمترین آنها عبارتند از:

۱- اعتماد متقابل: وجود سطحی از اعتماد بین مردم و نظام سیاسی ضروری است.

۲- نظارت متقابل: ضرورت نظارت همگانی و متقابل مردم و حاکمان.

۳- خدمتگزاری: رابطه مردم و مسئولان رابطه خادم و مخدوم است.

- ۴- پاسخگویی: دولت باید در مقابل مردم پاسخگو باشد.
- ۵- مشارکت جویی: دولت باید نظرات و ایده‌های ذی‌نفعان را عملیاتی کند.
- ۶- اطلاع‌رسانی: نظام باید سازوکار اطلاع‌رسانی شفاف را برای مردم فراهم کند.
- ۷- قانونگرایی: قانون و مقررات شاقول تنظیم رابطه دولت و ملت است.
- ۸- احترام متقابل: برخورد محترمانه و تکریم در رابطه دولت و مردم ضروری است.
- ۹- سهولت دسترسی: دسترسی آسان و مداوم با نمایندگان خود.
- ۱۰- اخلاق‌گرایی: رعایت اصول و موازین اخلاق اسلامی توسط دولت و مردم. (مدیریت انتخابات، ۱۳۸۹، ص ۶۱)

### دیدگاه ایدئولوژیک امام خمینی<sup>(ره)</sup> به پایه‌های اصلی رابطه مردم و

#### حکومت

امام خمینی<sup>(ره)</sup> از ابتدای شکل‌گیری نهضت الهی خویش همواره دین‌محوری و خلوص‌گرایی و اصولگرایی اسلامی را نصب‌العین مبارزات خویش قرار دادند و از همین زاویه نیز به مردم و نقش امت اسلامی در نظام سیاسی نگاه کرده‌اند. تأکید امام راحل بر مدل نظام جمهوری اسلامی و برجسته ساختن مردم‌سالاری مبتنی بر اسلام از دور اندیشی و بصیرت نافذ امام حکایت دارد و امام خامنه‌ای با چنین چشم‌اندازی کشتی پرقدردن نظام اسلامی را رهبری می‌نماید.

امام خمینی در تبیین رابطه ایدئولوژیک و بنیادین دولت-ملت فرمودند: دولت در حکومت اسلامی در خدمت ملت است، باید خدمتگزار ملت باشد. (امام خمینی، ۱۳۷۴، ص ۲۳۸)

با نگاهی به منظومه فکری و اندیشه سیاسی امام خمینی<sup>(ره)</sup> و امام

خامنه‌ای یک سری ویژگی‌ها و اولویت‌ها را در خصوص تنظیم رابطه دولت و مردم می‌توان استخراج کرد که برخی از مهمترین آنها عبارتند از:

۱- **مردم سالاری دینی:** حق انتخاب مردم و تأثیر آراء عمومی در اداره کشور از اصول نظام جمهوری اسلامی است و مردم این حق را در چارچوب اسلام محقق می‌سازند. امام خمینی<sup>(ه)</sup> فرمودند: میزان رأی ملت است، چون ملت، اسلام را می‌خواهد. و نیز تأکید کردند: ما می‌گوئیم که باید رئیس یک مملکتی را خود ما، خود جمعیت، خود ملت تعیین کند. (صحیفه امام، ج ۵، ص ۳۲۲)، اکثریت هر چه گفتند، آرای ایشان معتبر است و لو... به ضرر خودشان باشد. (همان، ج ۹، ص ۳۳۴)

۲- **خدمتگزاری:** اگر به من بگوئید خدمتگزار، بهتر از این است که بگوئید رهبر، رهبری مطرح نیست، خدمتگزاری مطرح است، اسلام مارا موظف کرده است که خدمت بکنیم. (امام خمینی<sup>(ه)</sup>، ۱۳۷۴، ص ۱۲۶). د رنامه امام علی<sup>(ع)</sup> به مالک اشتر نخی نیز همین معنا ابلاغ گردیده است. (نهج البلاغه)

۳- **نظارت متقابل:** نظارت متقابل مردم و مسؤولان به یکدیگر و انتقادپذیری مسؤولان از ویژگی‌های حکومت مطلوب در اندیشه سیاسی امام خمینی است. امام فرمودند: آگاهی مردم و مشارکت و نظارت همگانی آنها با حکومت منتخب خودشان خود بزرگترین ضمانت حفظ امنیت در جامعه می‌باشد. (امام خمینی<sup>(ه)</sup>، ۱۳۷۴، ص ۲۵۷)

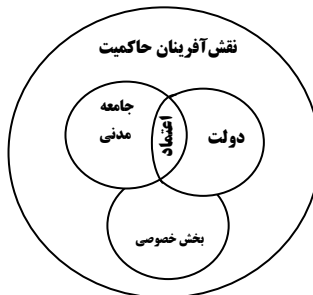
۴- **قانونگرایی:** در اندیشه سیاسی امام خمینی و امام خامنه‌ای حکومت اسلامی حکومتی است که به موازین و قوانین الهی و اسلامی بنا شده باشد و حکومت اسلامی حکومت قانون است. امام تصریح کردند: حکومت اسلام و حکومت قانون است، در این طرز حکومت، حاکمیت منحصر به خداست و قانون، فرمان و حکم خداست، قانون اسلام یا فرمان خدا بر همه افراد و بر دولت اسلامی حکومت تا دارد، همه افراد از رسول اکرم<sup>(ص)</sup> گرفته تا خلفای

آن حضرت و سایر افراد تا ابد تابع قانون هستند، همان قانونی که از طرف خدای تبارک و تعالی نازل شده و در لسان قرآن و نبی اکرم<sup>(ص)</sup> بیان شده است. (همان، ص ۵۳). و باز درباره نظام اسلامی فرمودند: اسلام خود دارای سیستم و نظام خاص اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی است که برای تمامی ابعاد و شئون زندگی فردی و اجتماعی قوانین خاصی دارد و جز آن را برای سعادت جامعه نمی‌پذیرد. (همان، ص ۱۶۷)

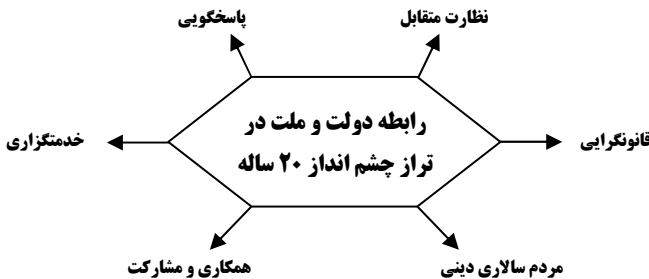
البته این قانونگرایی در دو بعد اصلی تعریف عملیاتی می‌شود:  
الف) کیفیت مقررات: توانایی حکومت در تدوین و اجرای خط مشی‌ها و مقررات مناسبی که با توسعه و ارتقای بخش خصوصی می‌انجامد.  
ب) حاکمیت قانون: حدودی که کارگزاران و مسئولان به قواعد اجتماعی باور داشته و برای حاکمیت آن ایستادگی می‌کنند.

**۵- همکاری و شراکت:** در این خصوص مطابق قانون، نقش سه نهاد حاکمیتی برجسته است؛ ۱- دولت ۲- جامعه مدنی ۳- بخش خصوصی. این سه رکن اساسی بر اساس یک سری اصول بنیادین با یکدیگر همکاری و شراکت دارند این اصول عبارتند از: ۱- اهداف اجتماعی ۲- نوآوری ۳- تأسیس چندگانه ۴- دواطلبانه بودن ۵- منافع متقابل و سرمایه‌گذاری مشترک ۶- هم‌افزایی مبتنی بر هماهنگی.

مدل تنظیم رابطه کارگزاران و مردم بر مبنای شراکت



۶- پاسخگویی: پاسخگویی در برابر مردم از شاخصه‌های اساسی اندیشه در رفتار سیاسی امام خمینی<sup>(ه)</sup> است: (فرج‌الله رهنورد و نعمت‌الله مهدوی‌راد، ۱۳۸۹، ص ۷۸)



### مراحل و فرایند انتخابات

انتخابات در جمهوری اسلامی دارای شش مرحله مهم و اساسی می‌باشد که عبارتند از:

- ۱- تشکیل هیأت اجرایی ۲- ثبت نام داوطلبان ۳- بررسی صلاحیت داوطلبان ۴- فعالیت تبلیغاتی نامزدها ۵- اخذ رأی و شمارش آراء ۶- رسیدگی به شکایات

### انتخابات و جلب رضای الهی

امام خمینی<sup>(ه)</sup> انتخابات را یک امتحان الهی دانستند که شرکت فعال در آن موجب جلب رضای حق می‌گردد. امام با صدور پیامی به مناسبت پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی فرمودند: انتخابات یک امتحان الهی است که گروه‌گرایان را از ضوابط گرایان ممتاز می‌کند و مؤمنین و متعهدین را از مدعیان جدا می‌نماید و کسانی که خود را کاندیدا می‌کنند یا کاندید گروه‌هایی هستند، اگر خود را صالح ... نمی‌دانند و وجود آن‌ها در این مکان

نفعی برای کشورشان ندارد، خدای متعال را در نظر بگیرند و رضای او را بر رضای خود مقدم دارند و چنین خلاف ناشایسته‌ای را مرتکب نشوند. (صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۲۳۱)

### اهمیت نقش شورای نگهبان در انتخابات

امام خمینی<sup>(ه)</sup> در عین حال که نقش هر یک از قوای سه‌گانه و نهادها و دستگاه‌های کشور را در جای خود مهم و حیاتی می‌دانستند، در حمایت از شورای نگهبان اهتمام و عنایت ویژه‌ای داشتند. امام فرمودند: افرادی که نظریه‌ی شورای محترم نگهبان در ابطال یا تأیید بعضی حوزه‌ها موافق میل‌شان نبوده است، به شایعه افکنی دست زده و اعضای محترم شورای نگهبان (ایده الله تعالی) را که حافظ مصالح اسلام مسلمین هستند، تضعیف و یا خدای ناکرده توهین می‌نمایند (صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۲۸۰) من به این آقایان هشدار می‌دهم که تضعیف و توهین شورای نگهبان، امری خطرناک برای کشور و اسلام است. (همان)

امام خمینی<sup>(ه)</sup> معتقد بودند؛ اگر شورای نگهبان نباشد و یا نقش خود را به خوبی ایفا نکند به سرنوشت انقلاب مشروطه دچار خواهیم شد: اگر شما، اگر ملت ما، این طایفه (شورای نگهبان) را حفظ نکنید، بدانید که سرنوشت شما، سرنوشت زمان مشروطه خواهد شد. (همان، ج ۱۵، ص ۲۲۲)

مقام معظم رهبری نیز در این زمینه تصریح کردند: شورای نگهبان از یک نظر مهمترین نهاد جمهوری اسلامی است، زیرا که قوام این نظام به اسلامیت آن است و شورای نگهبان، تضمین کننده آن معناست. (۷۹/۴/۲۸)

### ضرورت‌ها و الزامات انتخابات

انتخابات مانند هر رویه‌ی مهم دیگر ضرورت‌ها و الزاماتی دارد که توجه مردم، مسئولان، نامزدها و جریان‌های سیاسی و فکری به آنها می‌تواند به

تحقق اهداف و مطلوبیت‌های نظام منجر شود و غفلت از آنها خسارت‌های جبران‌ناپذیری را به دنبال دارد. در این مقوله سخن بسیار است اما به تناسب موضوع این مقاله برخی از مهم‌ترین ضرورت‌ها و الزامات و اقتضائات انتخابات را در اندیشه سیاسی امام خمینی مورد اشاره قرار می‌دهیم:

۱- مردم اگر اسلام را، استقلال و آزادی را، نبودن تحت اسارت شرق و غرب را می‌خواهند، همه در انتخابات شرکت کنند.

۲- اگر در انتخابات مسامحه کنیم، مطمئن باشید که... به ما لطمه می‌زنند.

۳- وصیت من به ملت شریف آن است که در تمام انتخابات... در صحنه باشند.

۴- انتخابات در انحصار هیچکس نیست، نه در انحصار روحانیین است، نه در انحصار احزاب است، نه در انحصار هیچکس نیست، نه در انحصار گروه‌هاست، انتخابات مال همه مردم است.

۵- ملت است که با رأی خودش رئیس جمهوری تعیین می‌کند، جمهوری اسلامی را رأی می‌دهد، و با رأی خودش که در متمرکز است در مجلس، دولت را تعیین خواهد کرد، و همه‌ی امور دست خود ملت است.

۶- این تکلیف آقایان است که راجع به مسائل اسلامی که پیش می‌آید، چه وکیل بخواهید تعیین بکنید و چه رئیس جمهور بخواهید تعیین کنید، باید در صحنه باشید، عذری ندارید که بروید و کنار بنشینید.

۷- باید توجه داشت که هدف از انتخابات در نهایت، حفظ اسلام است، اگر در تبلیغات حریم مسائل اسلامی رعایت نشود، چگونه منتخب حافظ اسلام می‌شود؟

۸- همه شما، همه ما، زن و مرد، هر مکلف همان‌طور که باید نماز بخواند، همان‌طور باید سرنوشت خودش را تعیین کند. (صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۶۸)

۹- عزیزان من که امید نهضت اسلامی به شماست، در روز تعیین سرنوشت

کشور بپا خیزید و به صندوق‌ها هجوم آورید و آرای خود را در آنها بریزید.

### امام خمینی<sup>(ره)</sup> و معیارهای انتخابات اصلح:

امام همواره بر انتخاب اصلح و بررسی همه جانبه پیرامون کاندیدا تأکید داشته‌اند و فرمودند:

۱- امروز مسئولیت به عهده ملت است، ملت اگر چنانچه کنار بنشیند، اشخاص مؤمن، اشخاص متعهد بنشینند و اشخاصی که نقشه کشیده‌اند برای این مملکت، از چپ و راست، آن‌ها وارد بشوند... تمام مسئولیت بعهدہ ملت است.

۲- باید ملت شریف بدانند که انحراف از این امر مهم اسلامی خیانت به اسلام و کشور است، و موجب مسئولیت عظیم است. (صحیفه امام، ج ۲، ص ۳)

۳- توجه داشته باشید رئیس جمهور و وکلای مجلس از طبقه‌ای باشند که محرومیت و مظلومیت مستضعفان و محرومان جامعه را لمس نموده و در فکر رفاه آنان باشند، نه از سرمایه‌داران و زمین‌خواران و صدرنشینان مرفه و غرق در لذات و شهوات، که تلخی محرومیت و رنج گرسنگان و پابرهنگان را نمی‌توانند بفهمند.

۴- مردم را توجه بدهید به این که شما می‌خواهید اسلام را حفظ کنید، باید منتخبین شما اشخاصی باشند که توجه به اسلام داشته باشند، بازیگر نباشند.

۵- من متواضعانه از شما می‌خواهم که حتی الامکان در انتخاب اشخاص با هم موافقت نمایید، و اشخاصی اسلامی، متعهد، غیر منحرف از صراط مستقیم الهی را در نظر بگیرید.

۶- باید درست متوجه باشید و اشخاصی که انتخاب می‌کنید سوابقشان را مطالعه کنید، بدانید... در زمان سابق چه جور بودند، در زمان انقلاب چه جور

بودند، از اول انقلاب تا حالا چه جور بودند و سوابق خانوادگی‌شان چه هست، عقایدشان چه هست و مقدار معلوماتشان چه هست. (صحیفه امام، ج ۹، ص ۱۷۷)

۷- امید است ملت مبارز متعهد، به مطالعه دقیق در سوابق اشخاص و گروه‌ها، آرای خود را به اشخاصی دهند که به اسلام عزیز و قانون اساسی وفادار باشند، و از تمایلات چپ و راست مبرا باشند، و به حسن سابقه و تعهد به قوانین اسلام و خیرخواهی امت، معروف و موصوف باشند. (همان، ج ۱۱، ص ۲۶۹)

۸- افرادی را انتخاب کنید که متعهد به اسلام (بوده)، شرقی و غربی نباشند، و بر صراط مستقیم انسانیت و اسلامیت باشند. (همان، ج ۱۱، ص ۲۸۴)

۹- من انتظار دارم که وحدت کلمه خود را حفظ، و در انتخاب وکلای خود رضای حق را بر رضای خود مقدم دارید.

۱۱- منتخب باید خلاف جهت آمریکا عمل کند و جدا از عالمان دین نباشد. (صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۶)

۱۲- وکیل‌هایی که آراسته هستند به اخلاق خوب، متعهد هستند به اسلام، وفادار هستند به کشور خودشان، خدمتگزار هستند به شما و به کشور، آن اشخاص را انتخاب کنند و به مجلس بفرستند.

۱۳- باید بدانیم که اگر رئیس جمهور و نمایندگان مجلس، شایسته و متعهد به اسلام و دلسوز برای کشور و ملت باشند، بسیاری از مشکلات پیش نمی‌آید. (امام خمینی، کلمات قصار، ۱۳۸۶، ص ۱۳۲)

۱۴- سرنوشت اسلام و کشور خود را به دست کسانی دهید که به اسلام و جمهوری اسلامی و قانون اساسی معتقد و نسبت به احکام نورانی الهی متعهد باشند و منفعت خود را بر مصلحت کشور مقدم ندارد. (صحیفه‌ی امام، ج ۱۱، ص ۲۶۹)

### ضرورت حضور گسترده در انتخابات

انتخابات و جمهوریت و مردم‌سالاری در اندیشه امام خمینی<sup>(ره)</sup> از ارکان جدایی‌ناپذیر نظام سیاسی است، حضور و مشارکت سیاسی آگاهانه و هوشمندانه مردم علت پیروزی انقلاب اسلامی و عامل بقا و تداوم آن نیز به‌شمار می‌رود. انتخابات نماد تأثیرگذاری مردم در سرنوشت خویش است و از آحاد مردم و نخبگان خواسته‌اند در تمامی عرصه‌های تعیین سرنوشت حضور فعال داشته‌اند.

امام خمینی شرکت نکردن در انتخابات را خیانت به اسلام و کشور می‌دانستند، چنان که فرمودند: باید ملت شریف بدانند که انحراف از این امر مهم اسلامی (شرکت در انتخابات)، خیانت به اسلام و کشور است و موجب مسئولیت عظیم است. (صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۳)

امام راحل مسئولیت مسامحه کردن در حضور گسترده را بر عهده خود مردم دانستند و فرمودند: اگر مسامحه کنید، مسئول هستید پیش خدای تبارک و تعالی، اگر نروید و رأی ندهید و آنها که جدیت دارند به این که وارد بشوند در مجلس و بهم بزنند اوضاع ایران را، آنها خدای خواسته برونند، مسئولیتش بر عهده شما است، همه طبقات مسئولیت دارند(همان، ص ۷)

### ضرورت پرهیز از اختلاف در آستانه انتخابات

امام راحل هشدار دادند به مسئولین که اختلاف افکنی توطئه دشمن است: تهیه می‌بینند مخالفین شما، مخالفین جمهوری اسلامی که برای انتخابات ایجاد نفاق کنند و این یک خطری است برای کشور ما. (صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۶)

چرا باید این طور باشد که صدای مردم در بیاید؟ من نصیحت به آنها می‌کنم، من از لسان اسلام به آنها نصیحت می‌کنم که با هم اختلاف نکنید. (همان، ج ۱۲، ص ۲۷۳)

### آسیب‌ها و آفت‌های مسئولان در کلام امام<sup>(ره)</sup>

آسیب و آفت چنانچه مراقبت لازم صورت نگیرد به طور طبیعی در هر نهادی پدید می‌آید. دولت و مجلس و دیگر دستگاه‌های کشور نیز از بروز آسیب در امان نیستند. مهم‌ترین آسیب‌ها را می‌توان در کلام و بیان امام خمینی<sup>(ره)</sup> استخراج نمود. امام راحل فرمودند: آن روزی که دیدید و دیدند که از انحراف در مجلس پیدا شد، انحراف از حیث قدرت‌طلبی و از حیث مال‌طلبی در کشور، در وزیرها پیدا شد، در رئیس جمهور پیدا، آن روز بدانند که علامت اینکه شکست بخوریم خودنمایی کرده، از آن وقت باید جلوگیری را بگیرند.

امام خمینی<sup>(ره)</sup> در مذمت و خسارت روحیه کاخ نشینی فرمودند: آن روزی که مجلسیان خوی کاخ‌نشینی پیدا کنند خدای نخواستہ و از این خوی ارزنده کوخ‌نشینی بیرون بروند، آن روز است که ما برای این کشور باید فاتحه بخوانیم.

آسیب بزرگ رقابت سیاسی و عبور از اخلاق اسلامی، آفت بزرگی است که امام خمینی<sup>(ره)</sup> نسبت به آن هشدار دادند و فرمودند: اگر در این نظام کسی یا گروهی خدای ناکرده بی‌جهت در فکر حذف یا تخریب دیگران برآید، و مصلحت جناح و خط خود را بر مصلحت انقلاب مقدم بدارد، حتماً پیش از آن که به رقیب یا رقبای خود ضربه بزند، به اسلام و انقلاب لطمه وارد کرده است. اختلاف مسئولین نظام با یکدیگر و تسویه حساب‌های شخصی و درگیری‌های ناصواب می‌تواند فرصت‌های کشور را تباه کند و زمینه را برای سوء استفاده و بحران‌سازی دشمنان و بیگانگان فراهم می‌سازد. امام خمینی<sup>(ره)</sup> فرمودند: شما وکیل نیستید که بروید آنجا بنشینید و حساب‌هایی که خودتان با هم دارید صاف کنید، اگر یک همچو کاری بشود این انحراف است، و غضب است آن محل برای شما.

انحراف آفت بزرگی در مسیر نهضت است، امام خمینی<sup>(ره)</sup> در خصوص خطرات انحراف در مسیر انقلاب فرمودند: اگر انحراف پیدا کنید برخلاف ملت، خیانت کرده‌اید به وکالتی که دارید. (امام خمینی<sup>(ره)</sup>، کلمات قصار، ۱۳۸۶، ص ۱۳۶)

امام<sup>(ره)</sup> سازش با غرب را آفتی بزرگ می‌داند و می‌فرماید: هر کس در هر مقام که خیال سازش با شرق و غرب را داشت، بی‌محبا و بدون هیچ ملاحظه‌ای او را از صحنه روزگار براندازید. (همان، ص ۱۴۴)

### طرد افراد نالایق در انتخابات.

امام خمینی<sup>(ره)</sup> به تناسب انتخابات مختلف تأکید کردند که نگذارید انقلاب به دست ناهلان و نامحرمان بیفتد، و نهایت مراقبت را در درون انتخابات داشته باشید. امام<sup>(ره)</sup> با تأکید بر حذف و طرد انسان‌های منحرف به‌ویژه در عرصه انتخابات فرمودند: باید به اشخاصی که احتمال انحراف در آنان می‌رود، رأی ندهید، احتمال انحراف عقیدتی، اعمالی یا اخلاقی باعث می‌شود که به چنین اشخاصی اعتماد نمی‌شود کرد و رأی به آنان، موجب مسئولیت خواهد بود. (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۷۵)

امام راحل سازش با غرب را خط قرمز نظام اسلامی دانستند و فرمودند: هر کس که در هر مقام که خیال سازش با شرق و غرب را داشت، بی‌محبا و بدون هیچ ملاحظه‌ای او را از صحنه روزگار براندازید. (کلمات قصار، ص ۱۴۴)

### توطئه‌های انتخاباتی دشمن از نگاه امام:

داشتن دشمن از طبیعی‌ترین وضعیت‌ها و روندها در تاریخ حیات سیاسی بشر است و طبیعی‌تر از آن، این است که دشمن همواره در تدارک دشمنی و توطئه‌گری می‌باشد. امام راحل تصریح می‌کند: از جمله‌ی اموری که اجانب به آن دامن می‌زنند، همین مسئله انتخابات است، هر انتخاباتی که در ایران

می‌شود اینها می‌گویند مردم این دفعه نمی‌آیند، مردم سست و خسته شده‌اند. (صحیفه‌ی امام، ج ۱۷، ص ۸۳)

امام راحل نسبت به توطئه‌گری به بهانه نقد و انتقاد هشدار دادند: توطئه آزاد نیست، انتقاد آزاد است، بنویسند، بگویند، انتقاد کنند، اما توطئه کردن و دنبال این باشند که تضعیف کنند جمهوری اسلامی را، تضعیف کنند ارگان‌های این جمهوری را؛ آن است که دست در کار است و ماورای او دست‌هایی است که گرداننده هستند... اینها معلوم است یک دستی پشتش هست که مردم را هل بدهد و از صحنه بیرون کند. (همان، ص ۲۶۸)

از آغاز انقلاب تا کنون یکی از اهداف شوم و پلیدی که همواره مورد توجه استکبار جهانی و نوکران خارجی و داخلی آنان بوده است، دور کردن مردم از صحنه‌های انقلاب و گسستن پیوندهای پولادین آنان با آرمان‌های اجتماعی-سیاسی اسلام بوده است که در راه تحقق آن به انواع حیل‌ها و ترفندهای گوناگون متوسل شده‌اند. (۶۷/۱/۱۱، همان، ج ۲۰، ص ۱۹۳)

بنابراین مردم، مسئولان، نامزدهای انتخابات، جریان‌های سیاسی و مطبوعات و رسانه‌ها هر یک در حد خود باید مراقب باشند، مرزبندی خود را با دشمن تعریف کنند، دشمن‌شناسی، تهدیدشناسی، موقع‌شناسی و عمل به هنگام و به اندازه را با بصیرت و هوشیاری تقویت کنند و نگذارند فرصت انتخابات به تهدید و چالش تبدیل شود.

## مفهوم‌شناسی سیاسی

علی مرادزاده

### راهبرد

راهبرد از نگاه داخلی برنامه کلی است که راه رسیدن به اهداف را نشان می‌دهد. این برنامه در قالب یک الگوی رفتاری تجلی پیدا می‌کند که از نگاه بیرونی به این الگوی رفتاری، راهبرد گفته می‌شود. راهبردها چارچوبی را برای رهبری اندیشه و کنش فراهم می‌آورند. راهبرد مانند دیگر مفاهیم سیاسی و اجتماعی و مدیریتی با تعاریف متفاوت و متعددی از سوی اندیشمندان مواجه است، مهم‌ترین این تعاریف عبارتند از:

۱- راهبرد به عنوان یک طرح: راهبرد یعنی یک طرح آگاهانه که قبل از عمل تدوین می‌گردد.

۲- راهبرد به عنوان الگو: راهبرد یعنی یک الگوی رفتاری سازمان.

۳- راهبرد به عنوان یک موضع: راهبرد موضعی است که سازمان در محیط خود انتخاب می‌کند.

۴- راهبرد به عنوان دیدگاه: راهبرد یعنی دیدگاهی که از راه تعامل میان مدیران شکل می‌گیرد.

## ۵- راهبرد به عنوان صف‌آرایی: راهبرد یعنی نوعی صف‌آرایی.

### انواع راهبرد

نامزدهای انتخاباتی با استفاده از تجزیه و تحلیل وضعیت موجود خود و رقبای سیاسی یکی از راهبردهای زیر را انتخاب می‌کنند:

#### ۱- راهبرد ائتلاف و اتحاد

نامزدهای انتخاباتی هر یک از جریان‌های سیاسی برای پیروزی در انتخابات و غلبه بر رقیب به نوعی ائتلاف درون گفتمانی دست می‌زنند. در جمهوری اسلامی ایران فعالان سیاسی و نامزدهای جریان اصولگرا با یکدیگر ائتلاف کرده و یکی از آنها در صحنه رقابت باقی می‌ماند، جریان اصلاح‌طلب، حلقه انحرافی، تکنوکرات‌ها هر یک در تحلیل‌های استراتژیک درون گروهی به چنین اقدامی مبادرت می‌ورزند:

#### ۲- راهبرد رقابتی

نامزد هر یک از جریان‌ها و گفتمان‌های سیاسی و یا نامزدهای مستقل، هر یک راهبرد خاص را برای پیروزی در انتخابات و غلبه بر رقیب طراحی و اجرا می‌کنند.

#### ۳- راهبرد پذیرش

در این راهبرد برخی رقبا به نفع نامزد دیگر کنار می‌روند.

### مدل انتخاب راهبرد

برای انتخاب راهبرد شاخص‌ها و عوامل مختلفی وجود دارد. نامزدهای انتخابات با آگاهی از تأثیرگذاری برخی عوامل مؤثر قادر به انتخاب مناسب‌ترین راهبرد خواهند بود. مهم‌ترین این عوامل عبارتند از:

#### ۱- قدرت:

قدرت یعنی توانایی نفوذ در دیگران. نفوذ عبارت است از فرایند اثرگذاری

بر تفکرات، رفتارها و احساسات دیگران. قدرت به نوبه خود از شش منشأ سرچشمه می‌گیرد: قدرت پاداش، قدرت تهدید، قدرت قانونی، قدرت مشروع، قدرت صلاحیت، قدرت مهارت.

## ۲- اعتبار

اعتبار یعنی دیدگاه مثبت و منفی رأی دهندگان درباره یک نامزد یا یک حزب. اعتبار به نوبه خود دارای سطوح سه گانه می‌باشد:

الف) اعتبار اولیه: اعتباری که هر یک از نامزدها قبل از برقراری ارتباط با شهروندان دارا می‌باشند. مانند سوابق فعالیت‌های اجرایی، سوابق حزبی، وابستگی خانوادگی، نوع شهرت و وجهه اجتماعی، تحصیلات، تخصص و ... .

ب) اعتبار ثانویه: اعتباری که برخاسته از برنامه‌ها و شعارهای نامزدها می‌باشد که در جریان تبلیغات انتخاباتی حاصل می‌گردد.

ج) اعتبار نهایی: این اعتبار در آخرین لحظات قبل از انتخابات شکل می‌گیرد. (تبلیغات سیاسی، حسن سبیلان اردستانی، ۱۳۸۷، ص ۸۴)

## ۳- همسویی فکری

کاندیدها و احزاب و گروه‌هایی که دارای اندیشه یا جریان فکری نزدیک به هم هستند امکان ائتلاف در صحنه انتخابات را دارند و به طور معمول نامزدهای طرفدار هر یک از جریان‌های سیاسی مشهور کشور در آستانه انتخابات به چنین ائتلافی دست می‌زنند. (ره‌نور و مهدوی راد، مدیریت انتخابات، ۱۳۸۹، ص ۱۹۰)

## اجرای راهبرد

در مرحله اجرای راهبرد باید اولاً منابع مادی لازم وجود داشته باشد، ثانیاً نوع سازماندهی هدفمند و منظم تعیین کننده خواهد بود ثالثاً استفاده از فناوری‌ها و روش‌های نوین و رابعاً برنامه‌ریزی مؤثر و جامع در این راستا ضروری خواهند بود.

## هماهنگی راهبردی

هماهنگی و وحدت رویه راهبردی از جمله مهمترین هماهنگی‌های سیاسی و اجتماعی به‌شمار می‌رود. به‌طور طبیعی دو گونه اهداف در هر مقطعی وجود دارد. ۱- اهداف فردی. ۲- اهداف سازمانی و حکومتی. هماهنگی راهبردی عبارت است از اینکه بین اهداف و عملکرد فردمحور با اهداف و عملکرد سازمان‌محور هماهنگی و همسویی صورت پذیرد. در چنین فرایندی هر فرد با هر نامزد و هر حزب سیاسی همان اهدافی را دنبال می‌کند که نظام سیاسی دنبال می‌کند. (مدیریت راهبردی عملکرد، ۱۳۹۰، ص ۴۱۳)

## سناریو

سناریو را می‌توان داستان‌های مربوط به آینده‌های ممکن متعدد دانست، سناریو به مفهوم ایجاد برنامه‌های مختلف، با فروض متفاوت، برای مواجهه با اتفاقات آینده است و همچنین گفته شده است که سناریو یعنی تجزیه و تحلیل اطلاعات، فکر کردن و نوشتن درباره سناریوها و بحث درباره آینده بالقوه. سناریوها موجب تمرکز ما بر روی نقاط انشعاب مسیر آینده و پیشامدهای بالقوه در این مسیر می‌شوند. به کمک تصمیم‌گیری بر پایه آینده‌های بدیل و آزمودن راهبردهای پیشنهادی در شرایط مختلفی که سناریوها معرفی می‌کنند، برای مواجهه با عدم قطعیت‌های آینده آمادگی بیشتری کسب می‌کنیم.

بدون تردید یکی از ضرورت‌های اساسی در روند انتخابات که همه نامزدها با هر هدف به آن نیازمندند، روش‌ها و تکنیک‌های پیش‌بینی و حدس‌زدن راه‌حل‌ها و وقایعی است که در طول جریان انتخابات برای هر یک از طرفین رخ خواهد داد. برنامه‌ریزی روشمند، عنصری کارساز برای انتخابات موفق است.

در اینکه سناریوها برای چه هویتی نوشته می‌شوند، سناریوها را به سه دسته تقسیم می‌کنند:

- ۱- **سناریوهای رقیب:** سناریوهایی که با تمرکز بر رقبا و آینده‌های محتمل برای هر یک از رقبا تدوین می‌شوند
- ۲- **سناریوهای محیط:** سناریوهایی که با تمرکز بر محیط یک سازمان و تحولات احتمالی آن نوشته شوند.
- ۳- **سناریوهای سازمان:** سناریوهایی که با تمرکز بر خود سازمان و آینده‌های بدیل موجود آن نوشته شوند.

### انواع سناریو

با نگاهی ساده به موقعیت‌هایی که یک کاندیدا، حزب یا گروه سیاسی در آینده با آنها روبرو می‌شود می‌توان پنج نوع سناریوی متمایز را شناسایی و تفکیک نمود:

- ۱- **سناریوی بدون شگفتی:** روندهای جاری بدون تغییرات مهم به مسیر عادی خود ادامه می‌دهند.
- ۲- **سناریوی خوش‌بینانه:** براساس آن، آینده بهتر از گذشته است.
- ۳- **سناریوی بدبینانه:** بر اساس آن آینده بدتر از گذشته دیده می‌شود.
- ۴- **سناریوی فاجعه:** در این سناریو حوادث و بحران‌های غیرمنتظره برای کاندیدا رخ می‌دهد.
- ۵- **سناریوی معجزه:** در این سناریو رویدادهای بسیار خوب باور نکردنی در آینده رخ می‌دهد.

هر یک از نهادها، کاندیداها و جریان‌های سیاسی که می‌خواهند در انتخابات حضور پیدا می‌کنند نسبت به آینده خود و رقبا خود اقدام به محاسبه سناریوها و وضعیت‌های محتمل می‌کنند و برای هر وضعیت یا سناریو راه‌کارهای خاصی طراحی و بر اساس آن برنامه‌ریزی و اقدام می‌کنند

تا پس از خنثی کردن راه کارهای رقیب بر تأثیرگذاری سناریوها و راه کارهای خود بیفزایند.

## « پاسخ به سؤالات سیاسی »



۱- اهداف غرب از تشدید فشارهای اقتصادی علیه ج.ا.ا در این مقطع زمانی چیست؟  
غرب در این دوره از فشارهای اقتصادی تحت عنوان تحریم هوشمند چند هدف اساسی را دنبال می‌کرد:

- منفعل سازی ایران نسبت به تحولات منطقه؛  
در واقع هدف غربی‌ها این بوده است که از تبدیل شدن وضعیت ژئوپلیتیکی منطقه خاورمیانه به یک موقعیت کاملاً ایرانیزه جلوگیری کنند. آنچه غربی‌ها در سر داشتند این بود که با تجمیع انواع فشارها بر ایران در زمانی کوتاه، ایران را به حل مشکلات داخلی مشغول سازند تا به بردهای بیشتر در منطقه دست پیدا نکند.

- وادار سازی ایران برای تن دادن به مذاکره؛  
دومین هدف غرب به‌ویژه آمریکایی‌ها از فعال کردن بی‌سابقه ابزارهای فشار بر روی ایران این بوده است که ایران را آنطور که خود می‌خواهد و با دستور کاری که از قبل طراحی کرده پای میز مذاکره بکشاند. در سخنان مقام معظم رهبری این طرح‌ریزی بسیار ساده‌دلانه بوده است و ایران در اثر مواجهه با فشارها به

جای اینکه به این نتیجه برسد که باید با آمریکا مذاکره کرد اتفاقا به این نتیجه رسیده است که هیچ فایده‌ای در مذاکره با آمریکا نیست و با غربی‌ها باید با همان زبانی سخن گفت که خود عادت به استفاده از آن در سخن گفتن با دیگران دارند.

- ترساندن ایران با گزینه‌های نظامی؛ غربی‌ها با تشدید بحث‌ها درباره احتمال قریب الوقوع بودن درگیری نظامی با ایران یا آن‌طور که خود دوست دارند بگویند با معتبرسازی تهدید علیه ایران، این دورنما را به ایران منتقل کنند که اگر در مقابل تحریم‌ها کوتاه نیاید آن وقت با گزینه‌ای سخت‌تر درگیری نظامی مواجه خواهد شد.

- جلوگیری از الگو شدن ایران در منطقه؛ یکی دیگر از اهدافی که غربی‌ها از فشارهای اخیر بر ایران به دنبال آن هستند، جلوگیری از الگو شدن ایران در منطقه است. مسلماً آمریکایی‌ها از اینکه الگوی حکومتی و الگوی رفتار ایران در بقیه نقاط منطقه کپی شود و ایران در مسیر مبارزه با آمریکا و رژیم صهیونیستی شرکایی جدید بیابد بسیار هراسانند.

- راه‌اندازی نافرمانی مدنی و ایجاد ناآرامی‌های اجتماعی

- ایجاد اختلال در روند توسعه و پیشرفت ایران به ویژه در بخش‌های زیر ساختی

- القاء ناکارآمد بودن نظام دینی در مدیریت اقتصادی و حل مشکلات معیشتی مردم

- وادار سازی مسئولین و مردم به اشتباه محاسباتی

۲- رتبه‌های جهانی ایران در عرصه‌های مختلف را بیان کنید و بفرمایید در چه حوزه‌یی ایران توان تولیدی بهتری دارد؟

بنا به اعلام رسمی فائو ظرفیت کشاورزی در ایران بسیار بالاست در صورت اتخاذ نگاه راهبردی در بخش کشاورزی می‌توان به رتبه‌های بالاتری در اقتصاد دست پیدا کنیم. در حال حاضر ایران رتبه نخست تولید زعفران،

پسته، خاویار، زرشک و میوه توتی را در دنیا، جایگاه دوم تولید زرد آلو، خرما، رتبه سوم تولید هندوانه، گیلاس، طالبی، سیب، خیار، رتبه چهارم تولید گوسفند، میوه جات، به، پشم، بادام، گردو، رتبه پنجم تولید سبزیجات، رازیانه، نخود، رتبه ششم تولید آجیل، شیر گاو، گوجه فرنگی، رتبه هفتم تولید انگور، پیاز، آلبالو، کیوی، شیر گوسفند، جایگاه هشتم تولید: ادویه جات، هلو، نارنگی، لیمو (زرد و سبز)، پرتقال، شیر بز، کدو، کدو تنبل، را داراست. رتبه نهم تولید عدس و جایگاه دهم تولید خرما، چای و عسل دنیا را دارد. آمارهای پراکنده نشان می دهد علاوه بر موارد مذکور ایران در صادرات رتبه ۲۳، تولید مس رتبه ۱۰، کاشی و سرامیک رتبه ۵، محصولات دانش بینان رتبه ۴۰، در حوزه انرژی های نو رتبه دوازدهم، فناوری اطلاعات رتبه سیزدهم، آب رتبه چهاردهم، سلول های بنیادی رتبه هجدهم، میکروالکترونیک رتبه بیستم و زیست فناوری رتبه سی و دوم جهان را به دست آورده است.

### ۳- آیا انتخاب جک لو یهودی به عنوان مسئول خزانه داری آمریکا

#### افزایش تحریم های جدید علیه ایران را به دنبال ندارد؟

سازمان های صهیونیستی همگام با موج انتخاب مقامات جدید به سمت های مختلف، تمام تلاش خود را به کار بسته اند تا در راستای منافع و اهداف صهیونیسم، غنیمت های خود را به حداکثر رسانده و دور دوم ریاست جمهوری اوباما را با اطمینان خاطر کامل سپری کنند. از این رو مخالفت ها، اعتراض ها، لابی ها، بیانیه ها و تقدیر و تشکرها از سوی گروه ها، سازمان ها و رسانه های مختلف صهیونیستی به اوج خود رسیده است. بر این مبنای گزینه های پیشنهادی اوباما با معیارهای صهیونیستی محک خورده و در نهایت، اعتراض و یا تأیید تصمیم ریاست جمهوری آمریکا از آن بیرون می آید. انتخاب جک لو به سمت وزیر خزانه داری آمریکا از سوی سازمان ها و رسانه های صهیونیستی مورد استقبال قرار گرفت. صهیونیست ها این انتخاب

را راهی برای افزایش تحریم‌های ایران دانسته و از این انتخاب اوباما ابراز رضایت و خرسندی کردند. جک لو یکی از یهودیان ارتدوکس که دارای روابط گسترده‌ای با رهبران سازمان‌های طرفدار اسرائیل در آمریکا است. وی بهترین گزینه برای تداوم و گسترش تحریم‌های آمریکا علیه ایران به شمار می‌آید. همچنین چاک هیگل که به وزارت دفاع آمریکا برگزیده شده است، یکی از حامیان کلیدی در افزایش فشارهای اقتصادی برای کنترل ایران محسوب می‌شود.

#### ۴- چه الزاماتی قبل از اجرای فاز دوم یارانه‌ها ضروری است؟

- مشروط شدن اجرای فاز دوم به تامین شرایط لازم و بررسی نتایج فاز اول
- ایجاد اجماع نظر بین فعالان اقتصادی و نمایندگان مجلس برای اجرای فاز دوم هدفمندی به عنوان دو بازوی کارشناسی
- فراهم سازی بستر لازم برای صیانت از تولید و صنعت کشور طبق تکلیف قانونی مربوطه در حمایت از تولید
- تحقق درآمدهای دولت و بهبود اوضاع اقتصادی
- افزایش تدریجی قیمت‌ها یکی از راه‌های مهار و کنترل اثرات تورمی
- تکمیل انجام کامل تعهدات از جمله تعهدات بخش تولید
- سنجش نقاط قوت و ضعف آن با مشارکت کارشناسان مستقل
- ایجاد ثبات اقتصادی لازم
- کاهش تورم

#### ۵- کالاهای اولویت نهم که مشمول دریافت ارز مبادله‌ای شدند، چه

کالاهایی هستند؟

با توجه به تقاضای وزارت صنعت و معدن مبنی بر تامین ارز گروه کالایی نهم با نرخ مبادله‌ای پس از بررسی‌های کارشناسی لازم در بانک مرکزی و

تایید معاونت ارزی بانک و رییس کل، گروه کالایی نهم از پنجم بهمن ماه مشمول دریافت ارز به نرخ مبادله‌ای شده‌اند. این کالا عبارتند از: موز، گازهای نفتی، کدر کننده‌ها، تخته فیبری، قوطی کمپوت و کنسرو، قوطی نوشابه و آبمیوه، چای کوبیده، کاغذ کاربن، شیشه فلوت، مفتول مسی، موتورهای پیستونی دو زمانه، تلمبه برای آبگون‌ها، قرقره‌های طناب دار بالاکنشده، درب اتوماتیک آسانسور، ماشین‌های جوجه کشی، ماشین آلات قند سازی، ماشین‌های اره کردن یا قطع کردن، رگولاتور، محافظ بهداشتی، شیر یکطرفه و اطمینان، شیرآلات بهداشتی و دستشویی، موبایل، میکروفون بلندگو، مانیتور ال سی دی، لامپ کم مصرف، باتری قراضه، خودرو سواری زیر ۲۵۰۰ سی سی، بتونیر (کامیون‌های بتون ساز)، بدنه سواری، اتوبوس و مینی بوس و انواع تریلرهای سردخانه دار در اولویت ۹ کالایی قرار دارند.

## ۶- این روزها از محصولات غذایی ارگانیک خبرهای زیادی شنیده می‌شود اصلاً بفرمایید محصولات ارگانیک چه هستند؟

به طور کلی، غذای ارگانیک، به غذایی گفته می‌شود که بدون دخالت یا بدون مصرف آفت‌کش‌ها، کودهای شیمیایی و ترکیبات اصلاح شده ژنتیکی تولید شده باشد. در واقع کشاورزی ارگانیک، شیوه‌ای از کشاورزی است که در تمامی مراحل کاشت تا برداشت، جمع‌آوری و بسته‌بندی محصولات کشاورزی از کود شیمیایی استفاده نمی‌کنند. در ابتدا این محصولات، تنها در فروشگاه‌های کوچک و یا در بازارهای محلی کشاورزان قابل دسترس بود، ولی در سال‌های اخیر، به طور وسیعی در اکثر فروشگاه‌ها در کشورهای اروپایی و آمریکایی فراهم و قابل دسترس است، چنانکه مصرف غذاهای ارگانیک در بین مردم آمریکا طی چند سال اخیر رشد ۱۷ تا ۲۰ درصدی داشته است. البته در کشور ما هم طی سال‌های گذشته تلاش زیادی شده که محصولات ارگانیک کشاورزی و غذایی تولید شود. طبق برنامه پنجم توسعه

چهار میلیون هکتار زمین‌های کشاورزی کشور باید به روش مدیریت تلفیقی آفات مدیریت شود و از سویی ۲۵ درصد کود شیمیایی مورد استفاده در کشاورزی باید با کودآلی جایگزین شود. محصول ارگانیک نه تنها طعم و مزه حقیقی دارد بلکه پرورش این نوع محصولات سودآوری اقتصادی‌شان دو برابر زمین‌های معمولی است و کشور ما که در این زمینه ظرفیت خاصی دارد باید با تبلیغات و تشویقات قدم‌های خوبی بر دارد.

### ۷- بدهی خارجی ایران چه مقدار است؟

صندوق بین‌المللی پول در بخشی از گزارش خود موسوم به «چشم انداز اقتصاد منطقه‌ای؛ خاورمیانه و آسیای مرکزی» به بررسی میزان بدهی‌های کشورهای منطقه خاورمیانه پرداخته است. براساس این گزارش، میزان بدهی خارجی ایران در سال ۲۰۱۰ برابر با ۲۲/۶ میلیارد دلار بود که این رقم در سال ۲۰۱۱ حدود ۶/۳ میلیارد دلار کاهش یافت و به ۱۶/۳ میلیارد دلار رسید. این رقم در پایان خرداد ماه سال ۹۱ به ۱۳/۹ میلیارد دلار رسید که ۲/۴ میلیارد دلار کمتر از سال قبل است. ایران در میان کشورهای منطقه از نظر میزان بدهی خارجی رتبه خیلی خوبی دارد. در این میان، امارات با بدهی خارجی ۱۴۷/۶ میلیارد دلاری به عنوان بدهکارترین کشور خاورمیانه‌ای در سال ۲۰۱۱ شناخته شده است. رتبه دوم نیز از آن قطر با بدهی به ارزش ۱۲۵/۵ میلیارد دلار بوده است. سومین کشور از لحاظ بدهی خارجی عربستان است و میزان بدهی آن برابر با ۹۴ میلیارد دلار برآورد شده است. بدهی دیگر کشورهای خاورمیانه از جمله عراق ۸۸/۳ میلیارد دلار و لبنان ۶۸ میلیارد دلار تخمین زده شده است. براساس آمار صندوق بین‌المللی پول، میزان بدهی خارجی بحرین ۳۶ میلیارد دلار، کویت ۳۱/۶ میلیارد دلار و عمان ۸/۱۶ عنوان شده است. براساس این گزارش، اردن با ۶/۲ میلیارد دلار و یمن با ۵/۹ میلیارد دلار کمترین میزان بدهی خارجی را در میان کشورهای

خاورمیانه دارند. در این گزارش رقمی برای میزان بدهی سوریه به عنوان یکی از کشورهای این منطقه ذکر نشده است.

## ۸- دلایل اصلی نوسانات ارز چیست؟

در خصوص نوسانات ارز دو نظر عمده وجود دارد. نظر اول بیشتر به دولت بر می‌گردد اینها معتقدند که نوسانات ارز به خاطر تشدید تحریم‌ها است ولی نظر دوم که به اعتقاد کارشناسان بر می‌گردد این گروه بر این باورند تحریم بخشی از دلایل نوسانات است اما عوامل دیگر هم در بروز نوسانات تاثیر گذار است که همه اینها را باید در قالب یک بسته تحلیل صورت گیرد در این جا به برخی از عوامل به صورت فهرست وار اشاره می‌گردد:

- عدم شفافیت دولت در تصمیمات اقتصادی

- سوء مدیریت

- زمزمه راه اندازی بورس ارز

- بار روانی ناشی از التهابات قیمت ها

- عدم تعهد دولت به وعده‌های ارائه شده

- تشدید تحریم‌ها به ویژه تحریم هوشمند

- نقدینگی بالا

- عدم عرضه ارز به بازار توسط بانک مرکزی

- بیان ایده‌های غیرکارشناسی

- ورود سفته بازان متعدد به بازار

- ضعف اقدامات نظارتی

- فقدان پیوست‌های فرهنگی در بین مردم

در شرایط فعلی اقتصادی و گسترش تحریم‌ها، هر کدام از نهادهای کشور اعم از بانک مرکزی، دولت و مجلس از شرایط ویژه اقتصاد و تدوین برنامه

مدیریتی ویژه این شرایط صحبت می‌کنند؛ اما در عمل مشاهده می‌شود که در بین این نهادها اختلاف نظر سیاستی بر سر متغیر بسیار کلیدی اقتصاد ایران یعنی نرخ ارز وجود دارد؛ بنابراین ضروری‌ترین برنامه مدیریتی که این نهادها لازم است اتخاذ کنند هماهنگی سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی اقتصادی است تا از این وضعیت شکننده خارج شویم.

## ۹- مطالبات معوق بانکها چه قدر است و چه راه‌کارهایی برای وصول آن وجود دارد؟

مطالبات معوق بانک‌ها و رشد نگران‌کننده آن طی سال‌های اخیر به‌ویژه در چند ماه اخیر به یکی از چالش‌های نظام بانکی و اقتصاد کشور تبدیل شده است که همین مسأله لزوم اتخاذ تدابیر فوری و در عین حال، اساسی را برای ریشه‌کنی این پدیده خطرناک بیش از پیش ضروری می‌سازد. مطابق آمارهای ارائه شده، نسبت مطالبات معوق به تسهیلات که یکی از شاخص‌های مهم در این زمینه و نشان‌دهنده سهم مطالبات معوق از کل تسهیلات است در مهر ماه سال جاری به بالاترین سطح خود در هفت سال اخیر رسیده است. آمارها نشان می‌دهد نسبت مطالبات معوق به تسهیلات از ۱۱ درصد در اسفند ۱۳۸۶، به ۱۵ درصد در اسفند ۱۳۸۷ و ۲۳ درصد در شهریور ۱۳۸۸ رسید که بعد از آن، به ۱۷ درصد در اسفند ۱۳۸۸ و ۱۶ درصد در شهریور ۱۳۸۹ کاهش یافت. این نسبت در پایان سال ۱۳۸۹، در حدود ۱۳ درصد و در پایان سال ۱۳۹۰، تقریباً ۱۷ درصد شده بود. آخرین رقم اعلامی از مطالبات معوق بانک‌ها ۶۰ هزار میلیارد تومان بود که رئیس کل بانک مرکزی در شهریور ماه عنوان کرد و چند روز پیش هم خبر افزایش این رقم به ۷۰ هزار میلیارد تومان حدود ۲۰ درصد رقم تسهیلات منتشر شد. به نظر می‌رسد روند مطالبات معوق سیر فزاینده به خود گرفته و ادامه این روند سیستم بانکی را با مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهد کرد. برای حل این معضل شرکت

ساماندهی و وصول مطالبات معوق بانک‌ها چهار سال با الزام بانک مرکزی توسط بانک‌ها راه‌اندازی شد. ولی از ابتدای آغاز به کار این شرکت مشکلات متعددی از جمله عدم ارائه پرونده‌ها به این شرکت وجود داشت و علی‌رغم تاکید وزیر اقتصاد بر همکاری بانک‌ها با این شرکت، مدیرعامل این شرکت یکی از موانع اصلی فعالیت را عدم ارائه پرونده‌های مطالبات معوق عنوان می‌کند. درخصوص عملکرد ۵ ساله این شرکت باید گفت آمارهای ارائه شده نشان‌دهنده این واقعیت است که درصد کمی از مطالبات معوق در این شرکت مورد بررسی قرار گرفته و از مقدار مطالبات بررسی شده نیز حجم کوچکی از آنها نهایی و وصول شده است. آمار اعلام شده بیانگر این است که تنها حدود ۹ درصد از ۶۰ هزار میلیارد تومان مطالبات معوق اعلام شده، توسط این شرکت بررسی و حدود هفت دهم درصد از کل مطالبات معوق وصول شده است. شواهد امر نشان می‌دهد بانک‌ها به هیچ وجه تمایلی به همکاری با این شرکت و اخذ معوقات خود ندارند. با این وضعیت به نظر می‌رسد یکی از دلایل افزایش روند مطالبات معوق، بی‌میلی و عدم تلاش بانک‌ها برای بازپس‌گیری سپرده‌های مردم است. در صورتی که این روند ادامه یابد و بانک‌ها تحرکی در این زمینه از خود نشان ندهند، باید در آینده منتظر شنیدن ارقامی بالاتر از مطالبات معوق بانک‌ها باشیم. پدیده‌ای که ممکن است در آینده سیستم بانکی را با بحرانی بزرگ مواجه سازد. در کل باید گفت وصول مطالبات بانک‌ها، مجموعه‌ای از فرایندهای داخلی و خارجی است؛ بدین معنا که بخشی از فرایند وصول (یعنی مذاکره با مشتری، دستورالعمل‌های لازم و...) در داخل بانک تهیه و تدوین می‌شود و بهبود این عوامل در حیطه اختیارات بانک‌هاست. استفاده از نیروهای مجرب بانکی همراه با رویه‌های مناسب وصول در بهسازی عوامل درون‌سازمانی نیز در وصول مطالبات مؤثر خواهد بود، اما بخشی دیگر از عوامل اثرگذار بر وصول مطالبات، عوامل برون‌سازمانی هستند. به عنوان مثال، قوانین و مقررات

حاکم بر دستگاه قضایی کشور به گونه ای است که در بسیاری موارد تسریع در روند وصول مطالبات را با مشکل مواجه می کند و از آنجا که پرونده‌ها دارای تعدد هستند، فرایند وصول مطالبات با کندی همراه خواهد شد. با عنایت به این مراتب، بانکها با توجه به شناخت خود از مشتریان و برآورد نحوه و زمان بندی وصول مطالبات و توانمندی بدهکار در باز پرداخت بدهی به طوری که واحد تولیدی یا خدماتی دچار مشکل نشود، اقدام‌های لازم را انجام دهند، ولی به طور کلی، بهترین رویه برای وصول مطالبات بانکها، ایجاد بستر مناسب است، بدین معنا که اختیارات ویژه ای برای بانکها طراحی و تدوین شود تا فرایند وصول مطالبات را در شرایط کنونی تسریع نمایند، ضمن اینکه استفاده از خدمات شرکت های وصول مطالبات، صرفه جویی وقت و هزینه بانکها را در پی دارد. با این حال، تدوین مکانیسم صحیح اعتبار سنجی مشتریان در بانکها، تشکیل بانکهای اطلاعاتی مشتریان، اخذ وثایق مناسب توسط بانکها، تدوین مکانیسمهای نظارتی مؤثر بر مصرف تسهیلات دریافتی مشتری، اصلاح قوانین و مقررات، اعمال نرخهای جریمه سنگین برای تأخیر تأدیه تسهیلات (درصد جریمه‌ای که بانک مرکزی در خصوص بانکها اعمال می نماید)، اعمال برخی محدودیت‌های خاص اعتباری برای بد حسابها، تشکیل نهادهای خاص وصول مطالبات و ... از جمله عواملی هستند که در مجموع می‌توانند به کاهش مطالبات معوق منجر شوند.

### ۱۰- عوامل اصلی در افزایش قیمت خودرو چیست؟

عوامل متعددی در افزایش قیمت خودرو دخیل است که به صورت خلاصه بیان می گردد.

**همکاری کم‌رنگ پژو؛** شرکت پژو به دو دلیل همکاری با صنعت ایران خودرو را بسیار کم کرده است. یکی بخاطر تحریم‌ها به ویژه انتقال پول، دیگری جنرال موتورز غول صنعت آمریکا با خرید هفت درصد از سهام گروه

پژوهسیتروئن، به نوعی افسار این شرکت فرانسوی را به دست گرفته و فضای همکاری با ایران سخت شده است. جنرال موتورز که با وجود قوانین اقتصاد آزاد، ظاهراً از سیاست‌های دولت ایالات متحده آمریکا تبعیت می‌کند، پس از سهامدار شدن در پژو، این شرکت را به قطع ارتباط با خودروسازی ایران ترغیب کرده و پژو هم برای به دست آوردن دل شریک گردن کلفت خود، روابطش با ایران خودرو را تعلیق کرده است. با توجه به اینکه ۴۰ درصد از بازار خودروی ایران در انحصار پژو است و بر روی خودروی پژو ۲۰۶ که از پرفروش‌ترین خودروها در بازار ایران است هم در تولید هم در قیمت تاثیر زیادی گذاشته است. با اینکه ۱/۵ درصد درآمد جهانی پژو از صنعت خودرو سازی ایران است ولی همین ۱/۵ درصد برابر با گردش مالی بیش از یک میلیارد دلار است که با توجه به شرایط اقتصادی این شرکت، رقم کمی نیست و حذف آن، در سیستم مالی پژو اثر منفی خواهد داشت.

**ضعف مدیریت؛** دارایی‌های غیرمولد، ایجاد سایت‌های خارجی بدون بازده، نیروی انسانی زیاده از حد و ریخت و پاش‌های بی نتیجه، از جمله دلایل اصلی بی‌پول شدن خودروسازان به شمار می‌آید و این چیزی جز ضعف مدیریت نیست.

**گرانی مواد اولیه مورد نیاز خودروسازان؛** در سال ۹۱ مواد اولیه ورق، آلومینیوم، فولاد، مواد پلیمری، چدن، تایلر و مس همگی از ۳۰ تا ۱۳۰ درصد نسبت به سال گذشته رشد داشته است که این افزایش قیمت در تولید خودرو بسیار تاثیر گذار است.

**عدم انسجام بر روی حلقه تولیدات داخلی؛** قسمت اعظم مواد اولیه و قطعات مورد نیاز در تولید خودرو، داخلی است و عمده موادی که در تولید خودرو به کار می‌روند در حوزه وزارت صنایع است پس باید وزارت صنعت، معدن و تجارت با ایجاد هماهنگی‌های لازم در بخش‌های مختلف تولید خودرو و تامین مواد اولیه هم روی قیمت و هم افزایش کیفیت کار بیشتری انجام

گیرد.

**کاهش تولید؛** طبق آمارهای رسمی کاهش تولید خودرو در امسال ۳۶ درصد بوده و طبق آمارهای غیر رسمی نیز به ۵۰ درصد رسیده است. بالا بودن تعرفه گمرگی واردات خودرو، صنعت کاملاً انحصاری، افزایش نرخ ارز، تورم عمومی، کمبود تسهیلات بانکی، محدودیت‌های بین‌المللی مختلف و اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها بازگشت عوارض گمرکی، محدودیت ظرفیت حمل و نقل، بالا بودن هزینه‌های مالی خودرو سازان، عدم پرداخت یارانه تحقیق و توسعه و عدم حضور ایران در پیمان‌های منطقه‌ای، از جمله بزرگ‌ترین چالش‌ها و مشکلات خودروسازان ایرانی است که به اندازه کافی هزینه‌های تولید را افزایش داده و کار را برای آنها سخت کرده است. از طرفی چون خودروسازی چندین صنعت دیگر مانند فولادسازی، ریخته‌گری، لاستیک‌سازی و... را به دنبال خود دارد پس اگر به هر دلیلی دچار مشکل شود این صنایع نیز از پیامدهای آن متاثر خواهد شد اما از سوی دیگر مردم هم نباید تاوان این همه افزایش قیمت را تحمل کنند در حالی که از خودروهای بدون کیفیت استفاده می‌کنند.



امام خامنه ای (مدظله العالی) :

من لازم میدانم از این حادثه‌ی  
عظیمی که به وسیله‌ی  
ملت ایران در سی و پنجمین  
بیست و دوی بهمن اتفاق  
افتاد، با عظمت یاد کنم و از  
عظمت این نعمت بزرگ،  
از فدای متعال شکرگزاری کنم؛  
حقیقتاً پدیده‌ی عجیبی است.



۱۳۵۷

نماینده‌ی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

معاونت سیاسی